

ویرایش دوم

آشنایی با فارکس

آشنایی با بازار الکترونیک بین المللی ارز
معرفی اصول اولیه
اصطلاحات تخصصی بازار
تحلیل فاندامنتال و بررسی قدرت های اقتصادی جهان
اصول روانشناسی خرید

نویسندگان: سعید دلیلی

نیشتمان اسراری

ویراستار: سعید عرب

سخن مولفان

چاپ نخست این کتاب در ۶۰ صفحه و قطع جیبی در سال ۸۳ صورت گرفت و اولین اثر چاپ شده فارسی در زمینه فارکس بود و استقبال خوبی از آن به عمل آمد، مطالب کتاب در حد آشنایی برای کسانی که به هیچ وجه با بازار آشنایی نداشتند نوشته شده بود اما در کتاب حاضر علاوه بر مطالب گذشته مطالب سطح بالاتری هم عنوان شده است که البته اساتید حرفه ای بازار نیازی به دانستن یا خواندن آن ندارند.

خوشبختانه در این مدت کتابهای زیادی با محتوای عمیق و تخصصی به چاپ رسیده است، ما در این ویرایش مطالب زیادی را به متن کتاب اضافه کردیم و به زمینه هایی پرداختیم که جای آنها را در دیگر کتابها خالی دیدیم، البته در تحلیل تکنیکال به دلیل مفصل بودن بحث به اشاره ای بسنده کرده ایم، تصمیم ما در ویرایش بعدی کتاب این است که در بخش تحلیل تکنیکال به صورت تخصصی و پیشرفته به استراتژی های خاص معامله بپردازیم.

اثري که پايان مي يابد، آفريننده اثر حس ميکند وظيفه اي را به انجام رسانده است و بزرگترين حس رضائيت را از پخش، نمايش و نمود عيني ان دارد (به جز در مورد خاص) و اگر کسي با اعمال سلیقه، خالق اثر را مجبور به تغيير کارش بکند بزرگترين توهين را به او روا داشته است.

پس از چاپ چند کتاب به این نتیجه رسیدیم که: علم و هنر در ترازوی اکثریت ناشران و توزیع کنندگان و فروشندگان هموزن کاغذ و جوهر به کار رفته است و نه چیزی بیشتر، اعمال نظر ممیزی کتاب، توهین به شعور جامعه و مولفان است و روی هم رفته شرایط به گونه ای است که علم، هنر و ادبیات ما رو به زوال است.

مولف پس از اتمام اثر به ناشر مراجعه می کند و آن را برای چاپ معرفی میکند، ناشران معمولاً با قیافه ای روشنفکرانه و حق به جانب از بالایی عینک نزدیک بینی که به گردن آویزان کرده اند نگاهی به اثر میکنند و از مولف می خواهند که بعداً تماس بگیرد، حال اگر در این مرحله اثر دزدیده نشود (قصد توهین به معدود ناشران پایبند به ارزشهای اخلاقی را نداریم) در مرحله بعد در صورت تمایل و سنگینی ترازو، ناشر حاضر به چاپ اثر با هزینه شخصی مولف می شود و کاغذ و جوهر را با سود نه چندان پایینی به مولف می فروشد و در قراردادی که با مولف میبندد هیچ تعهدی را نمیپذیرد، اگر مولف خوش شانس باشد و کتابش درست توزیع شود پس از فروش کتاب ها و بارها مراجعه با کسر چیزی حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد از قیمت پشت جلد جهت توزیع و جزء فروشی، یک برگ چک طولانی مدت به مولف تحویل می شود.

حال اگر کتاب با اقبال فروش مواجه شود برخی ناشران محترم که مصاحبه های زیادی هم در رسانه ها دارند بدون اجازه و اطلاع مولف دست به چاپ و توزیع اثر میزنند و این

آخرین ضربه برای حقیر شمردن مولف است و در برخی موارد شاید کمی بهتر عمل کنند و برای چاپ های بعدی درصد ناچیزی به مولف اختصاص دهند. جالب این است که همین مافیای نشر همیشه دم از این می زنند که کار کتاب سودی در بر ندارد و ما تنها برای گسترش فرهنگ تلاش می کنیم .

مولف در شریط حاضر به هنر و علم و ادبیات نمی تواند به عنوان راهی برای امرار معاش بنگرد لذا بسیاری از کسانی که این زمینه فعالیت دارند به ناچار راهی دیگر را بر میگزینند راهی که ما در مورد کتاب "[ترانه های وبلاگی](#)" انتخاب کردیم و تاوان سنگینی در بر داشت.

تنها حس آفرینش اثر و به اشتراك گذاشتن اطلاعات، انگیزه ایجاد این کتاب بود و البته روند رو به رشد نشر الكترونيك امکان خوبی برای عرضه ازادانه آثار علمي، هنري و ادبي می باشد و از این پس رویکرد ما بر نشر الكترونيك خواهد بود.

این اثر به صورت رایگان در اختیار عموم قرار می گیرد، کتاب حاضر در کتابخانه ملی ایران به ثبت رسیده است و حق چاپ کل یا قسمتی از آن به هر نحو، تنها با اجازه کتبی مولفان مجاز میباشد، در صورت نیاز به استفاده از مطالب در وبلاگ، مقاله یا روزنامه لطفا مرجع ذکر شود .

"آشنایی با فارکس" به مرور ویرایش می شود و مطالبی به آن افزوده یا از آن کم خواهد شد لذا نظر خوانندگان عزیز در پیشبرد بهتر این هدف موثر خواهد بود، در صورت نیاز می توانید با ادرس ایمیل Saeed.dalili@gmail.com با ما در تماس باشید.

این کتاب در حالی منتشر می شود که نیشتمان عزیز در بین ما نیست تا حاصل تلاشش را نظاره گر باشد و این حسرتی است بس بزرگ...

از دلگرمی و حمایت خانواده فداکارم و همه کسانی که مرا به زندگی دوباره رهنمون شدند سپاسگزارم.

سعید دلیلی

بهار ۱۳۸۷

تقدیم به همسر عزیزم نیشتمان که دستهای سرد مرا تنها گذاشت

فهرست

۱۰	مقدمه
۱۳	تاریخچه کوتاه
۱۸	مکانیسم بازار
۲۱	شروع کار
۳۹	تحلیل بازار
۴۰	تحلیل فاندامنتال
۴۷	دلار امریکا
۷۹	ین ژاپن
۸۷	یورو
۹۴	پوند انگلیس
۱۰۰	فرانک سوئیس
۱۰۵	دلار کانادا
۱۰۷	دلار استرالیا
۱۱۲	تحلیل تکنیکال
۱۱۵	روانشناسی ترید



مقدمه

"فارکس بازار خرید، فروش و تبدیل ارزهای مختلف است."

مجموعه حاضر در راستای آشنایی با فارکس، تحلیل فاندامنتال و اصول روانشناسی ترید تهیه شده است و از انجاییکه درباره تحلیل تکنیکال بازار کتاب های زیادی ترجمه شده است ، ما در این کتاب تنها اشاره مختصری به آن کرده ایم.

فارکس، بازار جدیدی است که در جهان رو به گسترش است و البته در ایران هنوز ناشناخته مانده است. فارکس بازار پر پتانسیلی هست و با حداقل امکانات می توان به آن دسترسی پیدا کرد و درآمد مناسبی کسب کرد، چه برای افراد داخل کشور و چه برای کسانی که قصد مهاجرت دارند و آموزش در این زمینه شغلی مناسب برای آنها در خارج از کشور مهیا می سازد.

برای افرادی که در بورس اوراق بهادار فعالیت داشته اند این بازار هم بازاری نسبتاً آشنا به نظر خواهد رسید و البته با ویژگی های خاص:

- بازار ۲۴ ساعته ، در هر ساعتی از شبانه روز امکان خرید و فروش و یا برداشت پول از حساب وجود دارد (از دوشنبه تا جمعه)

- نقدشوندگی بالا، ارزش روزانه معاملات ۱/۵ تریلیون دلار می باشد.

- هزینه کم معاملات، که به نسبت سود، بسیار ناچیز می باشد - استفاده از هر دو جهت بازار، می توان از بالا رفتن یک ارز و یا از پایین آمدن آن سود کسب کرد.

- شفافیت اطلاعات، با یک جستجوی ساده در اینترنت به منابع بسیار زیادی دسترسی پیدا می کنید.

- (Leverage) اعتباری که در این بازار توسط کارگزار به مشتری داده می شود ۱۰۰ تا ۴۰۰ برابر سرمایه اولیه مشتری.

- سود کسب شده در این بازار به هر مقداری که باشد معاف از مالیات است.

این کتاب شامل بحث های اصلی می باشد :

- آشنایی با فارکس و اصطلاحات تخصصی

- نقش تحلیل و مولفه های فاندامنتال در بازار

- کاربرد مسایل روانشناسی در بازار

یکی از منابع بسیار مفید در این زمینه بخش گفتگوی سایت سرمایه دات کام (www.sarmaye.com) هست که می توانید در آنجا دوستان بسیار خوب و حرفه ای در زمینه فارکس پیدا کنید.



تاریخچه کوتاه

کلمه FOREX از دو کلمه Foreign Exchange گرفته شده است و در واقع بزرگترین بازار مالی دنیا به حساب می آید، FX هم اختصار دیگری است که برای این بازار به کار می رود برخلاف بازارهای دیگر این بازار بصورت ۲۴ ساعته فعالیت دارد، گردش مالی جالب توجه این بازار روزانه به ۱.۵ تریلیون دلار می رسد این گردش مالی عظیم بیشتر از مجموع گردش های مالی روزانه بورس های سهام معتبر دنیاست که این مساله باعث به وجود آمدن بازاری روان (Liquid) و مطلوب برای انجام معاملات می شود.

در این بازار معامله (Trade) توسط بانک ها، کارگزاران، دلالان، موسسات مالی و اشخاص حقیقی صورت میگیرد "تریدها" از طریق خط تلفن و البته به صورت روز افزونی به وسیله اینترنت انجام می شود.

جالب است بدانید که تنها چند سالی است که سرمایه گذاران کوچک به این بازار دسترسی پیدا کرده اند درگذشته به خاطر نیاز به سرمایه های کلان در این بازار اشخاص حقیقی کمتر وارد این بازار می شدند اما امروزه به لطف اینترنت و البته رقابت های جهانی امکان دسترسی برای سرمایه گذاران خرد به وجود آمده است.

فارکس بازار بین بانکی (INTERBANK) هم نامیده میشود امروزه بازار به درجه ای رسیده که کلمه بین بانکی به هر شخص یا موسسه مالی که آماده خرید یا فروش ارز باشد اطلاق می شود، فرضاً یک آژانس مسافرتی که می خواهد یورو را با دلار عوض کند.

سوالی که معمولاً مطرح می شود این است که چرا ارزها باید خرید و فروش شوند؟ پاسخ این سوال در روابط بین المللی نهفته است، سیاست گزاری دولت ها و بانک های مرکزی می تواند نقش مهمی در بازار فارکس بازی کند، بانک های مرکزی می توانند میزان عرضه پول را در جهت پایداری سیستم مالی کشور کنترل کنند .

امروزه بسیاری از شرکتها کالاهایشان را به کشورهای مختلف دنیا صادر می کنند ، دریافت ها و پرداخت ها بر مبنای ارزهای مختلفی صورت می گیرد، همچنین سرمایه گزاری های خارجی در یک کشور به تبدیل پول نیاز دارد و مثال ساده تر مسافرت یک توریست است که در سفر به

ارزهای گوناگونی نیاز پیدا می کند و در این میان سرمایه گزاران و بورس بازان هم با دیدگاه های خودشان وارد گود می شوند تا سود ببرند.

زمانی که شما تصمیم به تعویض یک ارز با ارز دیگر می کنید، معمولاً دو ارز ارزش یکسانی ندارند فرضاً شما برای خرید ۱ دلار باید حدود ۹۰۰۰ ریال پرداخت کنید، پس نرخ دلار به ریال برابر ۹۰۰۰ می شود به همین ترتیب برای ارزهای دیگر هم یک نرخ مقایسه ای یا در اصطلاح نرخ برابری داریم یک سری از ارزها هستند که بیشتر از بقیه معامله می شوند و به ارزهای اصلی معروف هستند ابتدا به معرفی علائم اختصاری ارزهای اصلی می پردازیم:

USD دلار آمریکا، EUR یورو پول مشترک اتحادیه اروپا، GBP پوند انگلیس یا پوند استرلینگ، JPY ین ژاپن، CHF فرانک سوئیس، CAD دلار کانادا، AUD دلار استرالیا.

حال زمانی که شما این عبارت را می بینید EUR/USD=1.5001 به این مفهوم است که ارزش یک یورو ۱.۵۰۰۱ برابر یک دلار است یا برای خرید یک یورو شما باید ۱.۵۰۰۱ دلار پرداخت کنید، در ابتدا کارکردن با این مفاهیم در عین سادگی شاید کمی گیج کننده باشد اما نگران نباشید با کمی تمرین این مساله رفع خواهد شد، به هر حال، این نسبت ها برای تمام ارزها وجود دارند و تا چهار رقم محاسبه می شوند یک استثنا در این میان ین ژاپن است

که تا دو رقم محاسبه می شود مثلا: $USD/JPY=100.32$ به این مفهوم که برای خرید یک دلار باید 100.32 ین بپردازید:
 $1USD=100.32*JPY$

به ارزی که اول ذکر می شود ارز پایه می گویند و به یک نسبت مثل EUR/USD یک جفت ارز یا Pair می گویند. در بازار جفت های خاصی معمول هستند:

EUR/USD

GBP/USD

USD/JPY

USD/CHF

USD/CAD

USD/AUD

و برعکس این جفت ها مشاهده نمی شود مثلا در بازار USD/EUR را مشاهده نمی کنید.

برای اینکه راحت تر باشید از این بعد هر جفت ارز را به صورت یک شیء واحد یا یک کالا در نظر بگیرید که قیمت آن بالا و پایین می رود و شما سعی دارید تا در فرصت های مناسب با خرید و فروش آن سود کسب کنید.

برای اینکه شما بتوانید وارد این بازار شوید نیاز به یک واسطه مورد تایید دارید که این واسطه کارگزار (Broker) نامیده می شود در صفحات بعد درباره این مساله توضیحات کافی داده خواهد شد.

نرخ یک ارز توسط عرضه و تقاضای بازار تعیین می شود و این نرخ با استانداردهای خاص به گونه ای اعلام می شود که در یک لحظه تمام معامله گران (Traders) با این نرخ معاملاتشان را انجام دهند. اعتماد پذیری این نرخ ها از این جهت است که بیش از ۳۰۰ موسسه مالی بزرگ جهان در تعیین این نرخ ها هماهنگی دارند. در اعلام نرخ ها به هر ۰.۰۰۰۱ تغییر یک پیپ (Pip) گفته می شود و در تغییر نرخ بین به هر ۰.۰۱ تغییر یک پیپ گفته می شود.

در یک تریید دو نرخ وجود دارد نرخ خرید از شما (Bid) و فروش به شما (Ask or Offer)، طبیعی است که نرخ فروش به شما از نرخ خرید از شما بیشتر باشد این تفاوت بستگی به کارگزار دارد و بین ۲ تا ۷ پیپ در تغییر است که البته عرف بازار ۵ پیپ است و به این فاصله قیمت خرید و فروش Spread گفته می شود. بطور مثال :

EUR/USD :Bid=1.5001 Ask=1.5006

مکانیسم بازار

به صورت سنتی از همان اوایل کوچکترین واحد معامله در فارکس یک لات (Lot) نامیده می شده است، مقدار استاندارد یک لات برابر ۱۰۰۰۰۰ دلار آمریکا است در سال های اخیر مینی لات هم معرفی شده است که مقدار آن برابر ۱۰۰۰۰ دلار آمریکا است و حتی ممکن است در سال های آینده کمتر شود.

خوب حالا می خواهیم وارد بازی شویم یک معامله فرضی را در نظر بگیرید که در آن ما قصد داریم یک لات (۱۰۰۰۰۰ دلار) EUR/USD بخریم، قیمت جاری برای فروش به شما (Ask) برابر ۱.۵۰۰۱، حال با افزایش هر پیپ ۰.۰۰۰۱ یا

$$10 = 1.00000 * 0.0001$$

یعنی افزایش یک پیپ، ۱۰ دلار به دارایی ما می افزاید اما یک نکته را در نظر داشته باشید که اگر شما بخواهید در همان لحظه ای که خرید کرده اید ارز خود را بفروشید نزدیک به ۵۰ دلار ضرر می کنید! چون قیمتی که از شما خرید می گردد (Bid) نزدیک به ۵ پیپ با فروش تفاوت دارد، پس برای اینکه سود کنیم باید قیمت حداقل ۵+۱ پیپ بالا برود، به طور مثال اگر قیمت خرید از شما (Ask) به ۱.۵۰۲۱ برسد ۲۰۰ دلار به موجودی شما افزوده شده است.

سوالی که در ذهن همه نقش میبندد اینست که ۱۰۰۰۰۰ دلار پول کمی نیست خوب البته که کم نیست، پس لازم است با مفهوم جدیدی به نام حساب مارجین (Margin Account) آشنا شویم، این مفهوم یک حساب اعتباری است که شما تنها با آن معامله می کنید و حق برداشت از آن را ندارید این حساب چند برابر موجودی اولیه به شما اعتبار می دهد که این به شرایط کارگزار بستگی دارد معمولاً از ۲۰ الی ۴۰۰ برابر متغیر است در گذشته پیدا کردن کارگزاری که ۱۰۰ برابر اعتبار بدهد کار سختی بود اما امروزه این نسبت معمول است حال اگر شما در حسابتان ۱۰۰۰ دلار داشته باشید فرمانروای ۱۰۰۰۰۰ دلار هستید اما یادتان باشد که تنها فرمانروا نه مالک، مارجین در واقع مانند یک اهرم عمل می کند به همین خاطر در اصطلاح به این ارزش افزوده Leverage گفته می شود و منظور از عبارت Leverage 1:100 اعتبار ۱۰۰ برابر سرمایه اولیه می باشد. در حساب های استاندارد فارکس حداقل معامله ۱۰۰۰۰۰ دلار که با اعتبار ۱:۱۰۰ عبارت است از ۱۰۰۰ دلار سرمایه گذاری شما می باشد در حساب های جدیدی به نام مینی فارکس حداقل معامله ۰.۱ لات یا ۱۰۰۰۰ دلار که با اعتبار ۱:۱۰۰ برابر با ۱۰۰ دلار سرمایه گذاری می باشد.

حال بپردازیم به مقدار نوسان روزانه ارزهای مختلف، در طول یک روز قیمت یک ارز بارها و بارها نوسان می کند و یک معامله گر خوب می داند که چگونه از این نوسانات

استفاده کند، اگر بتوان در هر روز ۲۰ پیپ سود کسب کرد حساب کنید برحسب دلار چقدر می شود! متوسط نوسانات نرخ ارزهای مختلف در یک روز کاری متوسط در جدول زیر آمده است:

EUR/USD	۱۲۰-۹۰
GBP/USD	۱۲۰-۹۰
USD/JPY	۶۰-۴۰
USD/CHF	۶۰-۴۰
AUD/USD	60-40

شروع کار

تا اینجا با مفاهیم ابتدایی فارکس آشنا شدیم، حال در عمل فردی که می خواهد وارد بازار فارکس شود چه مرحله‌ای را باید طی کند: نخستین گام جستجو و یافتن یک کارگزار مناسب و مورد اعتماد است در واقع نمی توان در مورد اینکه چگونه کارگزاری انتخاب کنیم توصیه واضح و مشخصی کرد اما تقریباً در تمام کشورهای فارکس در آنها رسمیت دارد لیستی از کارگزارانی که تحت نظارت قضایی هستند وجود دارد از نظر ملیت کارگزاران روس زیاد مورد اعتماد نیستند، کارگزاران اروپایی به خصوص انگلیسی ها از نظم و انضباط خوبی برخوردارند اما از نظر مشاوره و اطلاعات زیاد کمک کننده نیستند، آمریکایی ها کارگزاران مطمئنی هستند و از لحاظ پشتیبانی هم در درجه بالایی قرار دارند و البته مشکلی که برای ما وجود دارد اینست که بیشتر آن ها با ایرانی ها کار نمی کنند.

پس از اینکه با جستجو در اینترنت یا توصیه دوستانتان کارگزاری را انتخاب کردید به طور آزمایشی و بدون پرداخت هیچ هزینه ای به صورت مجازی با سرویس آنها کار کنید، تقریباً تمام کارگزارانی که از طریق اینترنت کار می کنند این امکان را فراهم می آورند که مشتریانشان بتوانند برای مدت محدودی، که معمولاً یک ماه یا بیشتر است، با پول فرضی معامله کنند. به این گونه حساب ها، حساب های آزمایشی (Demo Account) نیز می گویند.

شیوه کار به این شرح است که شما توسط یک نرم افزار واسطه که روی کامپیوترتان نصب می کنید به سرور کارگزار متصل می شوید و با وارد کردن نام کاربری و کلمه عبور به معامله می پردازید، این نرم افزار یا این واسطه به شیوه کار کارگزار بستگی دارد در برخی موارد شما با ورود به سایت کارگزار امکان دسترسی به بازار را دارید و نیازی به نرم افزار نیست، در اصطلاح به واسطه مشتری و کارگزار پلت فرم (Platform) می گویند.

این مساله در مورد حساب های دمو و واقعی (Real) تفاوتی ندارد. یکی از معروف ترین نرم افزارها در این زمینه Meta Trader متعلق به شرکت MetaQuotes می باشد، این نرم افزارها معمولاً به صورت رایگان در اختیار مشتری قرار می گیرند.

به هر حال انتخاب کارگزار به خود فرد بستگی دارد اما زمانی که آموزش های لازم را دیدید و تصمیم به باز کردن حساب گرفتید قراردادی را باید امضا کنید، این قرار داد را با دقت بخوانید و در هر موردی که احساس کردید ابهامی وجود دارد توضیح بخواهید بسیاری از شرکتهای معتبر خوشحال خواهند شد در این زمینه به شما کمک کنند. سعی کنید هر ماه یک یا دو بار از اوضاع شرکت خبر بگیرید تا اطمینان پیدا کنید که همه چیز درست و بجاست، مواردی هست که اطلاع از آنها بسیار کمک کننده می باشد.

چه تضمینی برای پولی که شما به یک کارگزار می پردازید وجود دارد؟ در گذشته به علت اینکه پول مشتریان وارد سرمایه شرکت می شد و جدای از آن نگهداری نمی شد، شرکت درصدد سرمایه گذاری سرمایه مشتریان بر می آمد و این یک ریسک بزرگ بود، مشکل زمانی به وجود می آمد که شرکت به یک مشکل مالی برخورد می کرد و یا بدتر از آن ورشکستگی شرکت بود. با پیشرفت های صورت گرفته در زمینه قضایی امروزه سرمایه مشتریان از سرمایه شرکت باید جدا باشد و این سرمایه توسط بانک ها یا موسسات مالی معتبر و تحت نظارت قضایی نگهداری می شود که در بیشتر موارد این سرمایه ها توسط شرکت های بیمه هم، ضمانت می شوند، خوب با این بحث هر اتفاقی که برای کارگزار بیافتد برای شما جای نگرانی وجود ندارد (این موارد در قرارداد ذکر می شود و می توانید درباره صحت این موارد تحقیق کنید).

نکته جالب توجه در این زمینه این است که شما به ازاء مبلغی که در حسابتان می ماند و با آن معامله ای انجام نمی دهید سود دریافت می کنید، برخی از بروکرها این سود را برای سپرده هایی که از مبلغ خاصی بیشتر باشند در نظر می گیرند اما روند کلی این روزها این است که به هر مبلغی که در حساب مانده سود تعلق بگیرد. پرداخت سود به مانده پول به نوعی اعتبار شرکتی را که شما با آن معامله می کنید را نشان می دهد.

مورد بعدی این است که در انتهای یک روز یا هفته بدانید که کجای کار هستید و صورتحسابی از معاملات داشته باشید، اینکه کارگزار شما از طریق اینترنت کار می کند به این معنا نیست که در کارها هیچ اشتباهی وجود ندارد، همیشه صورتحساب خود را چک کنید در غیر این صورت مسئولیت اشباه بر عهده شما خواهد بود!

فرم های صورتحساب برای بروکرهاي مختلف فرق می کند،

ما در اینجا مثالی می آوریم:

FX Some Company
New York

Statement for: Mr. Joe Bloggs
Statement Date: 16th July 2002

Account No: 123456

Summary Of All Trades From: 15/07/02-17/07/02

Ticket No	Time	Trade Date	Value Date	B/S	Symbol	Quantity	Rate	Debit	Credit	Balance
123458	09:05	15/07/2002	17/07/02	B	EUR/USD	100,000	0.9850			\$10,000
123459	13:01	15/07/2002	17/07/02	S	EUR/USD	100,000	0.9870	\$200.00		\$10,200
123460	14:05	16/07/2002	18/07/02	S	USD/JPY	100,000	116.85			\$10,200

Total Equity	\$10,200
Margin Available	\$9,200
Margin Requirements	\$1,000
Current Position	Short USD/JPY

Ticket No: شماره دستور خرید یا فروش برای پیگیری های بعدی.

Time: ساعتی که شما خرید را انجام داده اید.

Trade Date: تاریخی که معامله صورت گرفته است.

Value Date: در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد.

(B/S (Buy or Sell: نوع معامله که خرید یا فروش بوده است.

Symbol: علامت اختصاری ارز مورد معامله.

Quantity: مقدار ارز مورد معامله.

Rate: نرخ معامله.

Debit: میزان ضرری که شما در یک معامله داشته اید.

Credit: میزان سودی که در یک معامله داشته اید.

Balance: مقدار موجودی حساب شما در لحظه معامله.

Total Equity: کل میزان موجودی حساب.

Margin Available: موجودی حساب که قابل معامله است، در اینجا چون ۱۰۰۰ دلار USD/JPY فروش شده است مانده

حساب ۹۲۰۰ دلار منظور می شود (در مورد فروش قبل از خرید توضیح می دهیم).

Margin Requirement: مارجین مورد معامله قرار گرفته یا میزانی که از حساب برای معامله کم شده است.

Current Position: معامله ای که هنوز بسته نشده و به نتیجه نرسیده است، ورود به یک معامله را پوزیشن گرفتن می گویند، اگر معامله خرید باشد Long Term position و اگر فروش باشد Short Term Position گفته می شود این اصطلاحات را با معامله بلند مدت و کوتاه مدت اشتباه نگیرید.

ترجمه لغات تخصصی کار درستی به نظر نمی رسد اما برای آشنایی مفید است از این پس سعی کنید اصطلاح لاتین را به کار ببرید تا دچار سردرگمی نشوید.

می پردازیم به نکات بیشتری پیرامون حساب مارجین (Margin Account) نکته اصلی تضمین برای اعتباری است که کارگزار به مشتری می دهد فرض کنیم یک حساب ۵۰۰۰ دلاری داریم با اعتبار ۱:۱۰۰ یعنی ما می توانیم با ۵۰۰۰.۰۰۰ دلار معامله کنیم، اگر یک لات (۱۰۰.۰۰۰ دلار) از این اعتبار را وارد یک معامله کنیم یعنی با ۱۰۰۰ دلار از پول اولیه به معامله پرداخته ایم Margin Available یا مانده حساب ۴۰۰۰ دلار است اگر معامله ما بیشتر از ۴۰۰۰ دلار ضرر کند اصطلاحاً Call Margin شده ایم یعنی اعتبار ما به

پایان رسیده است در این مورد برخی از بروکر ها وقتی ضرر شما به حد مشخصی می رسد مثلاً ۳۵۰۰ به شما اطلاع می دهد که باید حساب را شارژ کنید، برخی دیگر بطور اتوماتیک تا ضرر به ۴۰۰۰ رسید معامله را می بندند و مانده حساب شما ۱۰۰۰ دلار می شود، چون ضرر از Margin Available یا مانده حساب کم شده است.

مواردی که قبل از بستن قرارداد باید به آن توجه کرد روش Call Margin شدن است و اینکه برخی بروکرها در روزهای پایانی هفته در ازای خرید یک لات مقدار بیشتری از مانده حساب کم می کنند (البته این پول در تملک شماست) در مثال بالا وقتی شرایط عادی است معامله یک لات، ۱۰۰۰ دلار از حساب اصلی کم می کند یعنی ۱٪ از یک لات اما در پایان هفته ۲۰۰۰ دلار کم می شود یعنی ۲٪ و باقیمانده حساب ۳۰۰۰ می شود این عدد بستگی به کارگزار دارد که در مواردی ۵٪ هم مشاهده شده است این مساله به خاطر بالا بردن ضریب امنیت برای حساب شما اعمال می شود چون طبق بررسی های آماری دو روز پایانی هفته روزهای پر نوسان و غیر قابل پیش بینی هستند به هر حال اینها از قوانین کارگزاری است که شما با او کار می کنید و لازم است از آنها با خبر باشید یادتان باشد که Margin Account مانند یک شمشیر دولبه بسیار تیز عمل می کند.

با اینکه بیشتر بازارها هنوز تحت سیطره ایالات متحده است اما فارکس از نظر زمانی با ساعت لندن (GMT:) تنظیم شده است زمان شروع بازار ساعت ۰۰:۰۰ روز دوشنبه و زمان بسته شدن بازار ساعت ۲۳:۰۰ روز جمعه هر هفته است، از آنجایی که فارکس مجموعه ای از بازارهای مالی دنیاست نمی توان گفت مکان فیزیکی آن کجاست یا مالک آن کیست، شما هر جا که باشید می توانید به این بازار دسترسی داشته باشید سیکل بازگشایی مراکز مالی جهان بدین ترتیب می باشد : نیوزلند- سیدنی- توکیو- هنگ کنگ- سنگاپور- بحرین- فرانکفورت- زوریخ- پاریس – لندن- نیویورک- شیکاگو و لس آنجلس . اما بزرگترین و مهمترین مرکز مالی بازار بورس جهانی ارز ، لندن است . بعد از لندن بازارهای ارزی نیویورک و توکیو قرار دارند در سایر مراکز مالی معاملات کوچکتری صورت می گیرد.

باز هم طبق تجربه و آمار معاملات ثابت شده است که بیشتر نوسانات از ساعت ۹:۰۰ تا ۲۰:۰۰ به وقت لندن که تقریباً معادل ۱۰:۳۰ تا ۲۱:۳۰ به وقت تهران رخ می دهد و این ساعت ها بهترین ساعات معامله هستند.

آیا زمانی که یک پوزیشن باز می شود ما تمایلی داریم که واقعا یک ارز را که خریداری شده به صورت فیزیکی دریافت کنیم و داشته باشیم؟ به عنوان یک معامله گر ما از

نوسانات ارز سود می‌بریم و نیازی به دریافت واقعی پول نداریم، اما طبق قانون اگر ارزی خریداری شود تا ۴۸ ساعت کاری بعد به حساب خریدار واریز می‌شود حال اگر یک پوزیشن خریدین برای ۲ روز کاری باز بماند این ارز به حساب خریدار منتقل می‌شود و این مساله در دسر ساز می‌شود به همین خاطر بروکرها امروزه به طور اتوماتیک در پایان روز کاری همه پوزیشن‌های باز را می‌بندند و برای روز کاری بعد دوباره باز می‌کنند این عمل Roll Over یا (tom.next (Tomorrow and Next day می‌گویند که از تحویل ارز جلوگیری می‌کند، عبارت Value Date در صورتحسابی که مثال زده شده بود زمان تحویل ارز می‌باشد که همیشه دو روز جلوتر از معامله می‌باشد.

مواردی پیش می‌آید که سرور کارگزار دچار مشکل می‌شود، بالا بودن آمار این مشکلات جزء فاکتورهای منفی در انتخاب کارگزار است.

یکی از تخلفاتی که برخی کارگزاران مرتکب می‌شوند Requote نامیده می‌شود یعنی دستکاری در قیمت‌ها زمانی که مشتری درخواست خرید دارد قیمت‌های واقعی را نمی‌بیند، یا خرید در قیمتی متفاوت از قیمت واقعی انجام می‌شود.

به هر حال باید با تمام چم و خم‌های یک کارگزار آشنا شوید و بهترین منبع مشتریان قبلی هستند.

پس از انتخاب یک بروکر و آشنایی با سرویس های آن، روند معمول آنست که در سایت کارگزار قرارداد را پرینت می کنید و آن را امضا می کنید سپس تصویر قرارداد امضا شده را به همراه تصویر اسکن شده پاسپورت یا ترجمه شناسنامه که مهر دادگستری دارد، برای کارگزار ایمیل می کنید. پس از تایید کارگزار می توانید پول را به حسابی که به شما اعلام می شود واریز کنید، این کار از طریق بانک های داخلی یا با کارت اعتباری انجام می شود. روش های کارگزاران مختلف است و در سایت آنها ذکر شده است .

دقت کنید که در حساب های استاندارد حداقل معامله یک لات است و در حساب های مینی کمتر از یک لات، بهتر است که برای شروع کار از یک حساب مینی استفاده کنید. اما چرا همه از حساب مینی استفاده نمی کنند؟ معامله ای که در یک حساب مینی صورت می گیرد جزئی از معاملات بزرگتر کارگزار است و گاهی ممکن است در ازای هر پیپ ضرر در یک معامله ۰.۱ لاتی ۱.۵ دلار ضرر به حساب منظور شود و البته برعکس آن هم صادق است، یک معامله گر حرفه ای ترجیح می دهد که حساب و کتاب ترید دست خودش باشد.

برای باز کردن حساب یک حداقل در نظر گرفته شده، شاید شنیده باشید که با ۱۰۰ دلار هم می شود حساب باز کرد، اما مراقب باشید و گول نخورید ، مورد اول اعتبار کارگزار است

و مورد دوم اینکه در مبالغ پایین مشتری خیلی سریع Call Margin می شود و حسابش بسته می شود.

توصیه معمول این است که ابتدا تا جایی که ممکن است با دمو کار کنید و فرض را بر این بگذارید که حساب واقعی است، هر وقت مطمئن شدید که توانایی لازم برای ورود به بازار را دارید با یک حساب مینی ۱۰۰۰ دلاری شروع کنید و اگر خیلی محافظه کار هستید حداقل با ۵۰۰ دلار شروع کنید و بیشتر از ۴۰٪ حساب را وارد معامله نکنید البته این توصیه درباره حساب های مینی زیر ۲۰۰۰ دلار است.

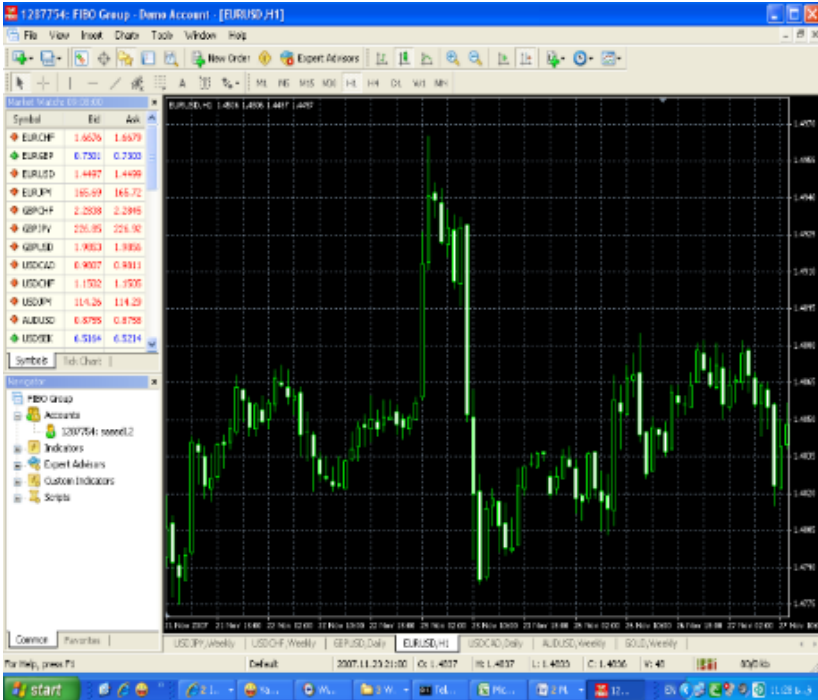
اگر در تریدها سودی کسب کردید، که امیدوارم این گونه باشد، چگونه آن را دریافت می کنید؟ شما نیاز به یک حساب ارزی دارید با مراجعه به یکی از بانک ها مثلا ملی یا صادرات یا توسعه صادرات می توانید نسبت به افتتاح حساب ارزی اقدام کنید. حداقل موجودی یک حساب پس انداز ارزی ۱۰۰ دلار است، این مبلغ در حساب شما باید بماند، حال شما شماره حسابتان را به کارگزار اعلام می کنید برخی از کارگزاران در موعد مشخصی به عنوان مثال ماهانه سود حساب شما را پرداخت می کنند و برخی دیگر زمانی سود را پرداخت می کنند که به یک حد مشخص رسیده باشد. اگر به هر دلیلی مشتری تصمیم بگیرد حسابش را ببندد فرمی را پر می کند مقداری به عنوان هزینه های جانبی از حساب کم می شود و باقیمانده به حساب ارزی مشتری واریز می شود.

عملیات ذکر شده چیزی در حدود ۳ یا ۴ روز کاری زمان می گیرد.

پس از باز کردن حساب یک نام کاربری و رمز عبور در اختیار شما قرار می گیرد و می توانید با نرم افزار کارگزار یا از طریق سایت به سرور متصل شوید شروع به ترید کنید.

در اینجا با یکی از محیط ها کاری یا پلت فرم های (Platform) معروف آشنا می شویم. همانطور که ذکر شد نرم افزار Meta Trader متعلق به شرکت MetaQuotes پلت فرم ساده و محبوب تریدرهاست و داشتن این پلت فرم برای کارگزار یک امتیاز به شمار می رود.

شکل زیر صفحه کاری مانتی ریدر را نشان می دهد:



مهمترین چیزی که باید درباره این پلت فرم بدانیم این است که چگونه می توان در آن دستور خرید و فروش داد.

توضیحاتی درباره مفاهیم و اصطلاحات خرید و فروش:

زمانی که روی یک جفت ارز خرید انجام می دهیم می توانیم حد ضرر و سود را مشخص کنیم حد ضرر Stop Loss به صورت اختصاری S/L در معامله خرید عددی است پایین تر

از قیمت جاری ارز که می خواهیم اگر قیمت به آن رسید فروش انجام شود تا بیشتر ضرر نکنیم و حد سود Take Profit یا به صورت اختصاری T/P عددی است بالاتر از قیمت جاری ارز که می خواهیم اگر قیمت به آن رسید فروش انجام شود چون تشخیص این است که قیمت بالاتر از آن نمی رود یا ثابت می ماند. البته تعیین این دو حد ضروری نیست اما چون ممکن است قیمت ها خیلی سریع تغییر کنند و شما نتوانید به موقع عمل کنید بهتر است این دو حد مشخص باشند. مقدار S/L یا T/F باید بیشتر از فاصله نرخ خرید و فروش (Spread) با قیمت جاری معامله فاصله داشته باشند .

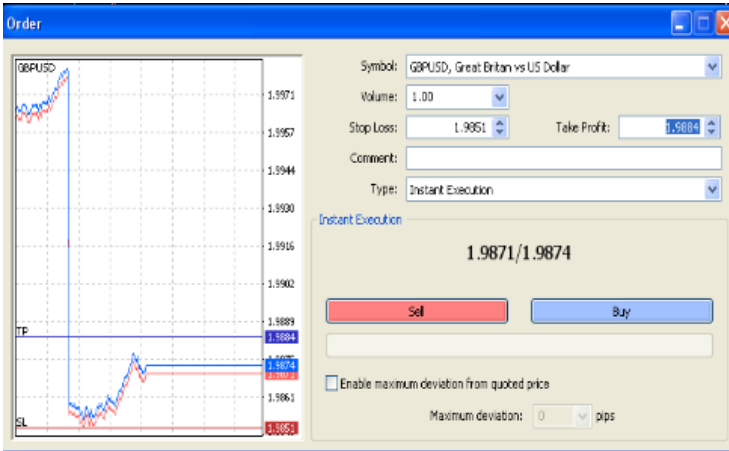
یکی از موارد جالب در بازار فارکس فروش قبل از خرید است، در بازارهای سنتی مشتری چیزی را می خرد و سپس می فروشد اما در بازار فارکس زمانی که شما تشخیص می دهید یک ارز در حال نزول می باشد می توانید بدون داشتن آن اقدام به فروش کنید ، در قیمتی پایین تر خرید کنید و از این راه سود کسب کنید، از زاویه دیگری به این قضیه نگاه کنید همانطور که قبلا گفته شد تنها یک شکل از جفت ارزها در بازار دیده می شودمثلا EUR/USD حال فروش EUR/USD معادل خرید USD/EUR می باشد، کمی گیج کننده به نظر می رسد، اما زیاد وارد جزئیات نشوید همین قدر کافیتست، در یک دستور فروش حد ضرر S/L قیمتی بالاتر از قیمت فروش است و حد سود T/P قیمتی پایین تر از

فروش. کار با این مفاهیم درک آن ها را آسان تر می کند،
گرچه خیلی هم پیچیده نیست.

زمانی هست که مشتری مایل است در قیمت خاصی، بالاتر
از قیمت فعلی بازار خرید انجام دهد به این گونه خرید Buy
Stop گفته می شود یعنی دستور پیش خرید برای زمانی که
قیمت به عدد مورد نظر رسید. اگر مشتری مایل باشد در
قیمتی زیر قیمت بازار خرید کند دستور خرید Buy Limit
نامیده می شود.

همین طور برای فروش اگر مشتری بخواهد زیر قیمت جاری
بازار دستور فروش داشته باشد دستور او Sell Stop
نامیده می شود و اگر بالای قیمت بازار دستور فروش داشته
باشد Sell Limit. مشابه دستورهای عادی خرید و فروش،
برای این دستورها هم می توان S/L و T/P تعیین کرد.

در متاتریدر برای انجام یک دستور خرید یا فروش روی
جفت ارز مورد نظر دبل کلیک می کنید و فرم را پر می
کنید. نمونه ای از فرم پر شده برای خرید GBP/USD را
مشاهده می کنید:



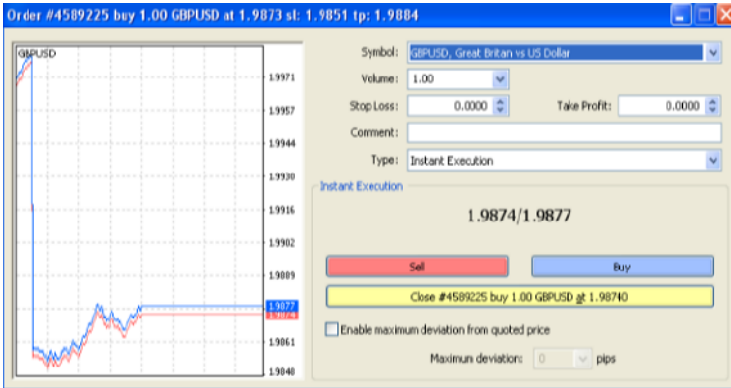
Symbol: نوع ارز مورد معامله.

Volume: مقدار معامله.

Stop Loss و Take Profit قبلا توضیح داده شده است.

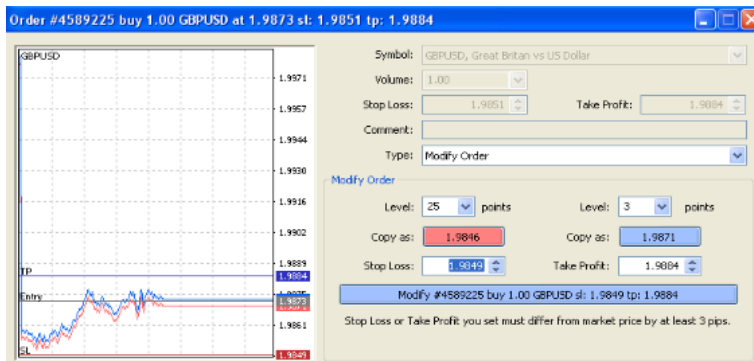
پس از تکمیل فرم دکمه Buy را فشار می دهید.

شما وارد ترید شده اید و آن را در قسمت پایین صفحه متا تریدر مشاهده می کنید، ممکن است در یک موقعیت تشخیص بدهید که پوزیشن باید بسته شود، کافیسیت روی پوزیشن مورد نظر دبل کلیک کنید فرمی مشابه فرم زیر باز می شود



دکمه Close را در قیمت مورد نظر فشار می دهید و پوزیشن بسته می شود.

برای تغییر S/L و T/P روی پوزیشن در قسمت پایینی متاتریدر کلیک راست می کنیم، گزینه Modify or Delete Order را انتخاب می کنیم، در اینجا امکان تغییر S/L و T/P وجود دارد. اما همانطور که ذکر شد فاصله این دو حد باید از Spread بیشتر باشد.



برای انجام دستورهای پیش خرید و پیش فروش به صورت مشابه روی جفت ارز مورد نظر دبل کلیک می‌کنیم فرم باز می‌شود این بار در قسمت پایین فرم (New Entry Order) در قسمت Type گزینه Pending Order را انتخاب می‌کنیم نوع معامله دلخواه را در قسمت پایین مشخص می‌کنیم و قیمت آن را در Price، Stop Loss و Take Profit مورد نظر را در بالا مشخص می‌کنیم و دکمه Place را می‌زنیم. پوزیشن را در قسمت پایینی متا تریدر می‌بینیم.

Order #	Time	Type	Size	Symbol	Price	S/L	T/P	Price	Commission	Swap	Profit
6024395	2008.04.16 18:45	buy	1.00	eurusd	1.5965	0.0000	0.0000	1.5960	0.00	0.00	-50.00
Balance: 5 000.00 Equity: 4 950.00 Margin: 798.25 Free margin: 4 151.75 Margin level: 620.11%											



تحلیل بازار:

مهمترین قسمت در هر بازاری تحلیل آن بازار است که شامل پیش بینی قیمت ها و تشخیص روندهای موجود در بازار است، در واقع همه به دنبال این هستند که بدانند چه موقع بخرند و چه موقع بفروشند. دو رویکرد برای تحلیل و پیش بینی بازار وجود دارد: تحلیل فاندامنتال و تحلیل تکنیکال.



تحلیل فاندامنتال

اوضاع کلی بازار را بررسی می کند و به تأثیر وضعیت اقتصادی سیاسی یک کشور بر ارزشهای مختلف می پردازد برای بررسی وضعیت اقتصادی کشورهای مختلف شاخص ها و گزارش های استانداردی وجود دارند به عنوان مثال یکی از شاخص های مهمی که برای اقتصاد آلمان که به عنوان بزرگترین اقتصاد اروپایی مطرح است، IFO است، کسری بودجه دولت ها، شاخص قیمت مصرف کنندگان (CPI)، میزان فروش اتومبیل و دیگر شاخص ها که در زمان های مشخصی اعلام می شوند. از دیگر مسائل تأثیر گذار بر روند بازار، سیاست های دولت ها و بانک های مرکزی کشورهای مختلف است، به عنوان مثال افت قیمت دلار در برابر ارزهای اروپایی نتیجه سیاست های مالی ایالات متحده، بود.

این شیوه تحلیل روند های کلی را مشخص می کند و برای پیش بینی نوسانات روزانه وساعتی بیشتر از تحلیل تکنیکال استفاده می شود، هر چند انتشار گزارش های اقتصادی در یک زمان خاص تاثیر خودش را می گذارد. به هر حال این دو رویکرد به همراه یکدیگر مفید هستند.

تحلیل فاندامنتال شیوه ای از تحلیل است که با اتفاقاتی که در دنیای واقعی می افتند سر و کار دارد: جنگ ها ، رکود اقتصادی ، تکنولوژی های جدید ، قیمت نفت و طلا ، نرخ بهره بانکها و دیگر مسایلی که بر نرخ برابری ارزها تاثیر دارد.

در اینجا از توضیح و تفصیل این بحث خودداری می کنیم و به صورت کاربردی به آن می نگریم تا بدانیم که چگونه باید از اینگونه تحلیل استفاده کنیم .

برای هر هفته یک تقویم اقتصادی جهانی وجود دارد که نشان میدهد کشورهای مختلف در چه روز و چه ساعتی گزارش های اقتصادی خود را منتشر می کنند، این تقویم را در هر سایتی که به فارکس مربوط باشد، می توان یافت.

برای هر شاخص اقتصادی ۲ مقدار وجود دارد یکی مقدار قبلی آن شاخص و دیگری مقدار پیش بینی شده آن شاخص که معمولاً بر مبنای روشهای آماری توسط شرکتهای معتبر پیش بینی می شود و در تقویم ها وجود دارد. چیزی که در این میان مهم است واکنش بازار به اخبار و گزارشها می باشد، مشکلی که تریدرهای تازه کار دارند اینست که به محض

انتشار گزارش بر مبنای خبر ترید میکنند به طور مثال فرض کنید نتیجه یک گزارش بهتر از پیش بینی ها باشد اولین چیزی که به ذهن یک تازه کار می رسد قوی شدن ارز مرتبط می باشد و در نتیجه خرید ارز، حال آنکه تحلیل اجزا یک گزارش بسیار مهم تر از نتیجه ظاهری آن هست ،کم نیستند مواردی که واکنش بازار نسبت به انتشار یک خبر معکوس است ،البته بعد از خبر معمولا تحلیل های آن در سایتهایی مانند Bloomberg,Fxstreet,Fxnews, Forexnews یا سایتهای مشابه درج می شود لازم به ذکر است که نتیجه گزارش ها در برخی موارد با تاخیر در سایتهای منتشر می شود و یا اگر خبر زیاد مهمی نباشد اصلا درج نمیشود .

منبع دیگری برای گرفتن خبر که سریع تر و خلاصه تر هست پلت فرم ترید است، معمولا بخشی به نام اخبار (News) در پلت فرم ها وجود دارد که خلاصه اخبار و گزارش ها و اخبار سیاسی و گاهی شایعات موجود در بازار را بطور مداوم به شما نشان می دهد.

شما به عنوان یک تریدر کافیتست معنا و پیشینه مولفه های این تقویم را بدانید. سعی ما در اینجا این خواهد بود که به صورتی ساده این موارد را توضیح دهیم.

در ابتدا دیدگاهی کلی از جایگاه تحلیل فاندامنتال در فارکس داشته باشیم :

در بازار فارکس چند گونه معامله گر وجود دارند:

- ۱- معامله گران کوتاه مدت یا Day Trader ها که معاملاتشان را طی یک روز کاری انجام می دهند
- ۲- معامله گران میان مدت که معاملاتشان ممکن است ۲ تا ۳ روز به طول انجامد
- ۳- معامله گران طولانی مدت که معاملات آنها گاهی تا ماهها طول می کشد

چیزی که برای هر ۳ گروه مهم است اطلاع از وضع کنونی بازار است و اینکه اقتصادهای بزرگ دنیا در چه مسیری قرار دارند .

دانستن تقویم اقتصادی روز بسیار مهم است اما نتیجه گیری از گزارش ها و اخبار اقتصادی برای معاملات کار مخاطره آمیزی است ! در تحلیل فاندامنتال به پارادکس های زیادی برخورد می کنیم که حل آنها از عهده ما خارج است ، ما به عنوان یک تریدر تنها باید تابع واکنش بازار به خبرها باشیم و نه خود خبرها در اینجا است که به اهمیت تلفیق تحلیل تکنیکال و فاندامنتال پی می بریم و معنای اصل اول تحلیل تکنیکال در اینجا برای ما روشن می شود:

"قیمت در بازار همه چیز را نشان میدهد"

نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد اینست که معمولا بازار از روشی تبعیت می کند موسوم به "با شایعه بخر با خبر بفروش" (Buy rumor Sell news) یعنی در زمانی مساله ای در کنفرانسهای خبری مطرح می شود یا حتی به صورتی در بازار گمان میرود که آن مساله اتفاق بیافتد ، تاثیر خبر غیر رسمی را در قیمتها مشاهده می کنیم و زمانی که خبر به صورت رسمی منتشر می شود قیمت به اندازه ای بالا رفته است که همه منتظر فروش به ساده لوحانی هستند که تازه به فکر خرید افتاده اند.

ما در دنیایی زندگی می کنیم که مدام در حال تغییر است سیستم پیچیده ای همچون بازار فارکس هم از همین قانون تبعیت میکند ،واکنش بازار همیشه نسبت به خبرها یکسان نیست تقریبا تا چند سال پیش نرخ بیکاری ایلات متحده تاثیر مستقیمی در بازار داشت یعنی در صورتی گزارش بهتر از پیش بینی بود تقریبا در بیشتر موارد قیمت در جهت مثبت که مورد انتظار همه بود حرکت می کرد و یکی از سودآور ترین فرصتهای هر ماه به شمار می امد اما در حال حاضر واکنش بازار به این خبر بسیار اشوب گونه و غیر قابل پیش بینی است.

به یاد داشته باشید که این شیوه تحلیل به شما نمیگوید در کجا به بازار وارد یا خارج شوید بلکه دیدگاهی کلی به ما میدهد تا بدانیم سمت و سوی بازار چگونه است به همین علت برای ترید کوتاه مدت و میان مدت ترکیبی از تحلیل تکنیکال و

فاندانتال به طوریکه تکیه اصلی بر تحلیل تکنیکال قرار گیرد لازم است.

در مورد تریدرهای بلند مدت که البته سرمایه های کلانی دارند و معمولاً شامل بانکها و شرکتهای سرمایه گذاری هستند شرایط متفاوتی حاکم است، قوانینی که درباره شیوه ترید این گونه تریدرها وجود دارد شاید کمی مخوف به نظر میرسد، ما در اینجا به این شیوه ترید نمی پردازیم اما همین قدر بدانیم که استفاده تریدرهای بلند مدت از تحلیل فاندانتال نسبت به دو گروه اول بیشتر است.



ویژگی ارزهای مختلف

اگر بخواهیم از نظر بزرگی اقتصادهای بزرگ دنیا را در کنار یکدیگر قرار دهیم در رده نخست به اقتصاد مرتبط با دلار یا ایالات متحده خواهد بود سپس اقتصاد مربوط به چین یا ژاپن و بعد اقتصاد مربوط به یورو یا اتحادیه اروپا و بعد اقتصاد مربوط به پوند که بریتانیا را شامل می شود.

در اینجا بطور مختصر به بررسی ارزهای مربوط به اقتصادهای بزرگ جهان می پردازیم.



دلار امریکا

از آنجاییکه اقتصاد ایالات متحده اقتصاد برتر جهان به شمار میرود و در بازار تمامی ارزها در مقابل دلار معامله میشوند به همین خاطر اخبار و گزارشهای منتشر شده در ایالات متحده تاثیر بسیار زیادی در بازار ارز دارند البته اخبار کشورهای دیگر هم در بازار تاثیر دارند اما نه به اندازه گزارشهای دلار.

نرخ بهره

نرخ بهره ارز ایزاریست در دست بانکهای مرکزی دنیا برای جلوگیری از رکود یا تورم و بالانس کردن اقتصاد.

البته ابزارهای انبساطی یا انقباضی دیگری هم وجود دارند مانند فروش یا خرید اوراق قرضه که مورد استفاده قرار میگیرند.

در شرایطی که نگرانی از ایجاد تورم احساس شود بانکهای مرکزی اقدام به بالا بردن نرخ بهره میکنند و در شرایطی که ترس از کند شدن اقتصاد و ایجاد رکود اقتصادی بوجود می آید بانکها اقدام به کاهش نرخ بهره میکنند. این کاهش یا افزایش به صورت تدریجی صورت میگیرد معمولا میزان کاهش یا افزایش در يك تصمیم گیری ۰.۲۵ تا ۰.۵۰ درصد

میباشد (در اینجا میتوان فرق يك اقتصاد علمی را با يك اقتصاد غیر علمی و کدخدا منش مانند اقتصاد ایران را به وضوح دید).

تأثیر بالا رفتن نرخ بهره بر يك ارز بستگی به شرایط دارد معمولا زمانی که افزایش نرخ به طور جدی مطرح می شود، ارز شروع به قوی شدن میکند و زمانی که گزارش رسمی اعلام میشود، ممکن است ارز در اثر خروج معامله گرانی که به سود رسیده اند ضعیف شود که این مساله مثالی واضح و روشن از Buy rumor Sell news است.

بانک مرکزی امریکا (Federal Reserve Bank (Fed)

این بانک در سیاست‌گذاری های پولی خود کاملا مستقل عمل می‌کند سیاست اصلی این بانک در امریکا احترام به عملکرد بازار آزاد است.

شورای سیاست‌گذاری نرخ بهره Federal Open Market Committee (FOMC)

این شورا که زیر مجموعه Fed محسوب میشود مسئول اصلی تعیین نرخ بهره است. FOMC هشت بار در سال تشکیل جلسه میدهد..

Fed Funds rate

نرخ حساس و مهمی است که موسسات مالی برای وام‌های کوتاه مدت (حتی برای یک روز) دریافت میکنند. وقتی بانک مرکزی بخواهد سیگنال مشخصی را به بازار بفرستد، تغییری را در این نرخ اعلام می‌کند و این تغییر تاثیر زیادی بر بازار سهام و ارز دارد.

Discount rate

نرخي است که بانک مرکزی برای وام‌های فوری به بانک‌های تجاری در نظر می‌گیرد البته این نرخ تا حدودی سمبلیک است اما تغییر در انهم میتواند سیگنال خوبی برای بازار باشد.

اوراق خزانه ۳۰ ساله 30-year Treasury bond

این اوراق میتوانند بهترین شاخص برای انتظارات تورمی بازار باشند. نوسان‌پذیری این اوراق بلندمدت در اثر جریان‌های سرمایه‌ای (Capital Flow) می‌باشد که از عدم اطمینان سیاسی یا مالی در بازارهای دیگر سرچشمه می‌گیرد.

اوراق خزانه ۱۰ ساله 10-year Treasury note

سرمایه‌گذاران بازار فارکس معمولاً تفاوت نرخ این اوراق را با اوراق معادل در سایر کشورها مقایسه می‌کنند. سود بالاتر این اوراق به نفع دلار خواهد بود.

خزانه Treasury

خزانه ایالات متحده در مورد استقراض های دولت و بودجه تصمیم گیری می‌کند. خزانه در مورد سیاست های پولی هیچگونه دخالتی انجام نمیدهد اما هرگونه ابراز نظر این بخش در مورد دلار نوساناتی را در بازار ایجاد می‌کند.

نفت

امریکا بیشترین مصرف کننده انرژی در جهان است و قیمت نفت بر این اقتصاد تاثیر زیادی دارد. تاثیر نوسان قیمت نفت بر دلار بسته به شرایط موجود، متفاوت است مثلا اگر افزایش قیمت نفت کند شدن رشد اقتصادی و حاکم شدن رکود بر بازار سهام را به دنبال داشته باشد ضعف دلار را شاهد خواهیم بود اما اگر افزایش قیمت نفت باعث فشار تورمی و نگرانی از افزایش نرخ بهره را به دنبال داشته باشد شاهد قدرت دلار خواهیم بود. البته توضیح مفصل این مطالب از سطح این کتاب فراتر است و علاقمندان میتوانند در اینترنت این موضوعات را دنبال کنند.

طلا

نوسان قیمت طلا در امریکا تاثیر گرفته از فاکتورهای زیادی هست مثل: بالا گرفتن تنشهای ژئوپلیتیک، فشارهای تورمی، کمبود عرضه به دلایل فنی یا اعتصابات. نوسان قیمت طلا تاثیرهای متفاوتی بر دلار دارد، طبق بررسی های تاریخی طلا و دلار معمولاً در جهت عکس یکدیگر حرکت میکنند، که البته همیشه صادق نیست.

بازار سهام

بازار سهام هر کشور شاخص میزان رشد و حرکت اقتصادی آن کشور است. سه شاخص سهام در امریکا : Dow Jones
Industrials Index (Dow),

S&P 500, NASDAQ هستند که از این میان Dow بیشترین تاثیر را بر دلار دارد. رشد بازار سهام در امریکا به طور معمول همراه با قدرت گرفتن دلار بوده است اما مانند دیگر شاخصهای اقتصادی برداشت بازار از حرکت بازار سهام تعیین کننده تاثیر آن بر دلار می باشد، فرضاً افزایش نرخ بهره کارخانجات و شرکتهای تجاری را با مشکل روبرو میسازد که تاثیر نامطلوبی را به بازار سهام تحمیل می کند و این در حالیست که افزایش نرخ بهره دلار را در برابر ارزهای دیگر بالا میبرد. پس به یاد داشته باشیم که

شاخصهای اقتصادی شمشیرهای دو لبه ای هستند که نمیتوان به راحتی از آنها برای پیش بینی روند بازار استفاده کرد.

تاثیر جفت ارزهای دیگر Cross Rate Effect

افزایش دلار در مقابل یک ارز میتواند نتیجه تغییر نرخ در جفتی دیگر باشد برای مثال هرگاه ین در مقابل یورو افزایش قابل توجه بیابد، یورو در بازار ضعیف میشود و این موضوع باعث کاهش نرخ EUR/USD خواهد شد.

شاخصهای اقتصادی زیادی در مورد دلار موجود هستند که در اینجا شاخصها و گزارشهای اقتصادی مهم و تاثیر معمول آنها مربوط به ایالات متحده را بطور ساده و مختصر بررسی میکنیم

- زمان بر مبنای گرینویچ ذکر شده است.
- برخی لینک های ذکر شده ممکن است تغییر کرده باشند.

۱- کسری یا مازاد تراز تجاری (Trade Deficit or Trade Surplus)

کسری تجاری در حالتی به وجود می‌آید که میزان صادرات از واردات کمتر باشد، معضلی که اقتصاد آمریکا در حال حاضر به آن گرفتار است و حالت برعکس آن یعنی مازاد تراز تجاری در حالت بیشتر بودن صادرات از واردات رخ میدهد وضعیتی که در حال حاضر برای چین وجود دارد. صادرات و واردات اجزا مهم یک اقتصاد به شمار می‌روند به گونه‌ای که تقریباً ۱۲ تا ۱۴ درصد از تولید ناخالص ملی (GDP) به این مساله مرتبط است به طور معمول صادرات بیشتر به معنی سود بیشتر شرکتها و در نتیجه بازار سهام قویتر می‌باشد.

اهمیت: در صورت افزایش کسری در بلند مدت ارز مربوط ضعیف می‌شود.

زمان اعلام: تقریباً نوزدهم هرماه در ساعت ۱۳:۳۰ گرینویچ گزارش ۲ ماه گذشته اعلام میشود.

آرشیو اطلاعات:

<http://www.census.gov/foreign-trade/www/press.html>

۲- وضعیت اشتغال (Employment Situation):

این گزارش شامل جزئیات و ارقامی است که تاثیر بسیار زیادی بر بازارهای مالی به جایی میگذارد:

- لیست حقوق بگیران مشاغل غیر کشاورزی (Non-Farm Payroll):

تغییر در این شاخص که نشان دهنده تغییر میزان افراد به کار گرفته شده در امور صنعتی و تجاری است، بیانگر میزان پویایی و سلامت اقتصادی یک کشور است. این شاخص در سالهای اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است و به محض اعلام به ویژه اگر با مقدار پیش بینی شده تفاوت زیادی داشته باشد، تاثیر زیادی در بازار به جایی میگذارد.

اهمیت: به خاطر تاثیر مستقیم روی رشد اقتصادی که به تغییر نرخ بهره می انجامد این گزارش رابطه مستقیمی با افزایش قدرت ارز مربوط دارد

- نرخ بیکاری (Unemployment Rate):

نرخ افراد بیکار نسبت به کل نیروی کار که بر حسب درصد بیان میشود. معمولاً جامعه ای با ظرفیت کامل اشتغال، نرخ بیکاری ۵.۵ تا ۶ درصد را دارا می باشد. در حال حاضر ایالات متحده حدوداً دارای نرخ بیکاری ۴.۷ درصد می باشد

(آمار و ارقام منتشر شده در ایران به هیچ وجه قابل اعتماد نیستند).

اهمیت: افزایش این نرخ باعث ضعف ارز مربوطه میشود و بالعکس. اما کاهش زیاد این نرخ و در نتیجه کمبود نیروی کار می تواند بر حقوق درخواستی کارگران تاثیر بگذارد.

- درآمد متوسط ساعتی و هفتگی و طول متوسط هفته کاری
(Average hourly and weekly earning & Average Workweek)

درآمد ساعتی و هفتگی از شاخصهای مناسب برای نمایان ساختن احتمال تورم میباشند در صورت افزایش ناگهانی این دو شاخص میزان مصرف بالا می رود که این امر منجر به بالا رفتن تورم میگردد.

در صورت افزایش متوسط طول هفته کاری، که به ساعت بیان می شود، نیاز به استخدام نیروی کار بیشتر احساس خواهد شد.

زمان اعلام: این گزارش اولین جمعه هر ماه ساعت ۱۳:۳۰
گرینویچ برای ماه گذشته اعلام میشود.

آرشیو اطلاعات:

<http://stats.bls.gov/news.release/empstoc.htm>

۳- Initial Claims

تعداد افرادی که برای اولین بار فرم درخواست بیمه بیکاری را پر میکنند

اهمیت: سرمایه گذاران از میانگین متحرک چهار واحدی این شاخص برای تشخیص روند بازار کار استفاده میکنند. هر حرکتی بیشتر از ۳۰۰۰۰ واحد در این شاخص نشانه وجود تغییر مهمی در بازار کار می باشد.

این عدد هر چقدر کمتر باشد حکایت از بازار کار قوی تری دارد و برعکس.

زمان اعلام: پنجشنبه هر هفته ساعت ۱۳:۳۰ گرینویچ اطلاعات مربوط به هفته قبل که منتهی به شنبه می باشد، منتشر میشود.

آرشیو اطلاعات:

<http://www.dol.gov/dol/opa/public/media/press/eta/main.htm>

۴- شاخص هزینه استخدام (Employment Cost Index (ECI)

این شاخص دستمزد و حقوق کارکنان را که نوعی هزینه به شمار می آید محاسبه می کند.

اهمیت: در صورت افزایش غیر منتظره این شاخص نگرانی از ایجاد تورم و واکنش بانک مرکزی که افزایش نرخ بهره هست، افزایش می یابد و در نتیجه بازار سهام تحت فشار قرار میگیرد.

زمان اعلام: هر سه ماه یکبار در آخرین روز کاری ماههای ژانویه، آوریل، ژولای و اکتبر در ساعت ۱۳:۳۰ گرینویچ منتشر میشود.

آرشیو اطلاعات:

<http://stats.bls.gov/news.release/eci.toc.htm>

۵- تولید ناخالص ملی (GDP)

این شاخص نشان دهنده ارزش پولی کالاهای تولیدی و خدمات ارائه شده در داخل یک کشور می باشد صرف نظر از ملیت تولید کننده یا سرمایه گذار، تغییر این میزان نسبت به سال قبل و سه ماه قبل مورد بررسی قرار میگیرد که به نحو مستقیمی رشد اقتصادی یک کشور را نشان میدهد. این شاخص به دو صورت محاسبه میشود در روش اول تنها تغییر پولی نسبت به سال گذشته محاسبه میشود و در روش دوم ضریب تورم سالانه را نیز در این محاسبه دخالت میدهند.

اهمیت: این شاخص سلامت يك اقتصاد و بازده ان را نشان میدهد. در يك اقتصاد سالم GDP بين ۲ تا ۲.۵ درصد است) همراه به نرخ بيكاري ۵.۵ تا ۶ درصد) كه نشان دهنده درآمد خوب شركتها و وضعيت مناسب بازار سهام مي باشد. رشد GDP بيشتري از اين مقدار به روند تورمي شتاب مي بخشد و اگر رشد GDP كمتر از اين مقدار باشد نشانه ناکارآمد بودن اقتصاد است.

زمان اعلام: هر سه ماه يكبار در هفته سوم يا چهارم ژانويه، آوريل، ژولاي و اكتوبر در ساعت ۱۳:۳۰ گرینویچ كه براي دوره سه ماه قبل منتشر ميشود. تجديد نظر اين گزارش در ماه دوم يا سوم دوره سه ماهه اعلام ميشود.

آرشیو اطلاعات:

<http://www.bea.doc.gov/bea/dn1.htm>

۶- شاخص قیمت متوسط مصرف کننده (Consumer Price Index -CPI)

سبدي ثابت و تعريف شده از کالاها و خدمات مورد استفاده يك مصرف کننده شامل: غذا، سوخت، مسكن، پوشاك، حمل و نقل، بهداشت و درمان، آموزش و تفریحات، قیمت گذاري مي شود و با اعمال ضرایب اماري این شاخص مهم به دست

مي‌ايد. اين شاخص را هزینه زندگی (Cost of Living) نیز مينامند اين شاخص به نحو مطلوبی روند تورم را نشان مي‌دهد.

اهمیت: اين شاخص به نحو مطلوبی روند تورم را نشان مي‌دهد. براي بررسی دقیق تر، گزارشی که در ان غذا و سوخت به حساب نیامده اند تهیه میشود که به ان Core CPI گفته میشود، اين شاخص تحت تاثر نوسان قیمت سوخت و غذا که بیشترین چگالی را CPI دارند قرار نمیگیرد و تصویر بهتری از روند تورم نشان میدهد.

در صورت افزایش CPI شاهد تاثیرهای متفاوتی هستیم فرضاً اگر اين افزایش تنها به علت افزایش قیمت سوخت باشد Core CPI افزایشی نخواهد داشت و تحلیل تاثیر تورمی نیاز به فاکتورهای دیگر خواهد شد.

زمان اعلام: هر ماه تقریباً روز سیزدهم ساعت ۱۳:۳۰ گرینویچ اطلاعات ماه قبل منتشر میشود.

آرشیو اطلاعات:

<http://stats.bls.gov/news.release/cpi.toc.htm>

۷- شاخص قیمت تولید کننده - (Producer Price Index - PPI)

این شاخص تغییر قیمت عمده فروشی سبد ثابتی از کالاها و مواد اولیه (نفت، گاز، فولاد، فلزات، مواد غذایی و...) را اندازه گیری می‌کند و البته خدمات را به شمار نمی‌آورد. این شاخص همچنین بر CPI تاثیر عمده ای دارد و از آن میتوان برای تشخیص روند تورم در سطح کلان استفاده کرد.

اهمیت: همانند CPI این شاخص تعبیرات مختلفی دارد، لازم به توضیح است که اینگونه شاخصها شامل جزئیات زیادی هستند که تعبیرات مختلف را به وجود می‌آورد. این شاخص يك شاخص فرعی دارد که PPI را جدای از بخشهای مواد غذایی و انرژی، که عمده مصرف را تشکیل می‌دهند، محاسبه می‌کند و این شاخص که PPI Core Rate نامیده می‌شود نقش مهمی در تحلیل بازي می‌کند، و اگر بخواهیم در يك جمله تاثیر PPI را بر ارز بدانیم افزایش این شاخص نشانه وجود تورم خواهد بود که در صورت همراه شدن با افزایش نرخ بهره به قدرت گرفتن ارز خواهد انجامید.

زمان اعلام: هرماه حدود روز ۱۱ در ساعت ۱۳:۳۰ گرینویچ گزارش ماه قبل اعلام میشود.

آرشیو اطلاعات:

<http://stats.bls.gov/news.release/ppi.toc.htm>

۸- شاخص اطمینان مصرف کننده

(Consumer Confidence Index)

این شاخص بر اساس نظرسنجی از ۵۰۰۰ مصرف کننده درباره نگرش آنها به وضعیت حال و انتظار آنها درباره آینده اقتصاد، محاسبه میشود.

اهمیت: این شاخص در مواردی می تواند نشان دهنده تغییرناگهانی در الگوهای مصرف باشد و از انجاییکه خرج کردن مصرف کنندگان تقریباً دوسوم حجم اقتصاد را در بر میگیرد، این شاخص میتواند بینش خوبی درباره جهت گیری اقتصاد ارائه دهد. با این همه، تغییر بیشتر از ۵ درصد به عنوان یک تغییر قابل توجه مورد بررسی قرار میگیرد.

زمان اعلام: آخرین سه شنبه هر ماه در ساعت ۱۵:۰۰
گرنویچ اطلاعات مربوط به ماه قبل اعلام می شود.

آرشیو اطلاعات:

<http://www.tcb-indicators.org>

۹- شاخص جزء فروشی (Retail Sale)

این شاخص بر اساس میزان جزء فروشی فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ مانند Wal-Mart تهیه می‌شود و قدرت خرید را در یک اقتصاد نشان می‌دهد. این شاخص به دلار محاسبه می‌شود و ضریب تورم در آن دخالت داده نمی‌شود اما برای تعطیلات ویژه مانند کریسمس که افزایش ناگهانی در ضریب به وجود می‌آید ضرایب خاصی در نظر گرفته شده است.

همچون شاخص‌های دیگر، برای قابل اطمینان شدن این شاخص، فروش اتومبیل را از آن کم می‌کنند تا شاخص از نوسانات ناگهانی در امان باشد.

اهمیت: این شاخص شامل جزئیات زیادی می‌شود که در صورت مطالعه دقیق می‌توان به تغییر در زمینه‌های سرمایه‌گذاری پی برد. از آنجاییکه افزایش این شاخص نشانه رشد اقتصادی می‌باشد ممکن است بانک مرکزی نرخ بهره را برای جلوگیری از تورم بالا ببرد و به قوی شدن ارز منجر شود.

زمان اعلام: هر ماه حدود روز ۱۲ در ساعت ۱۳:۳۰
گرینویچ اطلاعات مربوط به ماه قبل منتشر می‌شود.

آرشیو اطلاعات:

<http://www.census.gov/svsd/www/advttable.html>

ISM Manufacturing Index - ۱۰

ISM مخفف Institute of Supply Management است که موسسه ای تحقیقاتی است و این شاخص از مهمترین شاخصهای اقتصادی به شمار می رود که بر اساس تحقیق از ۳۰۰ مدیر خرید در ۲۰ حوزه صنعت تولید صورت میگیرد و شامل فاکتورهای زیادی از جمله سفارشهای جدید، تولید، استخدام، موجودی انبار، زمان تحویل، قیمت، دستورهای واردات و صادرات می باشد. جزئیات این گزارش مفصل برای گزارشهای دیگر مورد استفاده قرار میگیرد، از جمله Durable Goods , Industrial Production: Orders,NFP,PPI,Trade Balance

اهمیت: این شاخص حرف اول را در زمینه شاخصهای تولید میزند، هر عددی بالای ۵۰ برای این شاخص نشانگر توسعه اقتصاد به شمار می رود و تاثیر مثبتی بر دلار دارد.

زمان اعلام: هر ماه در اولین روز کاری ساعت ۱۵ گرینویچ گزارش مربوط به ماه قبل اعلام میشود.

ارشیو اطلاعات:

<http://www.ism.ws>

ISM Service Index - ۱۱

این شاخص بر اساس تحقیق از حدود ۳۷۰ شرکت در بخشهای مالی، بیمه، املاک، ارتباطات صورت میگیرد و در واقع وضعیت را در بخش خدمات نشان می دهد. از آنجاییکه این شاخص به تازگی در سال ۱۹۹۷ معرفی شده نسبت به ISM Manufacturing Index که در سال ۱۹۴۰ معرفی شده است، هنوز انچنان مورد توجه سرمایه گذاران قرار ندارد.

اهمیت: هر عددی بالاتر از ۵۰ درصد نشانه رشد اقتصادی در بخش خدمات و هر عددی زیر ۵۰ درصد نشانه کند شدن این بخش است. این شاخص در فصلهای مختلف و تحت تاثیر تعطیلات ایام مختلف سال، مورد تصحیح قرار میگیرد.

زمان اعلام: سومین روز کاری هر ماه در ساعت ۱۵:۰۰ گرینویچ، اطلاعات مربوط به ماه گذشته منتشر میشود.

ارشیو اطلاعات:

<http://www.ism.ws>

۱۲- درآمد شخصی و مصرف شخصی (Personal Income & Personal Consumption)

میزان متوسط درآمد خانواده ها که از هر منبعی از جمله استخدام، کار شخصی، سرمایه گذاری و درآمدهای انتقالی مثل ارث

مصرف شخصی میزان خرجی است که انجام می شود این شاخص سه بخش دارد: کالاهای بادوام، کالاهای کم دوام و خدمات.

اهمیت: میزان درآمد مهمترین فاکتور تصمیم گیری برای خرج کردن است (مصرف کنندگان آمریکایی تقریباً از هر ۱ دلار درآمد ۹۵ سنت آن را خرج میکنند) و میزان خرج مصرف کنندگان دو سوم حجم اقتصاد را تشکیل میدهد. خرج بیشتر سود شرکتها را بالا میبرد و این به نفع بازار سهام است و از سویی بالا رفتن میزان درآمد باعث بیشتر شدن تقاضا برای مصرف خواهد شد که این مساله به نوعی فشار تورمی ایجاد می کند.

زمان اعلام: اولین روز کاری هر ماه در ساعت ۱۳:۳۰
گرینویچ اطلاعات مربوط به ۲ ماه قبل منتشر میشود.

آرشیو اطلاعات:

<http://www.bea.doc.gov/bea/rels.htm>

۱۳- تولیدات صنعتی و ظرفیت مورد استفاده (Industrial Productions & Capacity Utilization)

شاخص اول میزان خروجی کارخانه ها، کارگاه ها و معادن را نشان می دهد. شاخص دوم میزان استفاده از ظرفیت فضا، امکانات و تجهیزات را توسط این صنایع، نشان می دهد.

اهمیت: با اینکه بخش صنعت تنها ۲۵ درصد از GDP را تشکیل می دهد اما GDP نسبت به تغییرات بخش صنعت بسیار حساس است. بنابراین تغییرات این شاخص اطلاعات مفیدی برای رشد GDP به دست می دهد.

شاخص ظرفیت مورد استفاده به عنوان یک شاخص تورمی توسط سرمایه گذاران مورد استفاده قرار می گیرد. اگر این شاخص بالای ۸۵ درصد قرار بگیرد فشار تورمی بوجود می آید.

زمان اعلام: هر ماه حدود روز پانزدهم در ساعت ۱۴:۱۵ گرینویچ اطلاعات مربوط به ماه قبل اعلام می شود.

آرشیو اطلاعات:

<http://www.federalreserve.gov/releases/G17/Current/g17.txt>

۱۴- میزان سفارش کالاهای بادوام (Durable Goods Order)

این گزارش نشان دهنده میزان سفارش کالاهای نو یا دست دوم بادوام مانند تجهیزات و ماشین الاتی هست که طول عمر بالایی دارند. کالاهای با دوام به کالاهایی گفته میشود که طول عمر بیشتر از سه سال داشته باشند.

اهمیت: با نگاهی عمیق تر به این گزارش میبینیم که عمده سفارش ها مربوط به صنایع هواپیما سازی و حمل و نقل و صنایع دفاعی می باشد از این رو ممکن است در یک دوره شاهد افزایش زیادی در آن باشیم در حالیکه در یک دوره دیگر رکود را در آن مشاهده کنیم از اینرو یک شاخص فرعی در نظر گرفته میشود که در آن سفارش های مربوط به حمل و نقل و صنایع دفاعی حذف میشوند. در نگاه کلی افزایش مقدار در این گزارش نشان دهنده جهش اقتصادی رو به جلو می باشد که موجب قوی شدن ارز مربوط میشود.

زمان اعلام: هر ماه حدود روز بیست و ششم ساعت ۱۳:۳۰
گرنیویچ اطلاعات مربوط به ماه قبل اعلام میشود.

آرشیو اطلاعات:

<http://www.census.gov/ftp/pub/indicator/www/m3/index.htm>

۱۵- شروع خانه سازی و مجوز ساخت (Housing Start & Building Permits)

بخش خانه سازی یکی از مهمترین و اشتغال زا ترین بخش های یک اقتصاد و به ویژه اقتصاد ایالات متحده به شمار می رود و تاثیر زیادی بر روند دلار یا هر ارز مربوطی دارد.

این دو شاخص میزان شروع به ساختن خانه های مسکونی جدید را نشان می دهند.

اهمیت: با اینکه سرمایه گذاری در بخش ساخت و ساز مسکونی تنها ۴ درصد GDP را تشکیل می دهد اما به خاطر پر نوسان بودن این بخش، معمولا نقش مهمی را در تغییرهای کوتاه مدت GDP ایفا می کند.

زمان اعلام: هرماه حدود روز شانزدهم ساعت ۱۳:۳۰ گرینویچ، اطلاعات مربوط به ماه قبل اعلام میشود.

آرشیو اطلاعات:

<http://www.census.gov/ftp/pub/indicator/www/housing.html>

۱۶- فروش خانه های دست دوم (Existing Home Sales)

این گزارش میزان فروش خانه های دست دوم را نشان میدهد و جزء بهترین شاخصهای اقتصادی در بخش مسکن می باشد

اهمیت: این شاخص تنها نشان دهنده میزان فروش مسکن نیست بلکه به نوعی قدرت یک اقتصاد را نشان میدهد چرا که مردم زمانی به سمت خرید خانه می روند که از نظر مالی مطمئن باشند.

زمان اعلام: هر در روز بیست و پنج یا اولین روز کاری بعد از آن در ساعت ۱۵:۰۰ اطلاعات مربوط به ماه گذشته آن اعلام میشود.

ارشیو اطلاعات:

<http://nar.realtor.com/news/releases.htm>

۱۷- شاخص فروش خانه های نوساز (New Home Sales)

این شاخص براساس مصاحبه با حدود ۱۰۰۰۰۰ سازنده یا مالک که از بین ۱۵۰۰۰ پروژه ساختمانی انتخاب میشوند، به دست می آید و میزان فروش خانه های نوساز در یک ماه را نشان میدهد.

اهمیت: شاخص خوبی برای اندازه گیری میزان اعتماد و خرج مصرف کنندگان در امر مسکن را نشان میدهد که این مساله به وضعیت کلی اقتصاد هم ارتباط پیدا می کند. با این همه سرمایه گذاران گزارش Existing Home Sales را ترجیح میدهند که تقریباً ۸۴ درصد فروش مسکن را تشکیل میدهد و قبل از این گزارش هم اعلام میشود.

زمان اعلام: تقریباً آخرین روز کاری هر ماه در ساعت ۱۵:۰۰ گرینویچ اطلاعات مربوط به ماه گذشته اعلام میشود.

آرشیو اطلاعات:

http://www.census.gov/const/c25_curr.txt

۱۸ - کتاب خاکستری (Beige Book)

هر بانک مرکزی ایالتی اطلاعاتی درباره وضعیت اقتصاد در منطقه خودش گردآوری می کند منبع این اطلاعات بانک مرکزی و زیر شاخه های آن، مصاحبه با افراد مهم در زمینه تجارت، اقتصاددانها و متخصصان بازار می باشند. در کتاب خاکستری این اطلاعات بر اساس منطقه جغرافیایی و زمینه اقتصادی طبقه بندی و خلاصه میشود.

اهمیت: بانک مرکزی امریکا از این گزارش به همراه شاخص های دیگر در شورای سیاست گذاری نرخ بهره (FOMC)

استفاده می‌کند. این شورا دو هفته بعد از انتشار کتاب خاکستری برگزار میشود. اگر این گزارش حاکی از ایجاد فشارهای تورمی باشد به تبع، شورا در موضع افزایش نرخ بهره قرار می‌گیرد و برعکس.

زمان اعلام: این گزارش در سال ۸ بار اعلام میشود و دو هفته قبل از تشکیل شورا در روز چهارشنبه ساعت ۱۹:۰۰ گرینویچ اعلام میشود.

ارشیو اطلاعات: _____

۱۹ - Chicago Purchasing Managers' Index (PMI)

این شاخص براساس تحقیق از حدود ۲۰۰ مدیر خرید به دست می‌آید که بیان‌کننده وضعیت صنعت تولید در این منطقه صنعتی می‌باشد در واقع شیکاگو منطقه ایست که توزیع شرکتهای تولیدی در آن به گونه‌ای است که وضعیت آنها می‌تواند نشان‌دهنده وضعیت تولید در کل کشور باشد.

اهمیت: این شاخص به همراه Philadelphia Fed Index در پیش‌بینی گزارش ISM (یک شاخص پیشرو و مهم) که در روز کاری بعد منتشر میشود کمک بسزایی می‌کند.

هر عددی بالای ۵۰ درصد بیان کننده رشد در قسمت کارخانجات تولیدی می باشد و هر عددی زیر ۵۰ درصد نشانه کند شدن این بخش است.

زمان اعلام: آخرین روز کاری هر ماه در ساعت ۱۵:۰۰
گرینویچ اطلاعات مربوط به همان ماه اعلام میشود.

۲۰- Philadelphia Fed Index

شاخص تولید ناحیه ای، که نواحی Pennsylvania, New Jersey, Delaware را پوشش می دهد. فعالیت این نواحی نمونه خوبی برای پیش بینی و نتیجه گیری درباره وضعیت فعالیت تولیدی صنعتی دیگر نواحی کشور می باشد.

اهمیت: همانطور که قبلاً ذکر شد این شاخص به همراه شاخص شیکاگو برای پیش بینی ISM به کار برده میشود. عددی بالای ۵۰ درصد بیان کننده رشد در قسمت کارخانجات تولیدی می باشد و هر عددی زیر ۵۰ درصد نشانه کند شدن این بخش است.

زمان اعلام: سومین پنجشنبه هر ماه در ساعت ۱۵:۰۰
گرینویچ اطلاعات مربوط به همان ماه اعلام میشود.

علاوه بر شاخصهای ذکر شده شاخصهای زیاد دیگری هم هستند که برخی از آنها را به اختصار توضیح میدهم

۲۱- Treasury International Capital (TIC)

این شاخص میزان خرید خالص سرمایه گذاران خارجی در کلیه اوراق بهادار از جمله سهام و اوراق خزانه، می باشد. بالا رفتن این عدد نشان دهنده اعتماد بین المللی به اقتصاد امریکا می باشد و در حال حاضر که اقتصاد امریکا گرفتار کسری بودجه شدید هست، امید بر آن است که این جریان سرمایه گذاری خارجی بتواند اثر کسری بودجه را تا حدی خنثی کند.

۲۲- موجودی کالاهای تجاری (Business Inventory)

موجودی انبار محصولات تولید شده که فروش نرفته اند.

زمانی که این عدد افزایش یابد به این معنی خواهد بود که فروش از میزان تولید کمتر است و این مساله حکایت از کند شدن اقتصاد دارد که به کاهش ارزش مربوط خواهد انجامید.

۲۳- میزان سفارش های رسیده به کارخانجات (Factory Orders)

همانطور که از نام این گزارش مشخص است میزان سفارش های رسیده به کارخانجات را نشان میدهد که بالا بودن آن نشانه خوبی برای اقتصاد می باشد .

این گزارش هم همچون دیگر گزارشها و شاخصها شامل جزئیات زیادی می باشد اما در کل میتوان گفت بالا بودن میزان این گزارش سبب قوی شدن ارز خواهد بود.

۲۴- شاخص اطمینان مصرف کنندگان دانشگاه میشیگان (University of Michigan Consumer Confidence)

این شاخص توسط دانشگاه میشیگان در منطقه میشیگان از طریق نظرسنجی و تحقیق به دست می آید. در این تحقیق در مورد دیدگاه کلی درباره وضعیت کنونی اقتصاد بررسی به عمل می آید و نتیجه با روشهای آماری به صورت یک عدد بیان میشود. بین اطمینان مصرف کنندگان همبستگی خوبی با میزان خرج کردن مصرف کنندگان (Consumer Spending) وجود دارد و اهمیت این مساله به این خاطر است که خرج مصرف کنندگان دوسوم GDP را تشکیل میدهد.

۲۵- هزینه مصرف شخصی (Personal Consumption Expenditure (PCE)

هزینه تمام کالاها و خدماتی که یک فرد بطور متوسط مصرف می‌کند (در اینجا سبد ثابت در نظر گرفته نشده است) این شاخص تغییر در هزینه متوسط فردی را نشان می‌دهد و علاوه بر این همانطور که بیان شد دوسوم GDP را در بر می‌گیرد.

۲۶- مخارج احداث ساختمان (Construction Spending)

ارزش ساخت و ساز در طول یک ماه که با شاخصهای دیگر ساختمانی مرتبط میشود و به نحوی اطمینان سرمایه گذاران به بخش ساختمان را نشان می‌دهد.

علاوه بر این شاخص ها، سخنرانی اعضا بانک مرکزی که میتواند نشانه هایی از سیاست های آینده برای رویارویی با تورم در بر داشته باشد، در برخی موارد تاثیر قابل توجهی بر بازار دارد. در بیانیه هایی که بانکهای مرکزی منتشر میکنند یا در سخنان اعضا بانک مرکزی معمولا جملات یا لغاتی به کار می‌رود که برای متخصصان بازار معنایی و رای معنایی واقعی آنها را در بر دارد فرضا در زمان آقاي Greenspan ریاست قبلی بانک مرکزی امریکا در بیانیه های FOMC معمولا لغت "Measured" بکار میرفت که اشاره ای بود به

ادامه افزایش نرخ بهره و نبودن این لغت در بیانیه برای تحلیل معنی خاصی داشت یا زمانی که بانک مرکزی اروپا شروع به افزایش نرخ بهره کرد، در سخنان آقای Trichet معمولاً لغت "Vigilance" بکار برده میشد.

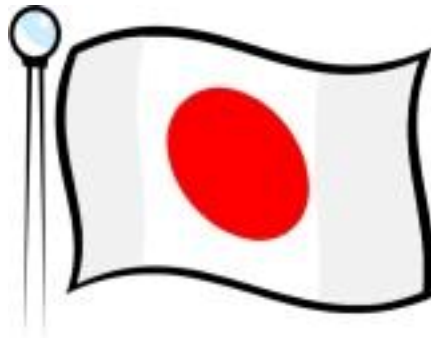
از جمله وقایع مهم دیگر برگزاری کنفرانس های بین المللی مثل اجلاس هفت کشور صنعتی G7 یا اجلاس سران اپک می باشد که در اینگونه جلسات تصمیم های مهمی گرفته میشود.

وضعیت آب و هوایی نیز می تواند بر وضع بازار تاثیر بگذارد، معمولاً فصل طوفانهای شدید از اوایل ژوئن شروع می شود و تا اوایل ماه نوامبر به طول می انجامد در صورتیکه این طوفانها به سواحل و گلوگاههای مهم برسند خسارات زیادی به جایی می گذراند و تاثیر زیادی هم بر جریان ورود نفت به آمریکا دارند. پنج طوفان تهدید کننده در اقیانوس اطلس به نام های Dennis, Emily, Katrina, Rita, Wilma هستند که در این میان Wilma قدرت بیشتری دارد. در سال ۲۰۰۵ طوفان کاترینا و ریتا نیمی از نیوارلن را به زیر آب برد و سکوهایی نفتی را تخریب کرد روند ورود نفت را در خلیج مکزیک مختل کرد، (این خلیج یکی از مهمترین ورودی های نفت خام به آمریکا می باشد) طوفان کاترینا دست کم موجب مرگ ۲۰۴۸ تن و خسارت بی سابقه ای بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار گردید. در زمان حمله کاترینا

، طی ۳ روز دلار چیزی در حدود ۴۰۰ پیپ در مقابل یورو و پوند ضعیف شد.

حوادث غیر قابل پیش بینی تاثیرات ناگهانی بر بازار دارند، که بسیار دور از انتظار است برای مثال زمانی که خبر انفجارهای لندن منتشر شد ظرف چند ثانیه پوند در مقابل دلار ۷۰ پیپ ضعیف شد.

کسانیکه برای مدت زیادی در بازارهای مالی فعالیت دارند شاهد حوادث و اتفاقاتی بوده اند که شاید در نگاه اول تاثیر آنها غیر واقعی به نظر برسد اما این اتفاقات رخ داده اند و باز هم امکان رخ دادن آنها هست. رسوایی های سیاسی اقتصادی، جنگها، نتایج انتخابات و هر حادثه دیگری میتواند تاثیر خاصی بر بازار بگذارد.



ین ژاپن

پس از ایالات متحده کشور ژاپن با فاصله نه چندان کمی در رده دوم اقتصاد جهان قرار گرفته است.

اقتصاد ژاپن بر مبنای صادرات قرار گرفته است به همین خاطر بانک مرکزی ژاپن (BOJ) تمایلی به قوی شدن پول ملی ندارد و حتی گاهی اوقات برای جلوگیری از این امر در بازار دخالت‌های انجام میدهد.

از آنجاییکه ژاپن منابع نفتی ندارد بزرگترین وارد کننده خالص نفت دنیاست (واردات خالص به معنی تفاوت صادرات و واردات یک محصول است) به همین دلیل نوسانات قیمت نفت تاثیر زیادی بر روی ین ژاپن دارد.

این اقتصاد بزرگ در هفت سال گذشته در رکود به سر میبرد و نرخ بهره برای مدت زیادی در صفر قرار گرفته بود و بانک مرکزی ژاپن (BOJ) با مشاهده علائمی از تورم، برای بالا بردن نرخ بهره اقدام کرد و در حال حاضر این نرخ معادل ۰.۵ درصد میباشد.

بازار سهام ژاپن یکی از جذاب ترین بازار های دنیاست و سرمایه گذاران حرفه ای همیشه نوسانات این بازار را مد نظر دارند.

با توجه به اینکه نرخ بهره بین ژاپن فعلا در نقطه پایینی قرار دارد، سرمایه گذاران بلند مدت تمایل دارند تا ارزهایی را که نرخ بهره بالا دارند در مقابل بین خریداری کنند، به اینگونه معامله گران Carry Trader گفته میشود که از تفاوت بهره بانکی به ازای هر روز باز ماندن پوزیشن استفاده میکنند. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ یک روند صعودی بر روی زوج ارزهای GBP/JPY, EUR/JPY, AUD/JPY, NZD/JPY وجود داشت و نرخها به رکوردهای بالایی رسیدند.

مواردی که میتوانند بین را تحت تاثیر قرار دهند:

وزارت اقتصاد (Ministry of Finance (MoF)

این نهاد اقتصادی و سیاسی ژاپن در مواردی برای جلوگیری از قوی یا ضعیف شدن ین از ابزارهای کلامی استفاده می‌کند.

نرخ بهره (Interest Rate)

ابزار مورد استفاده بانک مرکزی ژاپن

اوراق قرضه ژاپن Japanese Government Bonds (JGBs)

بانک مرکزی ژاپن هر ماه مقداری اسناد ۱۰ ساله و ۲۰ ساله **خریداری** می‌کند دلیل این امر تزریق متناسب پول به سیستم می‌باشد. میزان سود این اسناد به عنوان شاخص بلند مدتی برای انتظار آینده از تفاوت نرخ بهره بانکی، عمل می‌کند و به صورت دیگر، تفاوت سود این اوراق و سود اوراق ۱۰ ساله خزانه امریکا شاخصی است برای انتظار آینده از تفاوت نرخ بهره دو بانک.

برای مثال اگر قیمت JGBs پایین بیاید (سود آنها بالا برود) – در اینجا ذکر این نکته لازم است که این اوراق توسط بانک خریداری شده اند و در قبال آنها پول وارد جامعه شده است.) به معنای قوی شدن ین و ضعف دلار خواهد بود.

سازمان طراحی اقتصادی
Economic Planning Agency
(EPA)

سازمانی دولتی است که مسئول طراحی برنامه های کلان اقتصادی و همکاری در سیاستگذاری اقتصادی شامل: اشتغال، تجارت بین المللی و امور مرتبط با بازار فارکس می باشد.

وزارت صنایع و تجارت بین الملل
Ministry of International Trade and Industry (MITI)

موسسه ای دولتی است که هدف اصلی آن دفاع از توان رقابتی محصولات ژاپنی در بازارهای بین المللی می باشد.

شاخص سهام پیشرو (NIKKEI- Leading stock index (225)

کاهش قابل ملاحظه در ارزش ین معمولاً باعث میشود سهام شرکتهای وابسته به صادرات رشد قیمت داشته باشند و این مساله به رشد کلی بازار سهام دامن میزند.

تأثیر جفت ارزهای دیگر Cross Rate Effect

تغییر قیمت یورو در مقابل ین میتواند بر جفت ارز USD/JPY تأثیر بگذارد. فرضاً قوی شدن دلار در مقابل ین میتواند نتیجه بالا رفتن EUR/JPY باشد تا اینکه نتیجه مستقیمی از قدرت دلار باشد.

شاخصهای اقتصادی در ژاپن

تحقیق تانکن Tankan Survey

مهمترین تحقیق تجاری ژاپن به شمار می‌آید که هر سه ماه یکبار توسط بانک مرکزی ژاپن منتشر می‌شود. این تحقیق شامل پرسشهایی از شرکتهای تولیدی و خدماتی می‌باشد که شامل دو بخش می‌شود:

- Judgment Survey تحقیقی است در مورد وضعیت گذشته، حال و آینده: متغیرهای کلان اقتصادی، وضعیت تجاری، موجودی انبارها، میزان استفاده از ظرفیت و سطح اشتغال.

- Current Management Issues میپردازد به مسائل مدیریتی که شرکت با آنها روبرو است.

در واقع این شاخص هم مثل IFO حاصل تفاضل خوش بینی ها و بدبینی ها نسبت به وضعیت می باشد که با روشهای آماری اصلاح می‌شود.

Tokyo CPI

همان شاخص CPI هست که هر ماه در توکیو تهیه میشود.

Machine Tool Orders

همینطور که از نام این شاخص مشخص است میزان سفارش تجهیزات و ماشین آلات را در بخش خصوصی نشان میدهد.

Convenience Store Sales

روند مخارج روزانه را نشان میدهد.

Workers Household Spending

این شاخص میزان درآمد و هزینه خانوار را محاسبه می‌کند. شاخص بسیار مهمی است زیرا تقریباً ۶۰ درصد GDP در ژاپن به مخارج مصرف کنندگان مرتبط میشود.

Eco Watchers

این شاخص برداشت عمومی مصرف کنندگان از وضعیت اقتصاد را به تصویر میکشد. جالب است که بدانید این تحقیق از کسانی صورت میگیرد که به طور مستقیم با مصرف کنندگان در ارتباط هستند به طور مثال: رانندگان تاکسی، آرایشگران و پیشخدمت ها .

Large Retailers

این شاخص از فروشگاههای بزرگ و زنجیره ای تهیه میشود که درصدی از مخارج مصرف کنندگان را به خود اختصاص میدهند.



یورو اتحادیه اروپا

تعدادی از شاخصها مشابه اقتصاد امریکا در اروپا هم مورد استفاده قرار میگیرند ما در اینجا شاخصها و گزارش هایی را معرفی میکنیم که مختص منطقه یورو هستند.

منطقه یورو شامل ۱۳ کشور است که واحد پول مشترک "یورو" را پذیرفته اند این کشورها عبارتند از : آلمان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، هلند، بلژیک، اتریش، فنلاند، پرتغال، ایرلند، لوکزامبورگ، یونان و اسلونی.

در این میان وضع اقتصادی آلمان، فرانسه و ایتالیا بیشترین تاثیر را بر یورو دارد.

حجم زیاد این واحد پولی در بازارها باعث شده که بانکهای مرکزی اروپایی و دیگر بانکها از آن به عنوان واحد پولی رزرو استفاده کنند و حتی نخبیر دلاری خود را تاحدی به

یورو تبدیل کنند که این مساله در بلند مدت يك فاکتور مثبت به شمار مي‌آید.

از انجاييکه بانكهاي اروپايي در ب خود را به روي بازارهاي نوپاي اسيايي و امريكاي لاتين گشوده اند هرگونه نارامي در اين مناطق ميتواند به زيان يورو و GDP در منطقه يورو تمام شود.

عوامل تاثیر گذار بر يورو

بانك مركزي ارو پا (ECB) European Central Bank

سياستهاي پولي و مالي منطقه يورو را مشخص مي‌کند و هدف اصلي اين بانك تا به حال تثبيت قيمتها بوده است.

نرخ بهره Interest Rate

ابزار اصلي بانك مركزي براي اجراي سياستها مي‌باشد

اوراق ۱۰ ساله دولتی 10-year government bond

این اوراق نقش مهمی در نوسانات ارز دارند به مانند دیگر مناطق تغییر سود این اوراق چشم اندازی از وضعیت آینده ارز به دست میدهد.

تأثیر جفت ارزهای دیگر Cross-rate effect

فرض کنیم خبرهای مثبتی از اقتصاد ژاپن منتشر شود یورو در مقابل ین ضعیف میشود. نتیجه جانبی آن ممکن است ضعف یورو در برابر دلار هم باشد.

مورد دیگر همبستگی منفی بسیار قوی بین USD/CHF و EUR/USD می باشد، در واقع اگر نمودار این دو جفت ارز را بر هم تطبیق کنیم خواهیم دید که کاملاً قرینه هستند گاهی اوقات میتوان از اختلاف فاز بین حرکتها استفاده کرد فرضاً اگر یکی از جفت ارزها سطح مقاومت مهمی را شکسته باشد جفت ارز دیگر هم در آینده ای نزدیک سطح حمایتی متناسب را خواهد شکست.

عوامل سیاسی

به مانند دیگر ارزها یورو هم نسبت به شرایط عدم اطمینان سیاسی حساسیت نشان میدهد انتخابات و اعتصاب ها تاثیر خاصی بر یورو دارند مخصوصا در کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا و اتریش.

شاخص های اقتصادی

ZEW Economic Survey

تحقیقی است که میزان خوشبینی یا بدبینی تحلیلگران اقتصادی نسبت به وضعیت اقتصادی ۶ ماه آینده در آلمان را نشان میدهد

IFO Economic Survey

میزان اطمینان تجاری در آلمان را نشان میدهد و هر ماه توسط موسسه تحقیقات اقتصادی منتشر میشود.

مقادیر قبلی این شاخص به دقت توسط سرمایه گذاران دنبال میشود تا هر گونه تغییری در وضعیت اقتصادی در رادار آنها نمایان باشد.

این تحقیق تقریباً از ۷۰۰۰ شرکت صورت میگیرد که نظر آنها در مورد وضعیت حال و انتظار آنها از وضعیت آینده موضوعات اصلی تحقیق هستند.

Current Account

در این گزارش میزان تراکنش تجاری بین اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای جهان تحلیل میشود.

L

این شاخص دارایی های بلند مدت را شامل میشود از جمله اوراق قرضه، پذیره های بانکی، اوراق خزانه و دارایی های یورو دلار.

M1

این شاخص نشان دهنده تمام حسابهای قابل تبدیل به پول نقد می باشد که شامل پول نقد، چکهای مسافرتی، مبالغ قابل تبدیل به چک و اعتبارات جاری می باشد.

M2

شامل M1 بعلاوه دارایی های دیگر مانند سپرده های کوتاه مدت، پس اندازها، سپرده های ارزی و موارد دیگری می باشد که توضیح آنها در اینجا نمیگنجد.

M3

این شاخص شامل M2 بعلاوه سپرده های ویژه و سپرده های بالای ۱۰۰۰۰۰ دلار و مبالغ متعلق به موسسات مالی می باشد.

GDP

Unemployment Rate

CPI

Industrial Production

Factory Order

Retail Sale

Labor Cost

PMI

این شاخصها از نظر ماهیت و تاثیر مشابه اقتصاد امریکا هستند.



پوند بریتانیا

وضعیت اقتصادی بریتانیا تا حد زیادی شبیه به اروپا می باشد و نوسانات پوند و یورو در برابر دلار از همبستگی خوبی برخوردار است.

عوامل تاثیر گذار بر پوند

بانک مرکزی انگلیس (Bank of England (BoE)

در سال ۱۹۹۷ بانک مرکزی انگلیس اجازه یافت تا به طور مستقل درباره نرخ بهره ، در جهت تثبیت قیمتها، تصمیم گیری کند و این سیاست گزاری براساس تورم مورد انتظار دولت صورت میگیرد. البته بانک مرکزی انچنان هم مستقل به نظر نمیرسد چون هنوز هم برای توافق بر نرخ مورد انتظار تورم جلساتی را با خزانه تشکیل میدهد.

نرخ بهره Interest Rate

ابزار اصلی بانک مرکزی برای اجرای سیاستها می‌باشد.

اوراق ممتاز دولتی Gilts

بازار همیشه تفاوت سود اوراق ۱۰ ساله بریتانیا را با اوراق ۱۰ ساله خزانه آمریکا مورد نظر دارد.

خزانه Treasury

خزانه هدف تورمی مورد انتظار را برای بانک مرکزی مشخص می‌کند هرچند نقش خزانه از سال ۱۹۹۷ در این امر کاسته شده است.

- پیوستن به واحد پول ارو پایي

هرگاه نخست وزیر بریتانیا در مورد امکان پیوستن این کشور به واحد پولی یورو مطلبی را بیان می‌کند بازار واکنش نشان می‌دهد. اگر مطالب در جهت پیوستن باشد از آنجاکه نرخ بهره انگلیس باید با یورو یکسان شود که در حال حاضر این مساله به نفع پوند نیست.

شاخص سهام پیشرو (Leading stock index (FTSE-100)

همبستگی بسیار خوبی بین FTSE-100 و شاخص صنعتی داو جونز – که یکی از قوی ترین بازارهای جهانی است – وجود دارد و این شاخص همیشه در رادار سرمایه گذاران وجود دارد.

تأثیر جفت ارزهای دیگر Cross-rate effect

از آنجاییکه پوند خارج از منطقه یورو می باشد هرگونه عدم اطمینان به یورو سرمایه های نقد را به سوی پوند حرکت میدهد. نرخ اصلی که این تأثیرات را میتوان در آن مشاهده کرد EUR/GBP می باشد.

شاخص های اقتصادی بریتانیا

شاخص مولفه های پیشرو اقتصادی Index of Leading Economic Indicators (LEI)

این شاخص بر اساس موارد مختلفی به دست می آید از جمله: موجودی انبارها، سفارش ها، فرصتهای شغلی، شاخص های قیمت، عرضه پول، سود شرکتها و میزان اطمینان تجاری. سه کاهش متوالی در این شاخص نشان دهنده رکود می باشد.

Current Account

در این گزارش میزان تراکنش تجاری بین بریتانیا و دیگر کشورهای جهان تحلیل میشود.

RICS House Balance

شاخصی برای اندازه گیری تورم در بخش مسکن است.

Nationwide House Prices

این شاخص نشان دهنده تغییرات قیمت مسکن می باشد.

BRC Shop Price Index

این شاخص تغییر قیمت در بخش خرده فروشی را به تصویر میکشد و نشان دهنده میزان تورم در مورد اقلامی است که بیشتر خریداری میشوند.

CIPS Service

میزان فعالیت در بخش خدمات را نشان می دهد.

CIPS Manufacturing

میزان فعالیت در بخش تولیدات را نشان میدهد.

CBI Industrial Trends Survey

این شاخص که در بخش تولیدات تهیه میشود اطلاعات زیادی را شامل میشود از جمله سفارشها، موجودی انبارها، میزان خروجی، سطح اطمینان تجاری، فشارهای هزینه ای و ظرفیت مورد استفاده.

CBI Distributive Trades Survey

این گزارش از ۵۰۰ تا ۶۰۰ شرکت که در زمینه توزیع فعالیت دارند تهیه میشود و وضعیت این بخش را نشان میدهد.

GDP

Unemployment Rate

CPI

Industrial Production

Factory Order

Retail Sale

این شاخصها همانند اقتصاد امریکا هستند.



فرانك سوئیس

فرانك سوئیس بیشتر از وقایع خارجی تاثیر می پذیرد، گرچه اخبار اقتصادی داخلی هم بی تاثیر نیستند.

فرانك مطمئن ترین ارز جهان به شمار می آید که در بحرانهای سیاسی اقتصادی قدرت میگیرد. سه عامل مهم در جهت افزایش نرخ فرانك:

- نگرانی از وضعیت اتحادیه اروپا

- بحران در خلیج فارس

- ناآرامی در بازارهای نوپا به خصوص روسیه و کشورهای اروپایی غیر عضو در اتحادیه

در پایان بحران ها معمولا فرانك به حالت قبلی باز میگردد. امتیاز فرانك در میان ارزها از موقعیت سیاسی این کشور از

دوران گذشته و نیز استقلال کامل بانک مرکزی در امنیت سپرده ها می باشد.

موارد تاثیرگذار بر فرانک سوئیس

بانک مرکزی سوئیس (SNB) Swiss National Bank

این بانک با اینکه استقلال بسیار زیادی در تصمیم گیری های خود دارد، سیاست به خصوصی را در مورد بازارهای پولی دنبال نمی کند. مقامات بانک سوئیس در مواردی با ذکر مطالبی در مورد عرضه پول موارد دیگر بازار را تحت تاثیر قرار می دهند.

نرخ بهره Interest rates

بانک سوئیس از نرخ بهره وامهای بانکی برای نشان دادن تغییر در تصمیم گیری های پولی استفاده می کند.

تاثیر جفت ارزهای دیگر Cross Rate Effect

تغییر در GBP/CHF, EUR/CHF میتواند نرخ دلار نسبت به فرانک را تحت تاثیر قرار دهد از سویی به خاطر نزدیکی سوئیس و المان و نیز وابستگی اقتصاد سوئیس به اروپا، نوسان EUR/USD, USD/CHF از همبستگی منفی بسیار قوی برخوردار میباشند، در واقع اگر نمودار این دو جفت ارز را بر هم منطبق کنیم خواهیم دید که کاملا قرینه هستند گاهی اوقات میتوان از اختلاف فاز بین حرکتهای استفاده کرد، فرضا اگر یکی از جفت ارزها سطح مقاومت مهمی را شکسته باشد جفت ارز دیگر هم در آینده ای نزدیک سطح حمایتی متناسب را خواهد شکست.

طلا

از دیرباز یک رابطه مستقیم بین فرانک سوئیس و طلا وجود داشته است چون هر دو در شرایط بحرانی نقش پشوانه ای داشته اند .

شاخصهای اقتصادی

از نظر شاخصهای اقتصادی شبیه دیگر اقتصادهای منطقه است این شاخصها را در اقتصاد سوئیس داریم:

GDP

Unemployment Rate

CPI

Industrial Production

Factory Order

Retail Sale

علاوه بر اینها چند گزارش مهم هم در این کشور وجود دارد که بدون ذکر جزئیات آنها را نام می بریم:

KOF Swiss Leading Indicator

گزارشی مشابه LEI در اقتصاد اروپا که توسط این موسسه اعلام Swiss Institute for Business Cycle Research میشود.

SVME

شاخصي شبیه به گزارش PMI در امریکا هست .

UBS Consumption Indicator

بانك UBS سوئیس از جمله بزرگترین و معتبرترین بانکهای سوئیس و دنیا به شمار می‌آید تحقیقات این بانک از میزان مصرف شاخص مهمی در اقتصاد سوئیس هست و معادل Personal Consumption اقتصاد امریکا می‌باشد.



دلار کانادا

این کشور از نظر حجم پول در بازارهای جهانی در سطح پایینی قرار دارد اما از نظر اقتصادی تقریباً بزرگترین شریک تجاری ایالات متحده محسوب میشود. این کشور هشتمین ذخایر نفتی جهان را در خود جای داده است و نسبت به منابع نفتی دیگر، مسیر نزدیکی را تا بزرگترین مصرف کننده انرژی جهان یعنی ایالات متحده، دارد. از این رو USD/CAD حساسیت زیادی نسبت به نوسانات نفت نشان میدهد به گونه ای که در اثر افزایش قیمت نفت از ماه می سال ۲۰۰۵ تا ماه می ۲۰۰۶ دلار کانادا تقریباً ۲۷ درصد قویتر شده بود و این در حالی بوده که تمام ارزها در سال ۲۰۰۵ در برابر دلار ضعیف شده اند، همین مساله باعث جذابیت جفت ارزهای فرعی مانند EUR/CAD یا CAD/JPY شد، و همچنین از ابتدای سال ۲۰۰۷ تا ماه سپتامبر دلار

کانادا تحت تاثیر افزایش قیمت نفت و طلا چیزی در حدود ۲۵۰۰ پیپ در برابر دلار امریکا افزایش داشت.

کانادا همچنین سومین ذخایر طلا را به همراه استرالیا در اختیار دارد و افزایش نرخ طلا هم در این مدت به قدرت گرفتن پول مردم کانادا کمک کرده است.

این ارز به خاطر حجم کم معمولا در حرکتهای خیلی پرنوسان عمل می‌کند فرضا ممکن است ظرف ده دقیقه حرکتی معادل ۱۰۰ پیپ داشته باشد و ۶۰ پیپ از حرکت را برگردد در اصطلاح Shadow های بزرگی دارد.

دیگرو عوامل تاثیر گذار بر دلار کانادا بانک مرکزی کانادا Bank of Canada (BoC) و نرخ بهره Interest Rate می باشند که ابزار اساسی بانک مرکزی برای کنترل تورم و رکود هست.

از نظر شاخص های اقتصادی هم تا حد زیادی مشابه اقتصاد ایالات متحده می باشد .



دلار استرالیا

در بین ارزهای مهم موجود در بازار در زمان آخرین به روز رسانی (آوریل ۲۰۰۸) پس از دلار نیوزلند دلار استرالیا بالاترین نرخ بهره یعنی ۷.۲۵ درصد را دارد و از این حیث بسیار مورد توجه است، در برابر ارزهایی با بهره پایین مانند ین ژاپن خریداران زیادی دارد. نوسان این ارز تقریباً از روند دیگر ارزهای اصلی (غیر از دلار کانادا) تبعیت می‌کند اما کمی آرامتر حرکت می‌کند فرضاً به صورت سرانگشتی اگر یورو در مقابل دلار ۱۰۰ پیپ قوی شود این ارز حدود ۶۰ پیپ قوی خواهد شد (این یک قاعده تقریبی است).

همان‌طور که ذکر شد استرالیا به همراه کانادا سومین ذخایر طلای دنیا را در اختیار دارد اما زیاد از این فاکتور تاثیر نمی‌پذیرد و از روند کلی بازار تبعیت می‌کند.

دولت‌هاي استراليا و كانادا تحت الحمايه بریتانیاي کبير محسوب می‌شوند و از نظر سياسي از ايستايي خوبي برخوردار هستند.

بانك مركزي استراليا Reserve Bank of Australia (RBA) مهمترين نقش را در سياست‌هاي مالي اين کشور دارد.

شاخص‌هاي اقتصادي اين کشور شبیه به اقتصاد امريکا هستند و تاثير آنها در اين ارز کوتاه مدت می‌باشد، در صورتيکه در بلند مدت روند کلي ديگر ارزهاي مهم همه چيز را مشخص می‌کند.

نرخ ارزهای کشورهای مختلف در زمان آخرین به روز
رسانی (آوریل ۲۰۰۸)


 **NZD 8.25%**

 **AUD 7.25%**

 **GBP 5.00%**

 **EUR 4.00%**

 **CAD 3.50%**

 **CHF 2.75%**

 **USD 2.25%**

 **JPY 0.50%**

پس از آشنایی با اقتصاد کشورهای مختلف به روشنی دیده می شود که اقتصاد کشوری مثل ایران بیشتر شبیه به یک ماشین کهنه و فرسوده با بازده بسیار پایین عمل میکند و تنها چیزی که آن را سر پا نگه داشته است امتیازات طبیعی و ژئوپلیتیک منطقه است، سرمایه گزاری در بازار بورس ایران کار بسیار خطرناک پر ریسکی به شمار میرود چرا که در این بازار: - شفافیت اطلاعات وجود ندارد اطلاعات محرمانه شرکت ها به شکل های مختلف نشت می کند و در این میان تقلب های بزرگی هم صورت میگیرد، تصمیم های مجمع شرکتها با صلوات فرستادن حصار تصویب میشود و در یک کلام یک بازار کاملاً غیر علمی به شمار میرود.

Liquidity بسیار پایین است و به راحتی صف خرید یا فروش تشکیل می شود و روش خرید و فروش هم به شکل خیلی ابتدایی و سنتی و کند صورت میگیرد.

سیستم اقتصادی کشور هم بازتابی از همین اوضاع است ، دخالت دولت در اقتصاد در مواردی لازم است اما دخالت ناگهانه عواقب جبران ناپذیری به همراه دارد، بانک مرکزی با هدف کاهش تورم نرخ بهره را به یکباره ۴ درصد کاهش داد چیزی که در یک اقتصاد علمی به صورت تدریجی در طول ماهها صورت میگیرد و مطمئناً نتیجه معکوس این سیاستها دور از انتظار نخواهد بود.

بزرگترین معضل اقتصاد ایران دولتی بودن آن است و متأسفانه شکل خصوصی آن هم در دهه اخیر به صورت ناقص الخلقه متولد شده است که نه تنها مشکلات اقتصاد بیمار ایران را حل نکرده بلکه بر مشکلات قبلی آن هم افزوده است. دیگر معضل اقتصاد ایران به جای تولید محوری، دلال محوری و راس آن خود دولت و سیستم حاکم بر آن است، در این سیستم همه به تنها چیزی که فکر می کنند حاکمیت پول می باشد و نه جوهره کار.

دیگر زاییده های اقتصاد در ایران امروز، سعی و خطا و اعمال سلیقه های فردی در اقتصاد می باشد که باعث به هدر رفتن میلیاردها تومان سرمایه و میلیاردها ساعت زمان می باشد، رانت، رشوه، فساد و بی بندوباری در هزینه ها و عدم تعهد اخلاق حرفه ای بیداد می کند.

درد فعلی اقتصاد، همان بیماری هلندی (Dutch Disease) می باشد که هیچ درمانی هم برای آن اندیشیده نشده است.

در ایران مساله ساخت و ساز به عنوان یک محک شناخته شده است که در صورت فعال بودن این صنعت خیلی از قسمت های دیگر اقتصاد ایران نیز پویا خواهد شد اما متأسفانه این مساله نیز مانند بسیاری از تزه های دیگر کشور لاینحل باقی مانده است.

در حال حاضر - سال ۸۷ - که عواقب دخالت ناآگاهانه در اقتصاد پدیدار شده است تصمیم گیرندگان اقتصادی انگشت تعجب به دهان برده اند که چرا اقدامات ضد تورمی آنها اثر معکوس به بار آورده است و دچار توهم توطئه می شوند. به وضوح می توان دید که اقتصاد ایران بازیچه دست کسانی شده است که هیچ آگاهی از اداره يك سیستم اقتصادی ندارند و ساده لوحانه می پندارند که تنها با یکبارہ پایین آوردن نرخ بهره میتوان فشار تورمی را کم کرد.

ناهماهنگی و چند مدیره بودن پروژه های مختلف، ناکارآمد بودن مدیران رابطه ای و از طرفی سرمایه ای که بدون هیچ زحمتی به دست آمده است، جایی برای امید به آینده اقتصاد ایران به جایی نمی گذارد. البته و صد البته صحبت در مورد اقتصاد ایران چه خرد و چه کلان آن، قصه هفتاد من مثنوی می طلبد.



تحلیل تکنیکال

در هر بازاری رفتار اکثریت معامله گران مهمترین فاکتور برای تصمیم گیری میباشد از دیدگاه محض و ریاضی این رفتار تنها و تنها در قیمت نمود پیدا میکند و برای مشخص شدن تغییر قیمت در طول زمان ما نیاز به نموداری داریم که این تغییرات را نشان دهد و همه چیز در همین نمودار خلاصه می شود به همین خاطر به کسانی که شیفته تحلیل تکنیکال بازار هستند چارتیست هم میگویند.

سه اصل مهمی که تحلیل تکنیکال کلاسیک بر اساس آن استوار است به این شرح می باشد:

- ۱- قیمت در بازار حرف اول و آخر را می زند.
- ۲- قیمت در جهت روند حرکت می کند.
- ۳- تاریخ تکرار می شود.

در توضیح اصل اول باید گفت که در برخی موارد تمام شواهد و قرائن از نظر فاندامنرال بر بالا رفتن قیمت تاکید می کنند اما قیمت بر خلاف آن ها عمل می کند، و از قوانین خاصی تبعیت می کند

اصل دوم وجود نوعی اینرسی را در قیمت بیان کند به این مفهوم که قیمت میل به حفظ روند قبلی خود را دارد و اگر بخواهد تغییر روند پیدا کند این تغییر روند ناگهانی نخواهد بود بلکه به تدریج صورت خواهد گرفت.

اصل سوم به این مفهوم است که موقعیتی که در گذشته رخ داده است دوباره هم امکان رخ دادنش وجود دارد مثلا اگر قیمت طلا در دورانی به ۱۰۰۰ دلار به ازای هر انس (۳۱ گرم) رسیده و از آنجا نزول کرده بار دیگری هم که به این قیمت برسد ولو چند سال بعد باشد به احتمال زیاد نزول خواهد کرد.

برخی از تحلیلگران جدید این اصل را قبول ندارند و بر این عقیده هستند که همیشه اتفاقات جدیدی روی می دهد که موضعیتی متفاوت با گذشته را ایجاد میکند.

تفاوت اساسی رویکرد فاندامنرال و تکنیکی در اصل اول نهفته است، در واقع اگر همه انسان ها که در اینجا همان معامله گران هستند، احساسی عمل نمی کردند و محیط اطراف یکپارچه و مشابه بود، تحلیل فاندامنرال همیشه درست عمل می کرد.

ابزارهای تحلیل تکنیکال شاخص ها Indicators ، الگوهای نموداری Patterns ، و سیستم های ترید هستند. این ابزار روی نمودارها اعمال می شوند، در تحلیل تکنیکال نمودار عنصر اصلی است. میانگین متحرک Moving Average ، خط های حمایت و مقاومت و باندهای بولینگر همه مثال هایی از شاخص های تکنیکال می باشند.

برای موفقیت در بازار باید در هر دو زمینه تبحر کسب کرد، از اخبار سیاسی و اقتصادی مطلع بود، تحلیل گزارش ها و شاخص های اقتصادی راخواند و در واقع تریدر باید در جو بازار باشد. تحلیل تکنیکال بر خلاف ظاهر پیچیده ای که دارد ، مسلط شدن بر آن کار مشکلی نیست.

تحلیل تکنیکال خود محتاج کتاب جداگانه ای است و از آنجاییکه کتابهایی هم در این زمینه ترجمه شده اند، لذا بهتر است خوانندگانی که با تحلیل تکنیکال آشنایی ندارند به این کتابها مراجعه کنند.



روانشناسی ترید

مقدمه

روانشناسی یا به زبان دیگر خودشناسی برای یک تریدر نقش بسیار مهمی را ایفا می کند. تبعیت از قوانین ترید در نگاه اول کار بسیار ساده ای به نظر می رسد اما احساسات انسانی بسیار قدرتمندتر از آن هستند که به نظر می آیند و جای تاسف دارد که بسیاری از تریدرها که از پشتوانه علمی خوبی برخوردارند در این زمینه به بن بست میرسند. مهمترین احساسات دخیل در ترید ترس و طمع (Fear & Greed)

هستند. در این بخش در مواردی به خاطر وجود بار معنایی برای برخی کلمات تنها واژه لاتین را به کار می‌بریم.

بحث کامل در این مورد نیازمند کتاب یا کتاب‌های مستقلی می‌باشد. در واقع تبدیل شدن به یک تریدر یعنی کسی که از این راه به موفقیت می‌رسد، مثل هر حرفه دیگری نیاز به تلاش و گذراندن مراحل دارد که از هر شغلی مشکل‌تر است. در مشاغل دیگر همه چیز مشخص است، راه و مدت زمان پیمودن راه معلوم است اما در این حرفه تنها یکسری قواعد کلی وجود دارد و فرد باید از هوش و ذکاوت و مهم‌تر از همه پایداری خودش در این راه استفاده کند.

ترید پر زرق و برق‌ترین و هیجان‌انگیزترین کاریست که در دنیا وجود دارد این مساله باعث می‌شود که سالانه افراد بیشماری با رویای ثروت یک شبه به سمت این حرفه بیایند و چیزی حدود ۹۰ درصد از این افراد پس از زمان کوتاهی با سرخوردگی از آن خارج می‌شوند.

این کار با هیچ کار دیگری در دنیا قابل مقایسه نیست تنها باید یک *Burning Desire* در شخصی که میل به موفقیت دارد وجود داشته باشد و *Faith* نسبت به درست بودن هدف. بسیاری از کسانی که در نیمه‌های راه باز می‌گردند کسانی هستند که یکی از این دو را از دست می‌دهند. کسی که در راهی وارد می‌شود باید حاضر باشد برای موفقیت از همه

چيزش بگذرد اما همان ۹۰ درصد به خاطر عدم شناخت خيلي زود مي آيند و خيلي زود مي روند.

براي ترديد يا هر كار ديگر بايد يك چارچوب كاري كاملا مشخص وجود داشته باشد و هر ترديد بايد به تنهائي اقدام به ساختن سيستم و چارچوب كاري خود بکند.

ما در اينجا به تعريف استراتژي و سيستم مي پردازيم. يك سيستم يا يك استراتژي بايد شامل چند ويژگي مهم باشد:

- نقطه ورود مشخص: به اين مفهوم كه براي ترديد نقطه ورود به بازار و دليل ان معلوم باشد.

- حد ضرر: شما قبل از ورود به بازار بايد بدانيد كه حاضر به قبول چه مقدار ضرر هستيد و اين حد ضرر بر چه مبنايي در نظر گرفته مي شود.

- حد سود: در صورتيكه بازار در جهت دلخواه پيش رفت بايد سياسي را براي خروج از پوزيشن داشته باشيم. در برخي از سيستمها در همان ابتدا نقطه خروج مشخص است اما در برخي ديگر بسته به شرايطي كه پيش مي آيد براي اين مساله تصميم گيري مي شود.

- مديريت پول: سياسيهاي زيادي براي مديريت پول وجود دارند و يك استراتژي خوب از روش متناسب با خود بهره ميگيرد فرضا براي يك پوزيشن چقدر از كل سرمايه اختصاص داده شود يا اگر بازار در جهت مثبت حركت كرد

نیمی از پوزیشن را ببندیم ی حتی در صورت حرکت در جهت دلخواه به پوزیشن بیافزاییم. ممکن است سیستمی با یک مدیریت پولی بازده بسیار خوبی بدهد اما با یک سیاست پولی دیگر بسیار زیان ده شود لذا این مساله از اهمیت بالایی برخوردار است.

- مدیریت زمان: فرد باید بداند که ترید هم مثل هر کاری به نظم احتیاج دارد، در زمان مشخصی کار شروع می شود و در زمان دیگری هم به پایان میرسد. در انتخاب زمان باید به ساعات بازگشایی بازارهای مختلف دقت کرد.

- مدیریت انرژی: فرد برای ترید که هر لحظه با تصمیم گیری سرو کار دارد، به انرژی بسیار زیادی نیاز دارد لذا مدیریت انرژی اهمیت خاصی دارد. فرضا فرد در ساعاتی که خبری در بازار نیست و حجم بسیار پایین است با استرس چشمانش را به مونیتر میدوزد و منتظر وقوع معجزه است، در این حالت فرد از انظر انرژیکی تخلیه شده است و زمانیکه خبرها منتشر میشوند و بازار شروع به حرکت میکند، فرد توان تصمیمگیری و واکنش به موقع را ندارد و ضربه های زیادی را متحمل میشود.

- توجه به حجم: حجم در بازار فاکتوری بسیار اساسی به شما می رود اما در فارکس مرجعی برای مشخص کردن حجم وجود ندارد جز اینکه بدانیم درموقع انتشار اخبار حجم زیاد میشود و یا در نتیجه انتشار یک خبر یا مشخص شدن سیاست

مالي يك کشور، بازار به مدت چند روز تحت تاثير قرار ميگيرد.

اين ويژگيها براي هر استراتژي لازم و ضروري است با اينکه در برخي موارد سيستمهايي ديده ميشوند که فرضاً "حد زيان" ندارند يا اصلاً به "مديريت پول" توجهي نشان نمي دهند، اما نتيجه اين استراتژي ها در بلند مدت زيانبار است.

هر سيستمي دوره سود و دوره زيان دارد و فردي که به سيستم خود مطمئن است هميشه بر اساس ان عمل ميکند و با بينش خاصي در دوره زيان از ترديد دوري ميکند و در دوره سود به ترديد مي پردازد

گام های اساسي براي موفقيت در ترديد (و البته در هر کاري)

پذيرش مسئوليت کامل

براي يك تريدر موفق مسئوليت تامي اعمال و تصميمگيري هايي که انجام ميدهد تنها و تنها بر عهده خودش است. شما هيچگاه با تريدر موفقي روبرو نمي شويد که به خاطر اشتباهش فرد ديگري را سرزنش کند.

زمانیکه مسئوليت هر کاري را که انجام ميدهيد بر دوش خود بگيريد در واقع در را به روي هرگونه بهانه اي مي بنديد و هرگاه اشتباهي رخ داد به جاي اينکه به دنبال شانه خالي کردن

و سرزنش فرد دیگری باشید، اشتباه خود را خواهید پذیرفت و وقتی دلیل واقعی اشتباه را پیدا کردید دیگر هرگز آن را تکرار نخواهید کرد این مساله يك فرایند حیاتی برای هر تریدر موفق می باشد.

ایا می توانید تصور کنید که يك تریدر حرفه ای پس از يك زیان میلیون دلاری وضع کلی بازار را سرزنش کند یا از پیشنهاد های بروکر خود عصبانی باشد؟ به هیچ وجه.

حرفه ای ها وقتی که اشتباه میکنند يك سؤال مهم از خودشان می پرسند:

آیا من از قواعد خودم تبعیت کردم؟

اگر جواب مثبت باشد، شخص به دنبال اشکال موجود در قواعد کاری می گردد تا آنها را تصحیح کند، اما در اکثر موارد جواب این سؤال يك "نه" بزرگ است.

در صورتیکه جواب نه باشد تریدر باید به خودش پاسخگو باشد که: چرا من از قواعدم تبعیت نکردم؟ من چگونه می توانم جلو اینگونه اعمال را بگیرم؟ آیا ممکن است من دوباره مرتکب همین اشتباه بشوم؟

به این سؤال ها دقت کنید، چه چیز مشترکی در آنها هست؟ "من" این نشان دهنده پذیرش مسئولیت کامل عمل است.

به نظر تریدر های حرفه ای اگر کسی برای کارش لازم میدانند که از فرد دیگری نظر بخواهد همان بهتر است که ترید نکند. در واقع اگر شما برای کارتان سیستم و قاعده دارید و در طول زمان کارایی آنها را آزمایش کرده اید و به آنها اعتماد دارید دیگر چه فایده ای هست که از شخص دیگری در این زمینه نظری بخواهید جز اینکه عمل شما را دچار شك و تردید کند. در يك كتاب ژاپني به نام Fountain of Gold که در سال ۱۷۵۵ به نگارش درآمده است يکي از جملات مهم اینست: "Talk no evil" مفهوم این جمله اینست که وقتی در بازار تصمیم به انجام عملي گرفتني با هیچکس در این زمینه صحبت نکن .

خيلي از مردم ترجیح میدهند به آنها گفته شود چه کاری را انجام دهند و این یکی از دلایل اصلي شکست در بازار است.

"مسئولیت کامل هر تریدي را که انجام مي دهید بر عهده بگیریید و در غیر اینصورت به هیچ وجه ترید نکنید."

اگر قانون اول شما این باشد که از قوانین خودتان تبعیت کنید دیگر هیچ نیازی نیست که از شخص دیگری در این زمینه نظر بخواهید.

اگر هنوز هم حس می کنید برای ترید نیازمند نظر دیگران هستید:

- پوزیشن خود را ببندید

- قوانین و طرح ترید خودتان را بررسی کنید و ببینید چرا نیازمند نظر دیگران هستید

- هرگاه قانع شدید که می توانید و به تنهایی و قاطعانه تصمیم بگیرید وارد ترید شوید.

در ترید هر کسی باید قوانین شخصی خودش را بسازد، اشکال آنها را پیدا کند و به آن مجموعه قواعد که آن را سیستم مینامیم، کاملاً وفادار بماند.

یک سیستم دوره هایی از سود و زیان دارد ممکن است در طول یک ماه سود زیادی داشته باشد و در طول دو ماه بعدی سودی در بر نداشته باشد و یا حتی زیان ده باشد اما در بلند مدت برآیند سیستم مثبت باشد. تریدر حرفه کسی است که به سیستم خودش کاملاً اعتماد دارد و تنها بر مبنای قواعد آن سیستم عمل می کند و هیچ عمل احساسی خارج از قاعده از او سر نمیزند.

هرگاه این سؤال در ذهن شما ایجاد شد که: "ایا ضرر امروز من تقصیر این بازار لعنتی است؟" این سؤال را جایگزین کنید: "آیا من از قوانین خودم پیروی کردم؟"

از همین امروز مسئولیت تمام ترید هایی را که انجام می دهید برعهده بگیرید، به زودی می فهمید که ترید لذت بخش ترین کار دنیاست.

سیستم مناسب خودتان داشته باشید

هر تریدر موفق سیستمی دارد که متناسب با روحیات خودش است. سیستمهایی که وجود دارند مثل: بلند مدت، مکانیکی، تریدهای لحظه ای، ترید روزانه، اسکالپ (ترید در تمام فریم های بسیار پایین حتی تا ۱ دقیقه)، آربیتاژ (تشکیل سبدي از ارزها) و سبک های دیگر

نوع سیستم به خودی خود اهمیتی ندارد بلکه نکته مهم اینست که سیستم با شخصیت تریدر همخوانی داشته باشد.

ما در مورد تریدرهای بزرگی مثل Warren Buffet شنیده ایم که میلیون ها دلار از بازار سهام بیرون کشیده اند یا تریدرهای کوتاه مدتی که در یکسال ۲ میلیون دلار درآمد داشته اند یا شرکتهایی که بر اساس آربیتاژ میلیون ها دلار سود داشته اند همانطور که میبینید هیچ سیستمی بر دیگری ارجحیت ندارد بلکه مهم راحت بودن تریدر با سیستم خودش هست، کسی به این تریدرها نگفته است که شما این سیستم را انتخاب کنید بلکه آنها خودشان با آزمایش کردن سیستم های مختلف راه خود را پیدا کرده اند.

تریدرهای زیادی هستند که براساس مد روز سیستم ترید خودشان را انتخاب می کنند در حال حاضر مد روزترید روزانه است. اما این روش برای همه مناسب نیست شرط موفقیت در این سیستم اینست که شخص با نوسانات زیاد سازگار باشد و بتواند ساعت های متمادی در جریان قیمت ها باشد. تریدرهایی هستند که در این سیستم خوب کار میکنند اما افراد زیادی هم ظرف چند ماه حساب خود را به تلی از خاکستر تبدیل میکنند بدون اینکه بفهمند ترید روزانه برای انها مناسب نیست.

برای انتخاب نوع سیستم می توانید سئوالاتی را از خود پرسید:

- در سال چقدر انتظار برگشت سرمایه دارم؟
- آیا روحیه ترید کوتاه مدت را دارم؟
- آیا صبر و حوصله ترید بلند مدت را دارم؟
- من چگونه شخصیتی دارم؟
- چه کتابهایی را خوانده ام و کدام تریدر برای من تحسین برانگیز بوده است؟

هیچگاه بر اساس يك تصمیم سریع و احساسی با رویای يك شبه ره صد ساله رفتن، سیستمی را انتخاب نکنید و بعد هم

سعی بر این داشته باشید که وانمود کنید با سیستم هارمونی دارید.

برای پیدا کردن سیستم مناسب باید زحمت زیادی بکشید و روشهای مختلفی را آزمایش کنید هر قدر سیستم شما بر پایه محکمتری استوار باشد و در شرایط مختلف تست شده باشد میزان اطمینان و موفقیت بیشتر است و برعکس اگر اصول سیستم سست باشند دچار ضررهای سنگینی می شوید.

تریدرهای تازه کار اقدام به خرید جدیدترین نرم افزارها میکنند، مدام اخبار را دنبال میکنند و سرخودشان را شلوغ میکنند به امید اینکه نتیجه ترید بهتر شود، بدون آنکه بدانند کدام روش ترید برای آنها مناسب است. الگویی غلطی که مردم از یک تریدر در ذهن دارند يك فرد عصبي است که همیشه سرش شلوغ است و تازه کارها هم در ابتدا فکر میکنند باید اینگونه رفتار کنند. اکثر تریدرها کمتر از ۶ ماه دوام میاورند. تجربه نشان داده است کسی که بتواند دست کم ۲ سال در این بازار دوام بیاورد احتمال موفقیت و تبدیل شدن به يك حرفه ای را به شدت افزایش میدهد به این دلیل که در این مدت بارها شکست میخورد و سیستم خود را تصحیح میکند و قواعد کار را یاد میگیرد و می آموزد که ترید راه يك شبه ثروتمند شدن نیست.

از همین امروز این جمله را با صدای بلند به خود بگویید:

"من سیستم مناسب خودم را پیدا می‌کنم و در سیستم خودم بهترین خواهم شد."

به جلو حرکت کنید ایده‌های زیادی منتظر هستند تا شما خفتشان کنید.

طرح و اجرای ترید

برای انجام هر کاری قبل از اجرا نیاز به نقشه دقیق وجود دارد. در واقع ایجاد یک سیستم به معنی ساختن قوانینی برای طراحی یک ترید می‌باشد.

خیلی از تریدرها در آغاز تنها بر مبنای اینکه "حس" میکنند قیمت به بالا یا پایین خواهد رفت و بدوم هیچ دلیل دیگری اقدام به ترید میکنند بدون آنکه بدانند هدف پوزیشن کجاست یا استاپ آن در کجا قرار می‌گیرد. ورود به اینچنین پوزیشنی نقطه شروع شکست‌های بسیار سنگین می‌باشد.

در واقع ویژگی‌های یک سیستم خوب این هست که نقطه ورود مشخص داشته باشد، نقطه خروج مشخص باشد، میزان ریسک معلوم باشد برای مدیریت پول سیاست معلومی داشته باشد. وقتی همه اینها از قبل معلوم باشد دیگر هیچ نگرانی و استرسی برای ترید وجود نخواهد داشت.

قبل از اجراي يك ترید باید برای برخورد با هرگونه اتفاق احتمالي برنامه ریزی داشته باشید حتي برای چیزهایی که به ندرت اتفاق میافتند مثل قطع برق یا اختلال در ارتباط اینترنتی.

بارها این سؤال را شنیده ام که من فلان سهم را در فلان قیمت خریده ام آیا به نظر شما من این سهم را نگه دارم یا بفروشم؟ من در مواجهه با این سؤال از خودم می پرسم چگونه فردي میتواند اینگونه ترید کند؟ پس طرح او برای ترید کجاست؟

اگر این فرد استراتژی و سیستم مشخصی برای ترید داشت به هیچ وجه اینچنین سؤالی را نمی کرد.

البته بازار سهام در ایران هیچگونه مبنای علمی ندارد و تنها بر مبنای شایعات و جوسازی نوسان میکند سیالیت این بازار بسیار پایین است به همین خاطر جزء بازارهای معاملاتی سالم برای پیاده کردن قواعد ترید به شمار نمی آید.

زمانیکه جورج ساروس ۵۰ میلیون دلار در سهام شرکتی سرمایه گذاری میکرد دقیقاً می دانست که اگر قیمت از هر طرف حرکت کند چه واکنشی باید داشته باشد. آیا می توان تصور کرد که قیمت ۱۵ درصد پایین بیاید و تازه آن موقع يك تریدر حرفه ای از خودش بپرسد : حالا باید چکار کنم؟

هیچ فرقی ندارد که شما با یک حساب ۱۰۰۰ دلاری کار می کنید یا با یک حساب ۱۰۰ هزار دلاری، مهم اینست که سیستم و طرح خودتان را مو به مو اجرا کنید.

اگر می خواهید جز ۱۰ درصد برنده های بازار باشید باید برای هر تریدی طرح داشته باشید و با اراده ای آهنین تنها بر اساس همان طرح عمل کنید.

برای آموختن روش صحیح کار سخت تلاش کنید

آیا می توانید تصور کنید که پس از یک دوره یک هفته ای تبدیل به یک جراح مغز بشوید؟

بسیاری از مردم انتظار دارند که در زمان کوتاهی تبدیل به یک حرفه ای بشوند در صورتیکه هر کاری مستلزم عبور از مراحل مختلف می باشد. اگر این فرصت را داشته باشید که از یک تریدر حرفه ای سوال کنید که راهش را چگونه پیدا کرده است او درباره سختی ها، شکست ها، ناامیدی ها و مشکلاتی که با آنها روبرو بوده است برای شما خواهد گفت.

تریدر شدن آسان تر از پزشک یا وکیل شدن نیست پس باید آمادگی مواجهه با مشکلات سر راه را داشت.

موفق ترین افراد کسانی هستند که اولین انگیزه برای کارشان، علاقه شخصی آنهاست، اگر شما صرفاً و تنها با انگیزه ثروتمند شدن به خرید می‌پردازید شک داریم که بتوانید جزء ۱۰ درصد برنده‌ها در بازار باشید. البته پول انگیزه بسیار خوبی برای کار و تلاش بیشتر است اما اگر علاقه شخصی به کار وجود نداشته باشد این انگیزه با یکی دوبار شکست از بین می‌رود.

اگر تاریخچه زندگی مردان و زنان موفق را بررسی کنید در می‌یابید که همه و همه از مسیری پر پیچ و خم عبور کرده‌اند تا با سعی و خطاهای بسیار به موفقیت رسیده‌اند پس چرا ما فکر کنیم که متفاوت هستیم؟ آیا ما از آنها بهتر هستیم؟ همانطور که تبدیل شدن به یک وکیل حرفه‌ای سالها طول می‌کشد تبدیل شدن به یک تریدر حرفه‌ای هم مدتها به طول می‌انجامد.

اگر تازه کار هستید انتظار نداشته باشید بتوانید در ماه ۸۰ درصد بازده داشته باشید و هرکس هم اینچنین ادعایی بکند باید به عقل او شک کرد.

دو سال اول را در خرید به عنوان دانشجو هستید و بازار دانشگاه شماست. نخست باید خودمان را بشناسیم شخصیت خود را تحلیل کنیم و بفهمیم که با چه سبکی سازگار هستیم، مطالعه کنیم و سؤال بپرسیم.

در واقع باید از صفر شروع کنیم و سیستمی شخصی را بسازیم این قضیه ممکن است ماه ها و یا سالها به طول انجامد اگر این زمان برای شما خیلی طولانی به نظر می رسد از همین حالا ترید را فراموش کنید راهتان را جدا کنید ، در وقت و پول خودتان صرفه جویی کنید ، به دنبال کاری بروید که برایتان جاذبه دارد و حاضرید زندگیتان را صرف آن کار کنید.

اگر تا اینجا با خودتان کنار آمده اید و حاضر هستید که وقتتان را صرف این کار کنید به دنبال سیستم مناسب باشید و با انضباط کامل از قوانین خودتان پیروی کنید. در پایان هر روز و هر هفته کاری گزارش کار خودتان را تحلیل کنید این مساله کمک بسیار زیادی می کند تا اشکالات سیستم را برطرف کنید، هر تغییری که خواستید در سیستم ایجاد کنید تدریجی باشد نه یکباره تا بتوانید همه چیز را تحت کنترل داشته باشید.

همیشه سعی کنید بیشتر یاد بگیرید، هیچگاه فکر نکنید که دیگر نیازی به یادگیری ندارید چون بازار در طول زمان تغییر میکند و کسی که نتواند با تغییرات هماهنگ شود بازنده خواهد بود.

حتی تریدرهای بزرگ هم اشتباه میکنند. Jesse Livermore تریدری بود که در اوایل ۱۹۰۰ زندگی می کرد او یک تریدر بی همتا بود که یک حساب کوچک را تبدیل به میلیون ها دلار

کرد اما تمام آن سرمایه را از دست داد. از يك جنبه ديگر او تریدري بود که نتوانست بر احساسش غلبه کند ممکن است فکر کنید که این تجربه به قدری برای او دردناک بوده که دیگر آن را تکرار نکند، او دوباره شروع کرد و توانست در مدت کوتاهی پول از دست رفته اش را به دست بیاورد اما همه آن چیزی را که به دست آورده بود در يك ترید از دست داد. در اینجاست که زنگ خطر برای همه ما به صدا در میاید. هر کسی ممکن است اشتباه کند اما بدترین فاجعه برای کسی رخ می دهد که از اشتباهش درس نگیرد.

Livermore در استراتژی خود مدیریت مالی را در نظر نمیگرفت و همین موجب این وضعیت برای او شد. یادمان باشد حتی زمانی که تبدیل به يك حرفه ای شدیم همیشه اشتباه های خطرناک در کمین ما نشسته اند و تنها با مهار احساسات و منضبط بودن می توان از آنها جلو گیری کرد.

" اقتدار يك انسان در این نیست که هیچگاه بر زمین نیافتد بلکه شکوه و اقتدار يك انسان در این است که هر بار که بر زمین افتاد دوباره برخیزد."

چه زمانی برای تبدیل شدن به يك تریدر حرفه ای لازم است؟

جواب مشخصی برای این سؤال وجود ندارد اما در اینجا خطوط و راه کلی را بررسی میکنیم:

سال اول: در سال اول خواهید فهمید که آیا واقعا حاضرید برای این کار وقت و هزینه بگذارید و در جستجوی سیستمی هستید که ممکن است نتوانید از آن بازده بگیرید اما با آن راحت هستید.

کتابهای پایه ترید را مطالعه کنید اما اینطور نباشد که کتاب را برای رفع تکلیف بخوانید و با خود بگویید: "خوب بود" و کتاب را کنار بگذارید شاید لازم باشد یک کتاب را بارها بخوانید تا بتوانید بفهمید در ذهن نویسنده چه می گذشته است و دقیقا حس کنید که یک تریدر موفق در راه رسیدن به هدفش چند بار شکست خورده است.

در ابتدا از ابزارهای ساده استفاده کنید فقط خوب بازار آشنا شوید و حرکت ها را مشاهده کنید.

با مفاهیم ترید، روشها و سبک های مختلف ترید آشنا شوید.

یک حساب آزمایشی باز کنید و شروع به آزمودن روشها و مهمتر از آن آزمودن خودتان در موقعیت های مختلف کنید.

در پایان سال اول شما باید بدانید که آیا واقعا میخواهید تریدر باشید یا نه؟ اگر پاسخ شما نه بود با آن کنار بیایید به هر حال هر کسی را بهر کاری ساخته اند و اگر پاسخ آری باشد باید

بدانید کدام سیستم با شما سازگار است. از اینجا به بعد است که راه اصلی و جدی شروع می شود.

گذراندن این مرحله خیلی مهم است، تریدرهایی را می شناسم که بعد از سالها هنوز در نقطه آغاز هستند چون درست شروع نکرده اند.

سال دوم:

در سال دوم يك حساب كوچك در حد ۱۰۰۰ دلار باز کنید و با سیستم ابتدایی که تا به حال دارید شروع به کار کنید به یاد داشته باشید که احتمال بسیار بالایی برای از دست رفتن حساب اول هر تریدری وجود دارد ولی این حق را به خودتان ندهید که به سادگی همه چیز را ببازید به قول راجر واترز "Don't give in without a FIGHT":

به مطالعه ادامه دهید در سمینارها شرکت کنید با تریدرهای حرفه ای ملاقات کنید و از تجربیات آنها استفاده کنید.

سیستم خود را کامل کنید این را بدانید که هر سیستمی در شرایط خاصی از بازار بهترین بازده را دارد اگر دیدید که ۵ ترید موفق پشت سر هم اتفاق افتادو سپس ۳ ترید ناموفق آنها را تحلیل کنید و يك درك عمومي از بازار به دست بیاورید که چه زمانی نباید وارد بازار شوید تا از زیان به دور باشید.

به استراتژی و سیستم خود ایمان داشته باشید و دچار این وسوسه نشوید که: " همین یکبار این قانون را رعایت نمیکنم"

چون ممکن است در همان یکبار ضربه ای به شما وارد شود که برایتان گران تمام شود.

مدیریت سرمایه را به خاطر داشته باشید و بعد از چند ترید موفق و سوسه نشوید که حجم را بالا ببرید یا بعد از چند ترید ناموفق نا امید نشوید و به یاد داشته باشید که ذات بازار برد و باخت است مهم ایمان شما به استراتژی خودتان است.

خیلی ها ترید را با قمار اشتباه می گیرند قمار يك ريسك كور است که احساسات به شدت در آن دخالت دارند اگر شما بخواهید با حساب خودتان وارد قمار شوید مطمئن باشید که همیشه بازنده خواهید بود، اگر ببازید درصدد انتقام از بازار بر میآیید و باخت بزرگتری را رقم می زنید و اگر ببرید با سودای برد بزرگتر قمار بزرگتری می کنید و این دفعه همه چیز را خواهید باخت.

کار با این حساب کوچک به شما خواهد اموخت که واکنش شما به يك ترید موفق یا ناموفق چگونه است. دخالت هرگونه احساسات و بر هم زدن نظم سیستم به شکست خواهد انجامید. هیچ سیستمی وجود ندارد که ترید ناموفق نداشته باشد بعضی از تریدرها در جستجوی يك سیستم جادویی هستند که همیشه به آنها سود بدهد و شرکتهای زیادی از این قضیه استفاده می کنند و با وعده ها و گزارش های ساختگی سیستم هایی را با قیمت گزاف به تریدرهای تازه کار می فروشند.

سال سوم:

در سال سوم شما سیستم شخصی خودتان را ساخته اید و سودهای کوچکی از بازار می گیرید. اگر در این مدت هنوز احساس می کنید انضباط کامل برای پیروی از استراتژی خود ندارید باید برای برای منظم کردن خودتان وقت بیشتری را اختصاص بدهید.

سال چهارم:

اگر تا این مدت هنوز به ترید مشغول هستید و از این مراحل گذشته اید در حال حاضر شما سود خوبی از بازار کسب می کنید و به سویی حرفه ای تر شدن قدم بر میدارد و می دانید که برای بهتر شدن چه کاری انجام بدهید.

تریدر شدن را به مثابه گرفتن یک مدرک دانشگاهی فرض کنید، آیا حاضر هستید سالیانی از عمر خودتان را وقف این کار بکنید؟ اگر حاضر نیستید زیاد با خوتان کلنجر نروید چون در وسط راه خواهید ماند، اما اگر به این سوال پاسخ آری می دهید باید به راهنان ایمان داشته باشید و همه مشکلاتش را به جان بخرید.

هیچگاه گول سایتها یا افرادی را نخورید که به شما وعده میدهند با خرید فلان سیستم می توانید ماهی ۱۰۰ درصد بازده

داشته باشید چون اگر این سیستم ها اینگونه بودند تا حالا همه مردم دنیا ثروتمند بودند.

اعتماد به نفس

اعتماد به نفس جزء نکات مهم برای پیروی از یک سیستم میباشد یک تریدر حرفه ای می داند که انضباط داشتن در پیروی از سیستم نقش حیاتی دارد چرا که با یک اشتباه ساده می تواند همه آنچه را که به سختی به دست آمده است از دست بدهد.

انضباط در پیروی از یک سیستم بسته به اعتماد به نفس شخص و اعتماد او به سیستم خودش است.

اگر فرد ذره ای شک نسبت به سیستم خود داشته باشد هرگز نخواهد توانست از آن سیستم به درستی پیروی کند و این مساله دلیل اصلی شکست کسانی است که سیستمی را از شخص یا شرکت دیگری خریداری می کنند.

زمانی که سیستم از یک دوره ضرر عبور می کند (زیرا برای هر سیستمی وجود دارد) خریدار سیستم از آن صرف نظر می کند و به دنبال سیستم دیگری می گردد در صورتیکه تریدر حرفه ای که به خود و سیستم خود اعتماد کامل دارد و می داند که سیستم در شرایط فعلی بازار بازده ندارد صبر

میکنند و زمانی که شرایط مهیا شد دلارها را می‌کند و این در حالیه که تریدر تازه کار سیستم جدیدی را خریداری کرده است و بازهم در حال زیان است.

تا جایی که امکان دارد سیستم خود را در شرایط مختلف آزمایش کنید تا از آن مطمئن شوید. حتی بزرگترین تریدرها هم دوره‌های ضرر را در سیستم خود تجربه می‌کنند اما خم به ابرو نمی‌آورند چون می‌دانند که استراتژی در شرایط زیان هست.

همه می‌دانیم که جورج ساروس از بزرگترین تریدرهای است که جهان تا به حال به خود دیده است این مرد در دهه‌های ۸۰ و ۹۰، میلیاردها دلار از بازار درآمد داشت و همین مرد دوره‌هایی از زیان هم داشت، شرکت او در یک دوره بازده منفی داشت. آیا فکر می‌کنید این مساله برای او عجیب یا ناراحت‌کننده بود؟ ساروس می‌دانست که استراتژی او دوره زیان خود را می‌گذراند و باید با احتیاط منتظر تغییر اوضاع بود.

درست همانطور که مدتی پس از غروب، خورشید دوباره طلوع می‌کند پس از هر دوره زیان دوره سود دهی شروع می‌شود و این چرخه همچنان ادامه دارد. بیشتر تریدرها در دوره زیان یک استراتژی، آن را ترک می‌کنند و دوره سود دهی آن را از دست می‌دهند.

انسان چیزی را به دست می آورد که به آن باور دارد و خود را شایسته آن میداند. من با تریدرهایی مواجه شده ام که حساب خود را تا سطح خوبی مثلا فرض کنید یک میلیون دلار بالا برده اند و همه انرا از دست داده اند و بارها اینکار را تکرار کرده اند. در وجود انسان افکار ناخودآگاه فراوانی وجود دارد که گاهی او را از موفقیت باز میدارد یکی از این افکار نگرش منفی درباره ثروتمند شدن است، این حس که به خود تخریبی (Self Destruction) معروف است زمانی ایجاد می شود که فرد در یک قدمی موفقیت است در واقع او تاب و تحمل موفق بودن را ندارد به بیان دیگر او در ناخودآگاه خود را شایسته موفقیت نمی داند و این باعث می شود که در اوج موفقیت از فرد اعمالی سر بزند که برای یک فرد عادی تعجب آور باشد.

باورهای خود را درباره ترید به روی کاغذ بیاورید، خوب فکر کنید و هر آنچه درباره ترید در ذهن خود دارید بنویسید، آیا فکر میکنید ترید قمار است؟ آیا فکر میکنید هرگز برنده نخواهید بود؟ آیا به دست آوردن پول زیاد در مدت زمان کم برای شما پذیرفتنی است؟ فکر میکنید چه مدت زمانی برای موفقیت نیاز دارید؟

هرکس براساس باوری که از خود دارد رفتار می کند فرضا اگر شما به عنوان یک تریدر بر این باورید که برای کسب سود از بازار باید ساعت ها به مونیتر چشم بدوزید، گزارش

هاي مختلف را بخوانيد و به اخبار گوش دهيد به همين صورت هم رفتار خواهيد كرد و اگر در جريان ترید سود كلاني عايدتان شود به خاطر اين پيش زمينه فكري به احتمال زياد ان را به راحتی از دست خواهيد داد.

هميشه مساله و راه حل ان، در خود فرد نهفته است تریدر حرفه اي از اين مساله مطلع است و در طول دوران زيان به شدت مراقب افكار و اعمال خود هست .

مقدار حرکت قیمت مهم است نه مقدار پولي که سود يا زياني کرده ايد

مهم ترين چيزي که تا اينجا ميشود گفت اينست که:

از قوانيني که در طي زمان طولاني تست کرده ايد پيروي کنيد و همه چيزهاي ديگر را فراموش کنيد .

مشكلي خيلي از تریدرها در پيروي از سيستم خودشان با ان مواجه هستند اين است که در حين اجرائي پوزيشن دچار شك مي شوند، بگذاريد با يك مثال اين مساله را روشن تر كنيم:

فرد تريدي براساس استراتژي خودش طراحي ميكند فرض ميكنيم خريد ۱۰۰۰۰ سهم A به قيمت ۴۰۰ با حد زيان ۳۵۰ و حد سود ۶۰۰. حالا اگر قيمت از ۴۰۰ بالا برود و مثلا به ۴۵۰ برسد تا اينجا فرد ۵۰۰۰۰۰ سود کرده است در اين

موقعیت تریدر وسوسه می شود که همین سود را بگیرد و از بازار خارج شود، یعنی نقض استراتژی. اگر قیمت به ۴۴۰ برگردد تریدر های تازه کار که به سیستم خودشان اعتماد ندارند با عجله از بازار خارج میشوند اما تریدر حرفه این بازی را بارها تجربه کرده است سرانجام قیمت بالا می آید و به هدف مورد نظر میرسد. در این معامله تریدر تازه کار ۵۰۰۰۰۰۰ سود داشت در صورتیکه تریدر حرفه ای ۲۰۰۰۰۰۰ به دست آورد اینجا نقش Faer در دست دادن سود اندک روشن می شود.

حالا واکنش افراد را نسبت به کاهش قیمت بررسی می کنیم. اگر قیمت سهم A به پایین حرکت کند و به ۳۵۵ برسد تریدر حرفه ای بدون هیچ دغدغه ای منتظر واکنش بعدی بازار می ماند در صورتیکه تریدر تازه کار در این موقعیت کاملا اشفته می شود و به امید بالا رفتن قیمت حد زیان خود را پایین میکشد فرضا به ۳۳۰ تغییر میدهد قیمت پایین میاید و به ۳۳۵ میرسد تریدر حرفه ای با انضباط کامل در ۳۵۰ از بازار خارج میشود اما تریدر تازه کار هنوز به بالا رفتن قیمت امیدوار است و بازهم اقدام به پایین آوردن حد زیان به ۲۷۰ میکند. اما قیمت همچنان به پایین میرود و تریدر مجبور میشود در ۲۷۰ خارج شود به محض خروج قیمت به ۲۹۰ بر میگردد فرد با عجله و بدون توجه به شرایط و سیستم خود تنها برای بازپس گرفتن پول خود از بازار اقدام به خرید میکند اما قیمت دوباره کاهش می یابد و این دفعه فرد طرحی برای ترید

خود ندارد و يك جمله را با خود تکرار می کند: " قیمت باید بالا برود" اما قیمت در روند منفی خود به ۱۷۰ می رسد و سرانجام فرد نا امیدانه و با روحیه ای اشفته مجبور به خروج از بازار می شود. تریدر حرفه ای در این معامله ۵۰۰۰۰۰۰ زیان کرد اما تریدر تازه کار ۲۳۰۰۰۰۰۰ و این تاوان عدم اعتماد به سیستم و دخالت دادن احساسات در ترید هست و اینجاست که نقش Greed در همراهی با زیان حاصله مشخص می شود.

برای کنترل احساسات ترید را باید به صورت يك بازي در نظر گرفت که می خواهیم در آن امتیاز به دست می آوریم نه پول، چون پول سریعاً احساس فرد را تحریک میکند و برای وي بدست آوردن امال و ارزوهایش را تداعي میکند در مثال بالا زمانی که قیمت به ۴۵۰ میرسد فرد در ذهن خود سود به دست آمده را تبدیل به کالا میکند.

در موقعیت زیان ذهن فرد تازه کار نمی تواند زیان را قبول کند و به همین خاطر سعی در ماندن در بازار دارد با این امید و طمع که روند عوض شود.

هیچگاه ترید را به صورت برد و باخت نگاه نکنید، با يك ترید موفق خوشحال نشوید و با يك ترید ناموفق ناامید نباشد این را بدانید که مجموعه ای از تریدها هستند که نتیجه را می سازند پس نتیجه را در بلند مدت می توان مشاهده کرد.

درواقع عدم پیروی از استراتژی از جمله دردناک ترین اشتباه های یک تریدر می باشد که ضربات مهلکی را به حساب او و مهم تر از آن به شخصیت او وارد می آورد.

شخصیت، غرور و اعتماد به نفس یک تریدر مهمترین دارایی او به شمار میروند اجازه ندهید که با تکرار اشتباه های خود باعث از بین رفتن این سرمایه عظیم و غیر قابل برگشت شوید.

در بازار چیزی که برنده را از بازنده متمایز می کند دانش بیشتر نیست بلکه توانایی پیروی بدون استثنا از قوانین سیستم می باشد، تعداد تریدرهایی که دارای این توانایی هستند بسیار اندک است.

ترید برای زندگی نه زندگی برای ترید

ترید چه موفق و چه ناموفق شغل پر استرسی هست و شما به عنوان یک تریدر تا حد امکان باید از استرس بکاهید. شما هیچگاه تریدر پر استرسی که در کارش موفق باشد را نخواهید دید، برعکس آنچه عموم مردم تصور می کنند تریدرهای حرفه ای انسانهای بسیار آرام و با اعتماد به نفس بالایی هستند. تریدرهای تازه کار با به دست آوردن چندصد دلار از بازار بسیار هیجان زده می شوند در حالیکه یک حرفه ای میلیون ها دلار از بازار بیرون میکشد بدون اینکه تغییری

در حالات روحی او مشاهده شود در واقع همان قدر که ناامیدی شدید در اثر زیان نامطلوب است غرور و هیجانات شدید مثبت انگارانه نیز اثر کشنده ای برای یک تریدر به دنبال دارند.

برخی از تریدرها زمانیکه یک پوزیشن را اجرا میکنند چشمانشان را به مونیטور می دوزند و تغییرات جزئی قیمت را دنبال میکنند و دعا میکنند که قیمت در جهت دلخواه آنها پیش برود این عادت که ترک آن هم مشکل است بازی با احساسات است به نوعی که در همین حین بسیاری از اشتباه ها از فرد سر میزند به گونه ای که بعد از بسته شدن پوزیشن میفهد چه اشتباه محرز را مرتکب شده است.

افراد تازه کار یا حتی کسانی که مدت ها در بازار مشغول بوده اند هنوز در پس زمینه فکری خود می انگارند که می توانند جهت بازار را تغییر بدهند با حرص خوردن یا التماس کردن به بازار هیچ چیز عوض نمی شود. این طرز تفکر را میتوان به یک تماشاگر تلویزیونی فوتبال تشبیه کرد که چشمانش را به بازی دوخته است و با هر حرکتی دچار هیجان میشود هر گل زده برای تیم محبوبش، او را به شدت شاد میکند و هر گل خورده، او را غمگین و عصبی میکند. این هیجانات به حدی هستند که بارها در مورد سخته یا تشنج تماشاگران فوتبال خبرهایی را شنیده ایم. در واقع فرد به صورت ناخودآگاه فکر میکند که می تواند در بازی دخالت کند. در بازار وضعیت بدتر از این هم هست، فرد سعی میکند

در برابر بازار قرار بگیرد و حاضر نیست به هیچ وجه شکست را بپذیرد و همین قضیه او را دچار اشفته‌گی میسازد و میبینیم که چگونه به سادگی ممکن است در يك معامله کل حسابش را از دست بدهد.

تریدرهای حرفه‌ای از وقت ازاد خودشان استفاده زیادی می‌کنند. ورزش، تفریح، مسافرت و موارد دیگری که به بالا بردن کیفیت زندگی کمک میکند. البته شاید در آغاز این کار فرد استطاعت مالی برای مواردی که ذکر کردیم نداشته باشد اما يك پيك نيك ساده یا قدم زدن در يك پارک، رفتن به موزه سینما یا مهمانی و به نوعی تغییر محیط فکری کمک بسیاری میکند تا فرد بتواند به راحتی با استرس حاصل از کار روبرو شود. يك تریدر باید زندگی متعادل و منظمی داشته باشد و سعی کند همیشه در سطح بالایی از انرژی باشد.

یکی از مباحثی که در ورزش در موسیقی و در کلیه امور زندگی مطرح میشود "مدیریت انرژی" می باشد يك ورزشکار باید به گونه‌ای انرژی خود را به کار بگیرد که در پایان دچار کمبود نباشد. این مساله برای يك تریدر اهمیت حیاتی دارد، فرد از ابتدای روز به مونی‌تور خیره شده است و فرضاً در ساعت ۴ بعد از ظهر خبر مهمی منشر می‌شود و بازار حرکت میکند، در این زمان فرد از نظر انرژی‌کی در سطح بسیار پایینی هست و توان تصمیم‌گیری برای ترید را ندارد و

بسیار مستعد اشتباه هست همانطور که يك راننده خسته و خواب الود مستعد اشتباه هست.

تریدر در ابتدای روز کاری خود باید بداند که در چه ساعاتی از روز بیشتر به انرژی احتیاج دارد و به گونه ای کارش را تنظیم کند که دچار کمبود نشود.

موردی که از نظر روانشناسی اهمیت دارد این است که منظم بودن يك تریدر جزء اصول اولیه شخصی او بشود.

متأسفانه عموم مردم نظر خوبی درباره نظم ندارند و انرا به نوعی دست و پاگیر و رسمی می دانند و حتی در سطوح کلان اقتصاد و مدیریت این ضعف اساسی مشاهده می شود به همین خاطر میزان موفقیت و پیشرفت در جامعه ای همچون ایران ما بسیار کند است.

شاید کلمه نظم ما را به یاد صف های مدارس ابتدایی بیاندازد، به یاد ناظم و به یاد صبح زود بیدار شدن و به هر حال ریشه باورهای غلط درباره نظم هر چیزی که باشد، در رفع آن بکوشید چون با بی نظمی هیچ قله ای فتح نمی شود.

زمان خواب و بیداری و میزان خواب نقش مهمی در نظم و انرژی فرد دارند. نکته دیگر اینکه جریان خون مغز در آغاز روز کمتر از حد نرمال هست و دلیل خواب الودگی فرد در صبحگاه به این مساله مربوط می شود لذا نرمش حتی در حد کم می تواند به این جریان کمک کند.

استحمام صبحگاهی نیز نقش بسیار مثبتی در شادابی فرد دارد.

تغذیه از نقطه نظر انرژی بسیار مهم است در اینجا ما به جزئیات این مساله مهم نمی پردازیم اما سعی بر این باشد که وعده های غذایی هر روز در ساعات مشخص قرار بگیرند .

زمان شروع و پایان کار شما باید مشخص باشد و هرگز قبل و بعد از این ساعات به ترید نپردازید.

رعایت همین نکات ساده به طور مداوم نظم را به زندگی شما خواهد آورد و انگاه است که کار و زندگی برای شما به مانند سواری بر روی امواج دریا لذت بخش خواهد شد.

يك حرفه اي براي ريزترين مسائل زندگي خود برنامه دارد: مسافرت، مهماني، نوع و ميزان غذا، سكس، لباسي كه مي پوشد، قلمي كه با ان مي نويسد، مكاني كه در ان تريد ميكند و خيلي چيزهاي ديگر. شما هم با نظم كم كم به اين سمت سوق خواهيد يافت. در ابتدا هماهنگ کردن این موارد کمی مشکل است اما همه چیز با گذر زمان به صورت عادت در می آید.

روند کاری ترید در کل اینگونه است:

__ ساختن يك سيستم و ازمايش ان.

__ پیروی محض از قوانین سیستم.

__ به صورت عادت درآوردن قواعد سیستم.

مواردی که تا اینجا ذکر شد باید بارها خوانده شود و بارها هم تجربه شود تا به صورت یک عادت در بیاید، در واقع عادت عملی است که نیاز به فکر و تصمیم ندارد شما می توانید هر کاری را که بخواهید به صورت عادت درآورید، بدون نیاز به صرف انرژی و رها از هرگونه استرس به ترید پردازید.

این را بدانیم که: "موفقیت حاصل به صورت عادت درآوردن رفتارهایی مشخص است."

در قسمت قبلی به صورتی کلی به مراحل کلی که یک تریدر از آنها عبور میکند، پرداختیم. دانستیم که احساسات در طول ترید دشمن اصلی یک تریدر هستند و برای موفق شدن باید رفتارهای مشخصی را به صورت عادت درآوریم. در اینجا به گونه ای دقیق و موشکافانه رفتار و فیزیولوژی انسانی را بررسی میکنیم .

هرگونه احساسات و حالت روحی یک انسان در فیزیولوژی او ریشه دارد و فرد با شناخت بدن خود می تواند کنترل و بهره گیری بهتری از توانایی هایش داشته باشد.

در ادامه ترجمه ازاد فصل هاي ۱۱ و ۱۲ از شاهکار اقای Bill Williams به نام Trading Chaos را می آوریم. که حاوی مطالب بسیار مفیدی در این زمینه می باشد. تجارب شخصی ما نیز در لابه لای این مطالب آورده شده است.

هدف: رابطه بین شخصیت تریدر موفق و ویژگی های بازار

"پیروزی حرکت در مسیری است که کمترین مقاومت وجود دارد."

در بازار باید بستر حرکتی را شناخت و براساس آن حرکت کرد حال آنکه بسیاری از تریدرها براساس آنچه حقیقت می پندارند ترید می کنند نه براساس آنچه که هست. سخت ترین چیزی که همه انسانها در زندگی با آن روبرو هستند همین مساله هست.

یک حرفه ای در هر کاری که باشد به بینش دست پیدا میکند و این نکته او را از بقیه متمایز میسازد. تریدر حرفه ای یک نوع همزاد پنداری بین خود و بازار حس میکند و بازار را به عنوان یک موجودیت جدا از خود نمی بیند، در واقع خود را به عنوان جزئی از یک ارگانیزم بزرگ به نام بازار میداند.

دو مساله در اینجا مورد بررسی قرار میگیرد:

- بدن چگونه شیوه ترید را تحت تاثیر قرار میدهد.

- چگونگی فعالیت مغز در هنگام ترید.

حرکت بازار تحت تاثیر میلیون ها فرد با میلیون ها تفکر قرار دارد و حرکت ان در جهتي است که تفکر غالب بخواهد. براي مثال در يك استادیوم فوتبال براي ایجاد يك موج مكزيكي هر فرد در زمان خاص حرکتي را انجام میدهد و در کلیت ما شاهد يك حرکت چشمگیر هستیم. در واقع يك فرد در این میان نمیتواند خللي در حرکت غالب به وجود بیاورد اما براي همراهي با موج باید بداند که چه زماني حرکت لازم را انجام دهد.

در قسمت هاي بعد خواهیم دید که ترید نوعي بازي جامعه شناختي در سطح بازار و نوعي بازي روانشناختي در سطح فرد مي باشد.

کارکرد زیربنایی بازار ارتباطات میباشد، ارتباط خریداران و فروشندگان و ارتباط افراد با شخصیت خود.

مبانی ارتباطات انسانی

از آنجاکه بازار از ارتباط انسانها با یکدیگر به وجود می آید يك سري از ویژگیهاي شخصیت انسانی را میتوان در بازار مشاهده کرد. در این میان سه اصل بسیار مهم وجود دارد.

۱- نود درصد هر آنچه که می شنویم دروغ است.

در واقع چیزی را که می شنویم در بیشتر موارد با منظور گوینده متفاوت است.

فکر تحت تاثیر ترس، امید یا دیگر احساسات قرار میگیرد.

فرض کنید با مدیر خود صحبت میکنید و او از شما می پرسد: از موقعیت خود راضي هستید؟ شما ممکن از شغل و مدیرتان دل خوشي نداشته باشید اما با این حال این پاسخ را به مدیر نمیدهید: من از شما و شرکت شما متنفرم! شما گفتارتان را به گونه اي تغییر میدهید که فکر میکنید براي وي قابل قبول باشد. ما روشهاي ارتباطي خود را بسته به شرایط تغییر میدهیم فرض کنید شما به همسرتان میگویید: "وقتي به چشمانت مي نگرم زمان از حرکت باز مي ایستد" این جمله را به این صورت هم میتواند بگوید: "تو نگاهی داري که ساعت رومیزی را از کار مي اندازد" مسلماً واکنش به این دو جمله یکسان نیست.

در برخی موارد با جدا پنداشتن جزئی از بدن ارتباط با خود را نیز تغییر می‌دهیم برای مثال در اغلب موارد می‌گوییم: "سرم در می‌کند" به جای اینکه بگوییم: "به فلان دلیل سردرد دارم". موارد معادل در ترید برای عدم قبول مسئولیت به این صورت است: "بروکر من پیشنهاد کرد فلان ارز را بخرم" یا "استوکستیک (یک شاخص تکنیکال) گفت خرید کنم و باز هم اشتباه کرد".

اینها راه‌های ساده برای طفره رفتن از قبول مسئولیت است.

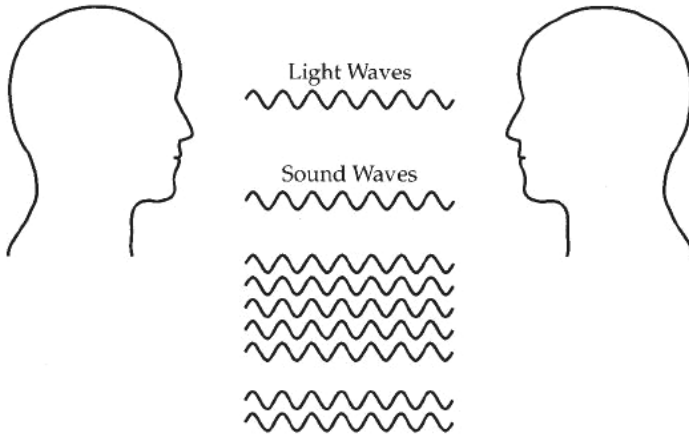
راه دیگر تغییر روابط، تغییر در کلماتی است که به کار می‌بریم برای مثال فعل فهمیدن را در نظر بگیرید. پیش می‌آید که فردی می‌گوید: "من این بازار را نمی‌فهمم". منظور واقعی او اینست: "این بازار تحت کنترل من نیست" یا شنیده می‌شود که مادری به فرزندش می‌گوید: "من نمی‌فهمم تو چرا این کار را می‌کنی" منظور اصلی او اینست: "من نمیتوانم تو را کنترل کنم".

در قبول این اصل که نود درصد روابط گفتاری دروغ است و آنچه مینماید نیست، خودتان را بررسی کنید و ببینید چقدر در بیان افکار واقعی خود با دیگران و نسبت به خود صادق هستید.

۲- يك دروغ را نمیتوان پنهان كرد.

پندار كلي اينست كه رابطه از دو كانال سمعي و بصري صورت ميگيرد در صورتيكه كانال هاي ديگري براي ارتباط وجود دارند درواقع هرچيزي كه به بدن مربوط مي شود مي تواند نشانه ارتباطي باشد. دروغ سنجها تنها كانالهاي محدودی را بررسی می کنند و به همین خاطر در دادگاه نمیتوان به آنها استناد کرد.

بهترین دروغ سنج خود فرد است، وقتی كه بدون تعصب گوش فرا میدهد. گاهي اوقات از این توانایی به "الهام" تعبیر می شود. اگر من به شما دروغی بگویم ممکن است ابروهایم حالت خاصی بگیرد، شانه هایم را بالا بیاندازم، زانویم را خم کنم، لبخند بزنم، نفس عمیق بکشم یا هر نشانه فیزیکی دیگری كه نشان دهنده غیر صادق بودن من باشد به این نشانه های رفتاری Nonverbal Messages گفته می شود.



مثال دیگری که در مورد مردان وجود دارد اینست که در مواردی که با فردی بحث میکنید اگر مشاهده کردید که او سرش را به یک طرف خم کرد و با دست راستش (اگر راست دست باشد) شروع به خاراندن چانه اش کرد، او آماده پذیرش یا تسلیم در بحث هست اما در گفتار کمی مقاومت میکند.

ما نمی توانیم یک دروغ را یا تمام اجزا بدنمان بگوییم. به گفته کارل یانگ: "اگر می خواهید رفتار انسانها را بشناسید این را بدانید که همه ما دو زبان داریم یکی در دهان و دیگری در کفتمان، برای فهمیدن طرف مقابل باید بدانید او با کدام زبان با شما سخن میگوید."

به بیان دیگر آنچه انسان در رفتارش بروز می دهد خیلی صادقانه تر از گفتار اوست.

۳- مردم همیشه درباره خودشان حرف میزنند.

اگر من به شما بگویم این اتاق گرم است، من درباره وضعیت اتاق با شما سخن نگفته ام بلکه درباره سیستم عصبی خودم صحبت کرده ام یا اگر بگویم چه دختر زیبایی، در واقع درباره استاندارد خودم از زیبایی صحبت کرده ام نه درباره یک دختر.

همبستگی اصول ارتباطات انسانی و بازار

همانطور که می دانیم بازار موجودیت جدایی ندارد بلکه متشکل از هزاران انسان است و به تبع از اصول یاد شده درباره روابط انسانی پیروی میکند.

۱- نود درصد آنچه در بازار می شنویم دروغ است.

وقتی شما گزارش بلومبرگ را می خوانید یا به اخبار CNBC گوش فرا میدهید به یاد داشته باشید که تحلیلگر برای کارش حقوق می گیرد و باید چیزی برای گفتن داشته باشد که چرا فلان سهم بالا رفت یا فلان ارز بالا رفت و تقریباً نود درصد آنچه که آنان میگویند آن چیزی نیست که در بازار اتفاق می افتد آنها نمیدانند دقیقاً در بازار چه اتفاقی روی داده است حال چگونه میتوانند تحلیلی برای آن داشته باشند.

۲- بازار هیچگاه نمی تواند دروغ بگوید.

"سهام بالا می روند به این دلیل که بالا می روند" به این جمله خوب دقت کنید. ممکن است از نظر فاندامنتالی خبری اعلام شود و قیمت در جهت عکس انتظار حرکت کند، تریدرهای تازه کار در اینجا به این فکر میافتند که بازار دروغ میگوید و قیمت برمی گردد در حالیکه آنها هستند که به خود دروغ میگویند.

دو فاکتور مهم در بازار حرکت قیمت و حجم است، همراهی این دو فاکتور روندی را شکل می دهد البته ما در فارکس امار دقیقی از حجم نداریم و باید از کانالهای دیگری مانند زمان انتشار اخبار مهم یا میزان حرکت قیمت در واحد زمان، به میزان حجم پی ببریم.

۳- بازار تنها درباره خودش حرف میزند.

فکر اکثریت در بازار، جهت حرکت را مشخص می کند و اینکه شما فکر کنید قیمت باید پایین بیاید هیچ دردی را دوا نمیکند.

بازار نمیداند که شما در معامله قبلی سود کرده اید یا زیان و در هنگام ترید چه حسی دارید، مطمئن باشید بازار با شما دشمنی ندارد و انقدر بزرگ است که من و شما هم نمی توانیم در آن دخالتی بکنیم، بازار راه خودش را میرود و اینکه بتوانیم از آن سواری بگیریم به خودمان بستگی دارد.

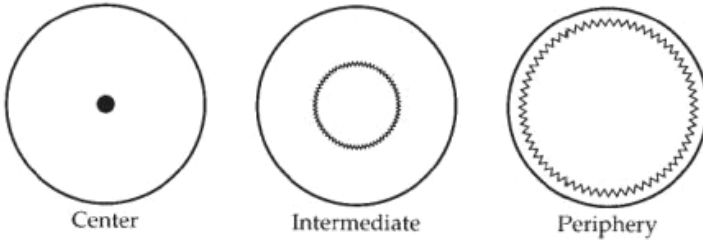
چگونه ساختار فيزيکي شما بر تريت تائير مي گذارد.

در اين بخش به نقطه اغاز حيات ارگانيزم زنده اي به نام انسان مي پردازيم.

بزرگترين سلول انساني تخمک و کوچکترين سلول اسپرم مي باشد. هنگاميکه تخمک به يك اسپرم اجازه ورود به ديواره خارجي خود را مي دهد و بارور مي شود، نوعي واکنش انرژي زا انجام ميگيرد. اين انرژي بطور مساوي توزيع نمي شود بلکه بيشتر در يکي از اين سه منقطه متمرکز ميشود:

- ۱- در مرکز که به اين حالت Endosperm گفته مي شود.
- ۲- بين مرکز و ديواره بيروني که به اين حالت Mesoderm گفته مي شود.
- ۳- در نزديکي ديواره تخمک که به اين حالت Ectoderm گفته مي شود.

شکل زیر این سه حالت را نشان میدهد.



این مساله که انرژی در کجا متمرکز می شود تا حدی مشخص کننده آنست که فرد در بزرگسالی دارای چگونه اندامی خواهد شد.

اگر انرژی در هسته متمرکز شود فرد دارای اندامی فربه خواهد شد.

در صورتیکه انرژی در میانه قرار گیرد فرد در بزرگسالی دارای اندامی ماهیچه ای خواهد شد.

در حالتیکه انرژی در نزدیکی دیواره متمرکز شود شخص ظریف و لاغر اندام خواهد شد.

در پزشکی سه اصطلاح برای اندامهای متفاوت وجود دارد
Endomorph, Mesomorph, Ectomorph

در واقعیت ما همه فاکتورهای هر کدام از این سه حات را داریم اما گرایش به یکی از این حالتها بیشتر است مثلا شما ممکن است بین دو حالت Mesomorph, Ectomorph باشید اما بیشتر به یکی از این دو نزدیک تر هستید.

براي مثال اگر مقدار سطح پوستي يك انسان نسبت به وزنش را در نظر بگیريم شخص لاغر اندام بیشترین مقدار سطح پوست به وزن را دارا مي باشد و این مساله باعث مي شود که نسبت به محیط از بقیه حساستر باشد.

هنگامیکه این سه تیپ به نمودار قیمت نگاه میکنند سه دیدگاه مختلف دارند. قبل از بررسی بیشتر به جزئیات دقیقتری از این سه تیپ می پردازیم.

در شکل زیر برای هر تیپ يك صفت را برگزیده ایم. برای Endomorph حجیم، برای Mesomorph قوي ، برای Ectomorph سریع. اگر بخواهیم سه حیوان را سمبل سه تیپ شخصیتی در نظر بگیریم فیل برای اولی، خرس برای دومی و اهو برای سومی در نظر گرفته می شوند.

		
(Endomorph)	(Mesomorph)	(Ectomorph)
GASTRO-INTESTINAL	VASCULAR-MUSCULAR	SKIN-NERVES
BULK	STRENGTH	SPEED
Sociable Physical Comforts Important Needs People Cries Easily Usually Honest with \$ Admires Willpower	Physical Adventure Energetic Bold Agressive Competitive Likes Rare Steaks	Keeps Emotion Inside Likes Silence Poor on Routine Wants Security Good Persistence Dreams a Lot
(Drinking—becomes friendlier)	(Drinking—wants to fight)	(Drinking—wants to sleep)
Responds to:	Responds to:	Responds to:
FEELING COMFORTABLE IN MIND AND BODY	A CHALLENGE	FEELING WORTHY

به دلیل ساختار متفاوت فیزیکی هر کدام از سه تیپ حساسیت خاصی دارند. برای مثال زمانیکه شخص چاق به دکتر مراجعه می کند احتمال بالایی وجود دارد که مشکل گوارشی و روده ای داشته باشد. شخص Mesomorph بیشتر از مشکلات قلبی یا ماهیچه ای رنج میبرد و شخص Ectomorph بیشتر دچار مشکلات پوستی یا مشکلات عصبی می باشد. در واقع کلید اصلی تفاوت در نسبت چته به پوست نهفته است.

این سه تیپ محرك های انگیزشی متفاوتی دارند. برای فرد چاق راحتی بسیار مهم است. يك فرد چاق را زیر نظر بگیرید، او در هنگام نشستن یا راه رفتن سعی میکند بسیار راحت به

نظر برسد. این تیپ ادمها در کارها اسان ترین راه را انتخاب می کنند و در ترید هم قضیه صادق است.

Mesomorph ها به گونه ای دیگر عمل میکنند. انها در برخی موارد به دنبال دردرس می گردند.

معمولا ورزشکاران در این دسته قرار میگیرند چیزی که باعث رضایت خاطر انها می شود مجادله است. همیشه به دنبال اثبات خودشان هستند و در جستجوی مجادله، رهبران بزرگ در زمره این افراد هستند.

Ectomorph ها در جستجوی شایستگی هستند و کارهایی را انجام میدهند که نشان دهنده شایستگی آنان باشد به نوعی می توان گفت شهرت برای انها اهمیت ویژه ای دارد. انها در انجام کارهای تکراری معمولی هستند اما در کارهای پروژه ای یا کارهایی که به خلاقیت فردی نیاز دارند بسیار عالی عمل میکنند.

هیچکدام از این سه حالت خوب یا بد نیستند و نسبت به یکدیگر برتری ندارند. بدن ما سخت افزاری است که با ان متولد میشویم و لازم است به جایی اینکه دائما افسرده و ناراضی باشیم، بهترین روش استفاده از سخت افزار خود را یاد بگیریم.

همانطور که ذکر شد تیپ های مختلف به شیوه های مختلفی اطلاعات را تحلیل می کنند و به دلیل حساسیت های متفاوت، یک تریدر حرفه ای محیطی را که در ان راحتتر است پیدا

میکند. برای مثل يك تريدر چاق محیط راحتی برای کار می خواهد صندلی مناسب، تهویه مناسب، نمایشگر راحت و بزرگ و سایر مسائلی که با آنها احساس راحتی کند.

هر يك از سه تیپ ذکر شده میتوانند در ترید موفق باشند تنها مساله این است که فرد خود را بشناسد و محیط را برای خود فراهم کند، به کوچکترین سیگنالهایی که از بدنش دریافت می کند پاسخ دهد و در مقابل خودش مقاومت نشان ندهد.

به صورت تجربی میتوان گفت انعطاف بدن در انعطاف و سرعت انتقال ذهن تاثیر مستقیمی دارد. هر چقدر بدن شما منعطف تر و شاداب تر باشد مغز نیز به همان میزان منعطف و شاداب خواهد بود.

وقتی شما يك ابزار مهم خریداری می کنید سازنده به شما يك دفترچه راهنما میدهد که براساس آن بتوانید بهترین استفاده را از دستگاه خود صورت دهید. اما شما برای مهمترین سخت افزاری که همیشه با آن سر و کار دارید هیچ راهنمایی ندارید و خیلی از افراد حتی به فکر این مساله هم نمی افتند و این در حالیکه این سخت افزار نقش اساسی در موفقیت فرد در ترید دارد.

در بخش بعدی به مسائلی می پردازیم که رعایت آنها می تواند به هماهنگی بیشتر بین فکر، عملکرد، دانش و برنامه ریزی ذهنی، کمک کند.

مغز انسان

اولین نکته در این زمینه اینست که ما یک مغز ندارم بلکه سه مغز داریم: مغز سمت چپ، مغز میانی و مغز سمت راست.

در مغز سمت چپ (که در حال خواندن این خطوط است) دو بعلاوه دو مساوی چهار می شود.

این منطق در حالت کلی یا در سطح مکانیک کوانتوم نادرست است.

قوانین حساب درست هستند تنها به این دلیل که ما آنها را درست نامیده ایم و به عنوان حقیقت غیرقابل انکار از آنها یاد می کنیم. اگر از یک فرد بالغ بپرسید که چرا $2+2=4$ در جواب می شنوید: "به این دلیل که هست." و اگر از یک کلاس دومی این سؤال را بپرسید، او خواهد گفت: "چون معلم اینطور گفته است."

کلمات و مفاهیمی که ما استفاده می کنیم تلاشی برای قابل فهم کردن جهان اطراف است و در این جریان، این واقعیت است که گم میشود.

به بیانی دیگر همه انسانها از دنیای اطرافشان نقشه برداری میکنند. احساس ما درباره دیگران، تفکر ما درباره جهان اطراف و بازار همه و همه فرایند نقشه برداری و شناخت محیط اطرف هستند. فرضا زمانی که می گوئیم بازار امروز

روند صعودی یا نزولی دارد، تصویری از بازار می‌سازیم که فهم آن برای ما راحتتر باشد.

در هوانوردی درس بسیار مهمی که در ابتدا به خلبان اموخته می‌شود اینست که قبل از نگاه به نقشه، منطقه پرواز را با چشم شناسایی کند. این مساله هنگامیکه خلبان موقعیت خود را گم میکند بسیار حیاتی است چون در اینچنین حالتی از روی نقشه نمی‌توان موقعیت را پیدا کرد بلکه خلبان باید با علائمی که قبلا در منطقه بخاطر سپرده است موقعیتش را پیدا کند. این قضیه در پرواز به قیمت جان و در ترید به قیمت آینده و اعتبار فرد تمام میشود. این اصل را به خاطر بسپاریم :

"هرگز قبل از شناخت منطقه (بازار) به نقشه نگاه نکنید."

نتایج تاسف باری درباره ترید براساس نقشه وجود دارد.

Market Profile روشی بود که در دهه ۸۰ به شدت مورد توجه قرار گرفته بود. تریدرهای زیادی فکر میکردند که يك سیستم جادویی ابداع شده و میتواند رفتار بازار را به راحتی پیش بینی کند.

پولهای هنگفتی در راه استفاده از این نقشه بریاد رفت. مشکل اینجا بود که این سیستم براساس امار پارامتریك (خطی) و مفاهیم منحنی توزیع نرمال بنا شده بود. و این در حالی است که مفاهیم توزیع نرمال و انحراف استاندارد نمیتوانند رفتار

اشوب گونه بازار را به درستی تحلیل کنند و در نهایت ما با این نقشه در بازار گم میشویم و سرانجامی تلخ خواهیم داشت.

در جهان خطی علت و معلول کاملاً قابل پیش بینی هستند، اگر نیرو و جهت علت معلوم باشد اثر و معلول آن به راحتی پیش بینی می شود. اما در جهان غیرخطی این رابطه وجود ندارد و همین مساله هست که سیستمهای فاندمنتالی، اقتصادی، مکانیکی، تکنیکالی هیچکدام بطور پیوسته سود آور نیستند.

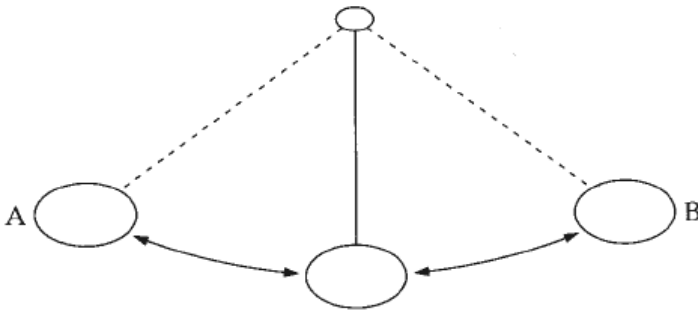
از آنجا که علت و معلول در سیستم غیر خطی رابطه مستقیمی ندارند، تنها کار لازم در یک سیستم غیر خطی تکرار و بازخورد و اصلاح است.

ساختار خطی که بسیاری از انسانها از آن تبعیت میکنند و ما انرا ساختار نوع اول می نامیم دلیل بسیاری از ناموفقیتهای می باشد. برای توضیح مثالی می زنیم :

سارا یک تریدر تازه کار است امروز پوزیشنی را باز میکند و استاپ کمی برای آن در نظر میگیرد بازار در خلاف جهت حرکت میکند، پوزیشن استاپ می شود و بازار برمی گردد و در جهت دلخواه پیش میرود. در این موقعیت سارا تصمیم میگیرد از این به بعد استاپ را بیشتر در نظر بگیرد در پوزیشن بعدی بازار در خلاف جهت حرکت میکند و باز هم پوزیشن استاپ می شود و بازار در خلاف جهت به حرکت ادامه میدهد. سارا از تغییر استاپ پشیمان می شود و در

پوزیشن بعدی استاپ را کم میکند و این روند همچنان ادامه دارد.

این رفتار را رفتار پاندولی یا ساختار نوع اول می نامند. فرد بعد از يك شکست تغییری کلی در سیستم ایجاد میکند و بعد از شکست دوباره به موقعیت اول باز میگردد و برای همیشه بین این دو موقعیت می ماند.



انسانهای ناموفق همیشه بین غم و شادی در نوسان هستند و هر اتفاقی می تواند آنها را تحریک کند.

برای شناخت دقیقتر این اتفاقات به ساختار مغز انسان براساس تقسیم بندی سه گانه (سمت چپ، مغز میانی، و سمت راست) می پردازیم.

نیمکره چپ

شما برای خواندن این کتاب و هر کتابی از نیمکره سمت چپ مغز خود استفاده می کنید. این بخش از مغز تنها بخشی است که ساعتی از شبانه روز را در خواب به سر می برد. نیمکره سمت چپ کندترین بخش مغز است طراحی این بخش براساس پردازش سری می باشد و تقریباً در هر ثانیه کمتر از ۱۶ بیت اطلاعات را پردازش میکند. این محدودیت از محدودیت سرعت انتقال سیگنالهای عصبی در سیستم اعصاب، نشأت میگیرد.

زمانیکه شما صحنه ای را میبینید نور محیط وارد چشم و شبکیه می شود، در آنجا تبدیل به سیگنال عصبی میشود و به وسیله اعصاب بینایی به قسمت پشتی سر منتقل می شود، اطلاعات مرتب می شوند و به قسمت میانی مغز فرستاده می شوند و در اینجا است که اطلاعات تفسیر می شوند و ما متوجه صحنه می شویم این فرایند تقریباً ۱/۱۶ ثانیه به طول می انجامد.

در واقع ما هیچگاه زمان حال را نمیبینیم و هر آنچه میبینیم ۱/۱۶ ثانیه قبل اتفاق افتاده است. این وقفه ما را قادر می سازد که فیلم یا کارتون را به صورت حرکات پیوسته ای ببینیم. چیزی که در صفحه نمایش وجود دارد عکس های ثابتی هستند که با سرعت ۳۰ فریم در ثانیه نشان داده می شوند، ذهن ما قادر به پردازش جداگانه این عکسها نیست و

در نتیجه آنها به صورت يك تصوير متحرك ديده مي شوند. در واقع حرکت در مغز ما ساخته مي شود نه در صفحه تلویزیون.

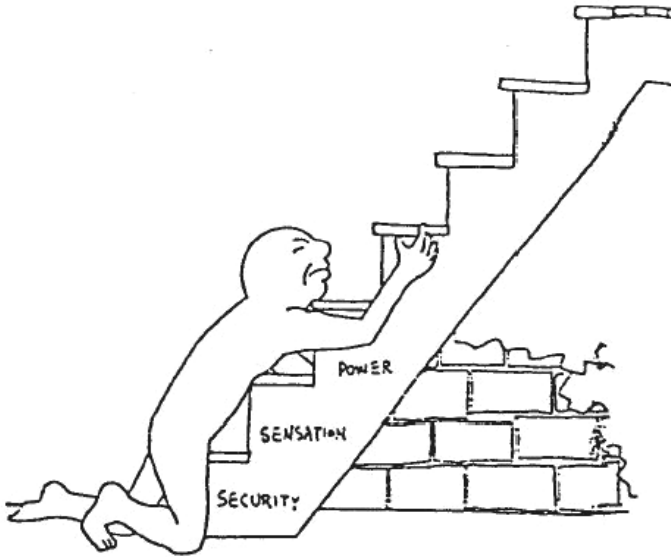
هدف بیولوژیکی نیمکره سمت چپ مغز تحلیل، طراحی کردن نقشه و تصمیم گیری درباره اینکه مثلا چه موقع وارد بازار شویم، مدیریت پول و زمان چگونه باشد و مسائلی از این دست.

این قسمت عملکرد طراحی دارد نه عملکرد اجرای تصمیم، اینکه چه تصمیم می گیریم در این بخش انجام میشود اما اینکه چگونه آنرا اجرا کنیم کار نیمکره چپ نیست.

اگر شما تنها این بخش از مغز را داشتید هرگز نمی توانستید سوار يك دوچرخه شوید یا از اتاقی که در آن نشسته اید خارج شوید. نیمکره چپ مغز توانایی محدودی دارد مثلا زمانیکه شما با تلفن صحبت میکنید و شخص دیگری هم در اتاق شروع به صحبت با شما میکند تمرکز خود دراز دست میدهید و نمیتوانید هر دو مکالمه را پردازش کنید.

از نقطه نظری بالاتر نیمکره سمت چپ این مساله را به انسان القا میکند که زندگی پلکانی نامتناهی است و هیچ راهی جز بالارفتن از آن ندارد پلکانی که پله هایش را امنیت، قدرت، ثروت و... تشکیل میدهند. برای انسانهایی که در این قسمت

از مغزشان زندگي ميکنند، دنيا دنياي "Dog Eat Dog" است.



ويژگيهاي تريدهايي که با نيکره چپ مغزشان ترید مي کنند.

پنج رفتار و ويژگي مهم هست که هرگاه آنها را در طول ترید مشاهده کنیم بايد بدانيم که نيکره چپ در آن لحظه در حال فعاليت است:

۱- زبان: بخشي از مغز که گفتار و مفاهيم را کنترل ميکند در نيکره چپ قرار گرفته است و ما در ذهن خود با مفاهيم درگير هستيم نه با واقعيت. تمامي احساسات از مغز مياني نشات ميگيرند و اين قسمت است که رفتار را کنترل ميکند.

شاید تا به حال کتابهایی زیادی در مورد فکر مثبت یا تلقین یا رازهای موفقیت خوانده باشید اما هیچکدام برایتان مفید نبوده باشند، دلیل این مساله در پاراگراف بالا نهفته است.

اینکه هر روز به خودتان بگویید: "من يك تریدر فوق العاده هستم" نه تنها تاثیر مثبت ندارد بلکه در برخی موارد تاثیر معکوس هم دارد، مغز میانی که مسئول رفتار انسان است کلمات را نمیفهمد.

حالت نشستن شما در حال خواندن این کتاب، حالت دستهای شما، حالت پاهایتان، ضربان قلب و درجه حرارت بدن و موارد مشابه تماماً به وسیله مغز میانی کنترل می شوند و این در حالیست که شما برای این موارد هیچ زحمتی به خودتان نمیدهید.

رویاهای ما در مغز میانی شکل میگیرند و به همین خاطر است که شما در خواب واضح حرف نمیزنید یا هیچگاه در خواب کتاب نمیخوانید مگر در مواردی که به آنها Lucid Dream گفته می شود و حالتیست که فرد بین خواب و بیداری قرار گرفته است.

حال اگر بتوانید تفکر مثبت خود را به جای کلمات به صورت تصویر و رویاهای رنگارنگ درآورید مسلماً از تاثیر آن شگفت زده خواهید شد.

۲- زمان: مساله زمان تنها در نیمکره سمت چپ اتفاق می افتد و احساسی که شما از گذشته یا آینده دارید تنها برگرفته از این بخش است. مغز میانی و نیمکره راست فقط حال حاضر را میفهمند. احساس "عجله" یا "عقب ماندن" تنها ریشه در نیمکره چپ دارد و قسمتهای دیگر مغز هیچگاه عجله ای در کارشان ندارند.

۳- قضاوت: احساس درستی یا نادرستی و مقایسه بهتر یا بدتر بودن تنها در نیمکره چپ حضور دارد. مغز میانی یا نیمکره سمت چپ هیچگاه احساسی در مورد یک ترید خوب یا بد ندارند.

۴- جدي بودن: نیمکره سمت چپ تنها می تواند علت و معلول ها را بشناسد اما کنایه یا شوخی یا مفاهیم غیر مستقیم را درک نمیکنند. فرضاً مفهوم یک موسیقی یا یک نقاشی در مغز میانی و نیمکره چپ تفسیر می شوند.

۵- تلاش و مجادله: تنها بخش چپ مغز است که توانایی مجادله را دارد، هرگاه با دیگران حرف میزنید یا به هنگام فکر کردن با خودتان حرف می زنید، نگران محدودیت زمانی هستید، سعی میکنید یک ترید "خوب" انجام دهید و کاملاً جدي هستید، بدانید که در تله نیمکره چپ گرفتار شده اید به بیان دقیق تر به نیمکره سمت چپ مغزتان "معتاد" شده اید. در بخشهای بعد خواهیم دید که این مساله فرد را به بدترین تریدرها تبدیل میکند.

فلسفه نیمکره سمت چپ اینست که شما باید پیشرفت کنید و هیچ راه میانبري هم وجود ندارد بلکه باید چکمه هایتان را به پا کنید و از این پلکان بي پایان بالا بروید.

این بخش از مغز به طور مداوم شما را با تریدرهای دیگر مقایسه میکند: "ایا سیستم آنها از من بهتر است؟ ایا من هم باید روی همان ارزی که آنها معامله کرده اند معامله کنم؟" و هنگامیکه از موفقیت تریدرهای دیگر باخبر می شویم قضیه را اینگونه توجیه میکنیم: "او لاف میزند."

حال چگونه از نیمکره چپ به بهترین نحو استفاده کنیم؟

دو عملکرد مهم نیمکره سمت چپ

۱- به صورت عادت درآوردن يك رفتار

طراحی بیولوژیکی نیمکره چپ مغز ان را برای این عملکرد مهم آماده ساخته است این بخش از مغز ابزار یادگیری هر چیزیست که فکرش را میکنید.

زمانی را به یاد بیاورید که برای اولین بار می خواستید سوار دوچرخه شوید. باید سوار وسیله بی تعادلی می شدید رکاب میزدید، انرا هدایت میکردید و مراقب اطراف خود نیز بودید.

در ابتدا همه فکر میکنند که هیچگاه نخواهند توانست سوار این وسیله شوند.

نیمکره سمت چپ در ابتدا باید تمام اطلاعات را پردازش کند و به تدریج و با تکرار شما تجربه و اعتماد به نفس کافی را پیدا می کنید و مغز میانی جزئیات حرکتی را (که اکنون به صورت عادت درآمده اند) کنترل میکند و در نهایت شما اصلا به چگونگی کار توجه نمیکنید بلکه تنها سوار دوچرخه می شوید و به هر کجا که می خواهید می روید.

به صورت عادت درآوردن به این معنی است که جزئیات کار را به مغز میانی منتقل کنید. نیمکره سمت چپ نمیتواند میلیونها جزئیات مختلف را کنترل کند. دستتان را بالا بیاورید، میدانید در همین حرکت ساده چند ماهیچه فعالیت کرده اند؟ یا چند هزار پالس عصبی فرستاده و دریافت شده اند؟

از اتاقي که نشسته اید بلند شوید و به سمت اشیزخانه بروید، اگر این فرایند را تنها نیمکره چپ انجام میداد مطمئن باشید قبل از اینکه به آنجا برسید مرده بودید.

یکی از اهداف مهم ما در ترید به صورت عادت درآوردن رفتارهای صحیح و سیستمی است که براساس آن ترید میکنیم. ترید تنها بر اساس نیمکره سمت چپ يك خودکشی مالی به حساب میآید. زمانیکه ما سیستم خود را به صورت عادت در آوریم به يك بینش یا حس از بازار می رسیم (احساس ما

ریشه در مغز میانی دارد) چیزی که ورزشکاران با آن Zone می گویند.

۲- حل مساله: از جمله عملکردهای مهم نیمکره سمت چپ حل مساله است. مسائلی که در زندگی روزمره وجود دارند و مسائلی که فرد در طولانی مدت با آنها درگیر است.

حل مساله برای يك تریدر از اهمیت حیاتی برخوردار است. اجازه بدهید مثالی را ذکر کنیم که احتمالاً برای شما هم اتفاق افتاده است: فرض کنید اصلی ترین دلیل برای اینکه شما مایل هستید در بازار موفق باشید، کمبود درآمد باشد، حال اگر خوش شانس بودید و اوضاع بر وفق مراد پیش رفت و به درآمد خوبی دست پیدا کردید، مشکل شما حل شده است. فکر می کنید در نیمکره سمت چپ مغزتان چه اتفاقی می افتد، مساله ای برای حل کردن نمی ماند و نیمکره چپ حس میکند که کارایی خود را از دست داده است و لزومی به وجودش نیست. اما نیمکره چپ مغز يك بروکرات تمام عیار است و به هیچ وجه این وضع را تحمل نخواهد کرد. تنها کاری که می تواند انجام دهد ایجاد مشکلات تازه است، اما چگونه؟ با به وجود آوردن تصمیم های ناچوری که منجر به تریدهایی زیان بار می شود.

این فرایند در روانشناسی Self Destruction نامیده می شود و هنگامی رخ می دهد که فرد خود را موفق می بیند و

این هنگامی است که به شدت مستعد شکست است. در فوتبال بارها این مساله مشاهده شده است که وقتی يك تیم جلو مي افتد دچار خطاهای بسیار ساده و اماتوری میشود.

روندی که بسیاری از تریدرها با آن روبرو مي شوند: شروع خوب، چند ترید مثبت و در نهایت از دست دادن هر آنچه دارند. واکنش طبیعی فرد سرزنش وضعیت بازار است اما سرزنش واقعی متوجه خود فرد است.

یکی از سودمندترین راهبردهای مقابله با این مساله درك این موضوع است که تریدهای سودآور مکرر، تنها بخشی از يك فرایند اماري است نه چیزی بیشتر و دراین فرایند تنها این مساله را مد نظر داشته باشیم که در هر "لحظه" بهترین عملکرد خود را داشته باشیم، همین لحظات هستند که كل يك فرایند را تشکیل مي دهند.

مغز میانی

از نظر فیزیکی این بخش شامل شبکه پیچیده عصبی، تالاموس، هیپوتالاموس و بخش اسپینال مغز مي باشد.

تحقیقات و بررسی ها نشان میدهند که براساس استانداردهای تعریف شده مغز میانی توانایی پردازش حدود ۳۰۰۰۰۰ الی ۵۰۰۰۰۰ بیت در ثانیه را دارا میباشد که قابل مقایسه با نیمکره چپ (که تنها ۱۶ بیت را پردازش مي کند) نیست.

اگر همین الان چشمهای خود را ببندید و سعی کنید تمام اشیا محیط خود را لیست کنید، حدود ۳۰ الی ۷۵ شیء را به یاد می آورید حال اگر در حالت هیپنوتیزم باشید(هیپنوتیزم دسترسی به مغز میانی را فراهم می آورد) صدها و شاید بیش از هزار شیء را نام خواهید برد.

در حالت طبیعی شما از بخشی از اطلاعاتی که شبکه به اعصاب بینایی می فرستد آگاهی دارید. یک لحظه فکر کنید، صدای پرنده ها را می شنوید؟ صدای دستگاه تهویه را حس میکنید؟ صدای تیک تیک ساعت را چطور؟ صدای عبور ماشینها را می شنوید؟ قبل از اینکه به این صداها نامحسوس دقت کنید آنها کجا بوده اند؟

به این دلیل که نیمکره چپ توانایی پردازش محدودی دارد، بیشتر اطلاعات باید به وسیله مغز میانی فیلتر شوند و سپس تحویل نیمکره چپ شوند و به همین دلیل است که تشخیص خطاهای ترید پس از آنکه اتفاق افتادند، بسیار ساده تر است.

این بخش از مغز به این دلیل به این قدرت پردازش نیاز دارد که تمام اعمال حیاتی ما در مغز میانی صورت میگیرند: درجه حرارت بدن، میزان دی اکسید کربن خون و میزان اسید کلریدریک معده را مشخص میکند مغز میانی به ما میگوید که چه زمانی گرسنه یا تشنه هستیم.

اگر بتوانید این قدرت نهفته را به گونه ای برای ترید یا هر کار دیگری مهار کنید به موفقیت های شگفت انگیزی دست پیدا خواهید کرد. فرق یک تریدر معمولی با یک تریدر برجسته در همین موضوع نهفته است.

در اینجا یادآوری میکنیم که یکی از توانایی های مهم نیمکره چپ به صورت عادت درآوردن رفتار و در واقع آموزش مغز میانی در جهت محول کردن کارهایی است که نیمکره چپ توانایی و وقت انجام آنها را ندارد.

مغز میانی به صورت ناخودآگاه رفتار شما را کنترل میکند، حسهای پنجگانه قبل از اینکه به صورت خودآگاه درک شوند، از مغز میانی عبور میکنند.

در کارگاه های عبور از روی آتش، فرد ساعتها از نظر فکری و بدنی آمادگی پیدا میکند، در این فرایند نیمکره چپ به مغز میانی می آموزد که بر ترس از آتش فائق بیاید. مغز میانی کلام را درک نمیکند و به همین خاطر در این روند بیشتر از تصویر سازی استفاده می شود.

در نهایت کسانی در عبور از روی آتش ناموفق هستند که نتوانسته اند این تصاویر را به درستی به مغز میانی منتقل کنند.

بسیاری از افراد به صورت ناخودآگاه رانندگی میکنند و اگر کسی توانسته باشد مغز میانی خود را برای رانندگی به

صورتی کامل آموزش دهد می تواند درحین رانندگی بخوابد (در خواب نیمکره چپ غیرفعال می شود) اما به این دلیل که افراد نادری از این توانایی برخوردارند مغز میانی تا حدی به همراهی نیمکره چپ نیازمند است.

به هر حال مهارتهای ما توسط نیمکره چپ به مغز میانی آموزش داده شده اند و اگر در عاداتها و رفتار خود چیز اشتباهی مشاهده میکنید می توانید مغز میانی را دوباره آموزش دهید.

وقتی فعالیت شما براساس مغز میانی باشد زندگی همچون حرکت با اسکیت لذت بخش خواهد بود و این تفاوت را به راحتی میتوان با زمانی که فعالیت براساس نیمکره چپ مقایسه کرد که زندگی را به یک پلکان نامتناهی تشبیه میکند



زمانی که سوار بر اسکیت هستید برایتان زیاد مهم نیست که در چه مرحله ای هستید و این را میدانید که اگر در قله باشید سرانگیزی در پیش خواهد بود و برایتان ناراحت کننده نیست چون میدانید که به زودی دوباره در قله خواهید بود. زمان از دیدگاه مغز میانی خطی نیست بلکه به یک منحنی یا دایره شبیه است. در واقع برای مغز میانی گذشت زمان مهم نیست.

مغز میانی به وجود آورنده کلیه احساسات بشری است. از نظر فیزیولوژیکی مغز میانی تصمیم میگیرد (به وسیله هورمونها یا سیگنالهای عصبی برای ترشح) که با مایع بدن شما (شامل خون، لنف دیگر مایعات) چه کار کند.

از آنجاییکه درصد بالایی از بدن را مایعات تشکیل میدهند، بدن انسان ابزار بسیار انعطاف پذیری می باشد.

زمانیکه ترس بر شما حاکم میشود مغز میانی مایع بدن را مستقیماً به ناحیه شکمی می فرستد، دلیل خوبی برای این مسأله وجود دارد و آن هم به وجود آوردن حالت دفاعی است. در حالت عصبانیت یا حمله جریان مایعات بدن به سمت عضلات شدت میگیرد تا شما را قادر به واکنش باشید در حالت عصبانیت شما نمیتوانید بیحرکت باشید به این دلیل که مایعات و هورمونهای ترشح شده شما را به حرکت وا میدارند که گاهی اوقات این واکنش ها بسیار شدید است.

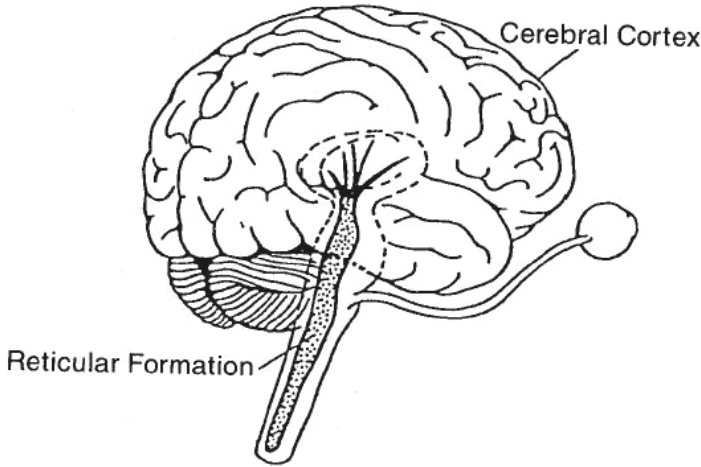
هنگامیکه شما بسیار خوشحال هستید، احساسی رومانتيك دارید و حس خوبی نسبت به زندگی دارید، مایعات به سمت

پوست میایند و همین مساله است که يك زوج جوان که به تازگی عاشق شده اند، شفاف و نورانی به نظر میرسند. بسیاری از مادرانی که باردار هستند نورانی به نظر میرسند به این دلیل که خوشحالند و جریان مایعات در زیر پوستشان شدت پیدا کرده است. به یاد داشته باشید : هر احساسی که دارید از تغییر در مایعات بدن نشأت میگیرد.

حالا این مسائل چه رابطه ای با ترید دارد؟

اگر ما بتوانیم با مغز میانی ارتباط برقرار کنیم می توانیم جریان مایعات بدن و احساسات و در نهایت عملکردمان در ترید را کنترل کنیم.

حال به سؤالی میرسیم که شاید برای شما پیش آمده باشد. حجم عظیم اطلاعاتی که به مغز میانی میرسند چگونه فیلتر می شوند؟ از نظر فیزیولوژیکی این اطلاعات به وسیله Reticular Activating System (RAS) مدیریت میشوند.



RAS در یکی از امن ترین نقاط بدن یعنی بین دو گوش قرار گرفته است و تقریباً به اندازه انگشت کوچک دست میباشد. تقریباً ۷۰ درصد سلولهای مغز با این قسمت در ارتباط هستند، اگر شما به هر نحوی به این بخش صدمه وارد کنید به حالت کما خواهید رفت و تا زمانیکه RAS فعالیتش را از سر نگیرد، در حالت کما خواهید ماند.

شب هنگام که به خواب فرو میروید، RAS سیگنالی را به هیپوتالاموس میفرستد که هورمونی به نام سروتونین (Serotonin) ترشح کند تا نیمکره چپ به طور موقت به خواب فرو برود. از جمله وظایف اصلی RAS تصمیم گیری درباره اطلاعاتی است که به نیمکره چپ منتقل می شوند.

معیار تصمیم گیری RAS در گزینش اطلاعات توسط بازخورهایی مشخص می شود که نیمکره چپ به RAS ارایه می دهد، این موضوع نوعی پارادکس به نظر میرسد اما در واقع معیارهای تصمیم گیری در طول فرایند "به صورت عادت در آوردن يك رفتار" منتقل میشوند و RAS می آموزد که نیمکره چپ به چه نوع اطلاعاتی علاقه دارد و همین مساله برداشت های مختلف را به وجود می آورد، اشعار حافظ برای ما مثال خوبی هستند که هر کسی به تناسب وضع روانی يك بيت را برای خود تفسیر میکند. در اینجا يك مثال رفتاری میاوریم:

زمانیکه در خیابان قدم میزنید صدای پای صدها عابر را می شنوید اما توجهی به آنها ندارید، هنگامیکه در خانه صدای پای یکی از افراد خانواده را می شنوید که به سوي اتاق شما میاید می توانید از صدای پایش تشخیص دهید چه کسی می تواند باشد حال اگر در نیمه شب صدای پای ناآشنایی را بشنوید بدن و مغز شما به حالت آماده باش در میایند.

واکنشهای متفاوت در اثر فیلترینگ متفاوت اطلاعات روی میدهند. در طول تردید برداشت شما از بازار، اینکه چه موقع و به کدام سو حرکت میکند همان چیزی است که در طول زمان به RAS اموخته اید. یکی از مسائل حیاتی برای يك تریدر "مشاهده محض" است.

"مشاهده محض" مشاهده ایست که احساسات را در آن دخالت ندهیم و در واقع اتفاقات را آنچنان که هست ببینیم نه آنچنان که میخواهیم.

قطعه اي از البوم "Ray of The Light" بیانگر این موضوع هست:

You only see what your eyes want to see

How can life be what you want it to be

You're frozen when your heart's not open

You're so concerned with how much you get

You waste your time with hate and regret

You're broken when your heart's not open

در اینجا تستی را برای انجام میدهم می خواهی کاری را مورد مشاهده قرار دهی که هرکسی در روز بارها انجام میدهد اما قبل از انجام این مشاهده یادآوری میکنیم که تست مشکلی در پیش رو دارید.

از شما خواسته می شود که به روند تنفس خود توجه کنید و مشاهده کنید که چگونه نفس میکشید.

بسیاری از افراد در این تست یکی از این دو واکنش را نشان میدهند: کمی عمیقتر نفس میکشند یا نفس خود را حبس میکنند. اگر شما هم تغییری در تنفس خود اعمال کرده اید باید بدانید که "مشاهده محض" را به انجام نرسانده اید. در این تست حس "قضاوت" که از وظایف اصلی نیمکره چپ است به میان میاید و از خود میپرسد: چه چیزی از من انتظار میرود؟ آیا باید عمیقتر نفس بکشم؟

اجازه بدهید آزمایش دیگری را انجام دهیم. این دفعه کاری از شما خواسته می شود که شاید همین امروز دهها بار انجام داده اید، عملی حیاتی که برای بقا، عملی که حتی قبل از تولد هم انجام داده اید.

آزمایش ما اینست که ۵ بار سریع و پشت سر هم عمل بلعیدن را انجام دهید (بدون خوردن یا آشامیدن چیزی).

لطفا قبل از انجام دادن این آزمایش بقیه متن را مطالعه نکنید. این مساله بسیار حائز اهمیت است.

چه تغییری در توانایی شما برای بلعیدن اتفاق افتاد؟ هر دفعه زمان بیشتری طول میکشد تا عمل بلع را انجام دهید اما چرا؟ به این دلیل که شما تلاش میکنید عملی را انجام دهید که مدتها پیش به مغز میانی آموزش داده شده است و زمانی که سعی در مشاهده یا تمرکز بر آن را دارید در واقع نیکرہ چپ در کار مغز میانی اختلال ایجاد میکند.

این همان مشکلی است که در طول ترید اتفاق میافتد. ترید عملی است که باید به وسیله مغز میانی و نیمکره راست انجام شود و زمانیکه نیمکره چپ در اینکار به صورتی خودآگاه دخالت میکند، ترید مشکل و زیان ده میشود.

تحلیل بازار و ایجاد طرح برای ترید وظیفه نیمکره چپ است اما عمل ترید به مغز میانی و نیمکره راست مربوط میشود.

ویژگی بی نظیر مغز میانی قدرت پردازش بالا میباشد و اگر شما از این بخش از مغز به درستی استفاده کنید هیچگاه احساس عجله، قضاوت یا تنش و مجادله در کارهایتان نخواهید داشت.

نیمکره سمت راست

اکنون میدانیم که مغز میانی هزارن برابر قدرتمندتر از نیمکره چپ عمل میکند. اما هنوز کسی دقیقاً نمیداند که میزان توانایی نهفته در نیمکره راست چقدر است.

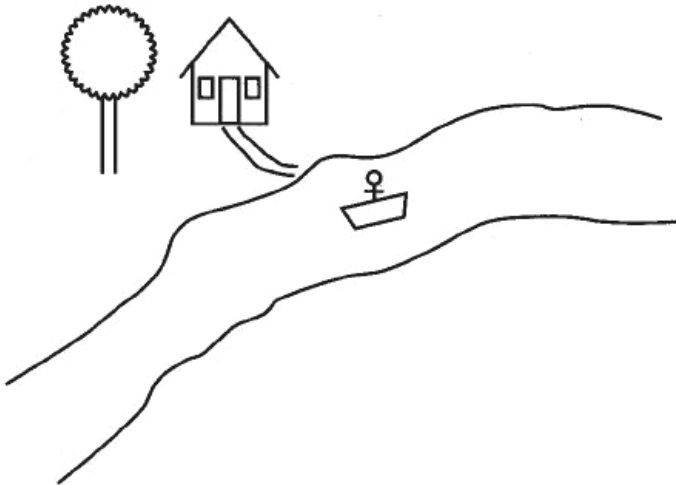
از نظر عملکردی سه فرایندی که در نیمکره راست مغز انجام میگیرد به این شرح است:

- الهام

- بینش

- خلاقیت

وقتي نیمکره راست اختیار امور را در دست داشته باشد همه چیز اسان به نظر میرسد. به جاي تنش و مجادله اي که از نیمکره چپ نتیجه مي شود يا بالا و پايين که از مغز مياني نتیجه ميشود، نظر گاه نیمکره راست به دنيا همچون رودخانه ايست که قايقي در ان شناور است و ان را به پيش ميبرد، دنيا (بازار) يك مکانيسم حمايتي است، به نظر ميرسد شما هيچگاه اشتباه نميکنيد و هميشه خوش شانس هستيد و همه چیز دست به دست هم داده اند تا شما را خوشحال کنند. اين دقيقا نقطه مقابل تفکر نیمکره چپ يعني "Dog Eat Dog World" است.



اگر با سخت افزار کامپیوتر تا حدی آشنایی داشته باشید ما میتوانیم تقسیم بندی مغز را اینگونه شبیه سازی کنیم که نیمکره چپ، واسط نرم افزاری، مغز میانی پردازشگر مرکزی (CPU) و نیمکره راست رابطی است که CPU را به تمامی CPUهای موجود در جهان متصل میکند.

نیمکره سمت راست جزء ناشناخته ترین بخشهای سیستم عصبی به شمار میآید. ما نمی توانیم حتی تصویری از قدرت نهفته در این قسمت داشته باشیم، شاید بتوان گفت که نیرویی نامتناهی در این بخش نهفته است.

نکته برجسته نیمکره راست مغز قدرت آن نیست بلکه گنجایش نامحدود آن است شاید این مفهوم در جمله ای که ۳۰۰ سال پیش گالیله گفته، نهفته باشد: " شما نمیتوانید به کسی چیزی را بیاموزید، تنها کاری که میتوانید بکنید این است که افراد را از آنچه درون آنهاست، آگاه کنید".

در مکاتب هندو و به ویژه مکتب یوگا، هفت مرحله در سر راه يك سالک قرار دارد و مرحله نهایي رسیدن به دانش نامتناهی می باشد. در واقع یوگی (سالک مکتب یوگا) در مراحل مختلف از غرایز خود عبور میکند و به مغز میانی و نیمکره سمت راست خود دسترسی پیدا میکند و فردی که به این مراحل میرسد می تواند بر زمان و مکان خود نیز کنترل پیدا کند.

سعی نهایی ما در ترید، دسترسی به تمام منابع مغز و ایجاد هماهنگی بین آنهاست اما چگونه؟ جزئیات این مطلب نیازمند مطالعات و خواست واقعی شماست اما خطوط کلی که فرد بر اساس آنها باید حرکت کند این است که از بند محدودیت هایی که نیمکره چپ به شما تحمیل میکند رها شوید، فرای کلام باشید، زمان را فراموش کنید، قضاوت را کنار بگذارید و از جهانی بر اساس فیزیک کلاسیک و قوانین ارسطویی رها شوید.

"در لحظه زندگی کنید" شاید بارها این جمله را شنیده باشید، او شو(عارف و دانشمند هندی) بارها به این جمله اشاره میکند. بسط این جمله که معادل جمله ایست که ما چند سطر قبل به کار بردیم (زمان را فراموش کنید) کار ساده ای نیست اما همیشه انرا به یاد داشته باشید و سعی کنید تصویری از ان در ذهنتان بسازید و همه جا انرا به خاطر داشته باشید.

بزرگترین دشمن ما در طول ترید استفاده ناصحیح از مغزمان میباشد. وظیفه اصلی نیکره چپ تحلیل بازار و طرح و نقشه است و اگر این بخش از مغز بخواهد در انجام یک طرح شرکت کند ان طرح به شکست خواهد انجامید.

موزارت یکی از بزرگترین موسیقی دانان تاریخ گفته است که جزئیات یک قطعه موسیقی، لحظه به لحظه به او الهام میشد.

در زبان پارسی دو نوع شعر وجود دارد شعر کوششی و شعر جوششی، در شعر جوششی شاعر هیچگونه تلاشی برای ساختن شعر انجام نمیدهد بلکه هر آنچه میگوید در همان لحظه

به او الهام شده است برای مثال مولانا جلال الدین نمونه برجسته ای از جوشش شعر و عرفان است .

در نیمکره راست زمان و مکان کاملاً انعطاف پذیر هستند. شاید جالب باشد که بدانید فیزیک مدرن با به کار گیری نبوغ بشری و سرمایه گذاریهای میلیارد دلاری در حال رسیدن به همان نتایجی است که پیروان ذن با استفاده از ذهن و نیروی درونی خود، هزاران سال است به آنها دست یافته اند.

موفقیت در نهایت، از هماهنگی بین قسمتهای مختلف مغز به دست می آید هر بخش از مغز نقش و وظیفه مشخصی در یک تردید موفق ایفا میکند و اگر در کار بخش دیگری دخالت داده شود موجب اختلال کار و شکست می شود شکل زیر نشان دهنده این موضوع می باشد

